

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ناب آوری در سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر بعد کالبدی (محل نخل ناخدا و طلابند، شهر بندرعباس)

وحید سهرابی، مهدی آویش، اسماعیل ذولفی زاده..... ۱-۱۸

جایگاه مساجد در هویت بخشی به محلات و فضاهای شهری

جواد اکبری، فاطمه قاسمی..... ۱۹-۲۹

شناسایی و تدوین راهبردهای نوسازی بافت فرسوده با تلفیق مدل‌های استراتژیک و تحلیل شبکه

(SWOT - ANP) (مطالعه موردی: محله دردشت اصفهان)

جمال محمدی، زهرا سالاری..... ۳۰-۴۸

بررسی معماری ایرانی و اسلامی با هدف بازگشت به هویت

شقایق فریاد، فاطمه قاسمی..... ۴۹-۵۸

تحلیلی بر تأثیرات آینده جغرافیای رفتاری بر بیماری‌های واگیردار و کووید ۱۹ با رویکرد ساختاری

محمدرضا امیری فهلیانی، داود مرادی..... ۵۹-۷۶

فهم مولفه‌های فضایی-کالبدی مکان در تولید سرمایه اجتماعی در جوامع محلی

رهیافت نظریه داده بنیاد (مورد مطالعه: محله رودکی، منطقه ۱۰ شهرداری تهران)

آیلین شیدایی، محسن اسماعیلی..... ۷۷-۹۲

صاحب امتیاز: دکتر سعید ملکی

مدیر مسئول: دکتر کریم حسین زاده دلیر

سر دبیر: دکتر سعید ملکی

اعضای هیأت تحریریه:

دکتر کریم حسین زاده دلیر استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز
دکتر سعید ملکی استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز
دکتر احمد پورا احمد ۱ استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران
دکتر صدیقه لطفی استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران
دکتر عیسی ابراهیم زاده استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه سیستان و بلوچستان
دکتر حمیدرضا وارثی استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه اصفهان
دکتر رسول قربانی استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز
دکتر حسین نظم فر استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه محقق اردبیلی
دکتر مسعود صفایی پور استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز
دکتر ناهید سجادیان استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز
دکتر محمدعلی فیروزی استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز
دکتر یارمحمد قاسمی استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه ایلام
دکتر مصطفی محمدی دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز
دکتر سعید امانپور دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز

اعضای مشورتی هیأت تحریریه (بین المللی)

Saied Pirasteh, Faculty of Environment, University of Waterloo, Waterloo, Canada

Soheil Sabri Centre for Spatial Data Infrastructures and Land Administration in The University of Melbourne

ویراستار فارسی: دکتر مختار ابراهیمی استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

ویراستار انگلیسی: مریم ابراهیمی کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی

مدیر داخلی: دکتر الیاس مودت استادیار گروه شهرسازی دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول

مدیر اجرایی: دکتر زهرا سلطانی استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

کارشناس نشریه: مهناز حسینی سیاه گلی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز

صفحه آرایی: فهیمه فدایی جزبی

ناشر: دکتر سعید ملکی (خصوصی)

آدرس: ایلام، خیابان پاسداران، خیابان شهید چمران، بن بست شهید چمران، کد پستی ۴۸۴۸۴-۶۹۳۱۶

شاپای الکترونیکی: ۰۲۷۶-۲۷۸۳

تلفن: ۰۸۴۳۳۵۰۹۲۴-۰۹۱۸۸۴۲۴۱۵

پست الکترونیک: sdsjournal@gmail.com

پست الکترونیک پشتیبان: sustainableregionaldevelopmentstudiesjournal@gmail.com

وبسایت نشریه: www.srds.ir

این فصلنامه مسئول آرا و نظریات مندرج در مقالات نیست. فصلنامه در ویرایش مطالب آزاد است؛ مقالات دریافت شده برگردانده نمی شود.

این فصلنامه با عنوان "مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای" در زمینه جغرافیا (تخصصی) به زبان فارسی و ترتیب انتشار فصلنامه مجوز انتشار به شماره ۸۲۷۸۲ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۳۱ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت نموده است.

راهنمای تدوین و ارسال مقاله به فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای

نحوه ارسال مقاله

- ۱- پذیرش مقاله صرفاً از طریق سایت فصلنامه <http://srds.ir> امکان پذیر است. برای ثبت نام در سایت فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای و ارسال مقاله لطفاً مراحل زیر را اجرا فرمایید:
- ۲- به سایت <http://srds.ir> وارد شوید. به سایت فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای خوش آمدید
- ۳- روی گزینه (ورود به سامانه) کلیک کنید، سپس روی کلمه (ثبت نام در سامانه) کلیک کنید. صفحه ثبت نام ظاهر خواهد شد. پس از تکمیل صفحه ثبت نام روی گزینه ذخیره در پایین صفحه کلیک کنید، آنگاه به E-mail خود مراجعه فرمایید و کد کاربری و رمز ورود خود را دریافت نمایید.
- ۴- در این مرحله، کد کاربری و رمز ورود که از طریق سیستم به ایمیل شما ارسال گردیده، وارد کنید و از خدمات Online فصلنامه استفاده نمایید.
- ۵- یادآوری: قابل ذکر است که از این اسم شناسه و کلمه عبور هم برای انجام داوری و هم برای ارسال مقالات خود می‌توانید استفاده نمایید.

راهنمای نگارش مقاله

- نشریه "مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای" در علوم جغرافیایی، برنامه ریزی شهری و منطقه ای، محیط زیست شهری، آمایش سرزمین، علوم اجتماعی، شهرسازی و سایر رشته های مرتبط، به زبان فارسی، مقاله می‌پذیرد.
۱. نشریه "مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای" فقط مقالات علمی را می‌پذیرد که جنبه علمی و پژوهشی داشته باشد.
 ۲. حاصل مطالعات، تجربه‌ها و پژوهش های نویسنده یا نویسندگان باشد.
 ۳. مقاله قبلاً برای هیچ یک از نشریات داخلی و خارجی ارسال و یا در هیچ یک از آنها چاپ نشده باشد.
 - ۴- زبان رسمی فصلنامه، فارسی است، اما چکیده مقالات به زبان انگلیسی نیز ضروری است.
 - ۵- مقالاتی که توسط دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری با همکاری استادان راهنما و یا مشاور تهیه می‌شود، ضرورتاً باید با امضای استاد مربوطه به فصلنامه ارسال گردد؛ در غیر این صورت در هیأت تحریریه قابل طرح نخواهد بود. در عین حال نویسنده مسئول و ترتیب اسامی نویسندگان به همان ترتیبی که در سایت ثبت شده باشد، در مقاله خواهد آمد و پس از آن غیر قابل تغییر خواهد بود.
 - ۶- چکیده فارسی مقاله (۲۰۰ تا ۲۵۰ واژه)، و شامل باید دارای مقدمه و بیان مسأله، هدف، روش، یافته‌ها، نتیجه‌گیری و ۳ تا ۷ واژه کلیدی باشند.
 - ۷- مقالات ار سالی به فصلنامه، در محیط Word با قلم B Nazanin نازک فونت ۱۲، فاصله تقریبی میان سطور ۱ حروفچینی و تایپ گردد. حاشیه از بالا ۳، از پایین ۳، از راست ۳ و از چپ ۳ سانتیمتر باشد. عنوان مقاله با فونت B Titr ۱۴، مشخصات نویسنده یا نویسندگان با فونت B Nazanin ۱۰، چکیده فارسی با فونت B Nazanin ۱۰ و چکیده انگلیسی با قلم Times New Roman ۱۰) فهرست عنوان‌های متن با فونت B Nazanin Bold ۱۴، عنوان های فرعی با فونت B Nazanin Bold ۱۲، منابع و مآخذ با فونت معمولی Nazanin ۱۲ نگاشته شود.
 - ۸- مقاله در چهار فایل جداگانه شامل؛ یک فایل مقاله با مشخصات نویسنده یا نویسندگان با فرمت Word، فایل دوم حاوی مقاله اصلی در محیط Word بدون صفحه مشخصات نویسندگان، فایل سوم حاوی مقاله اصلی PDF شده بدون صفحه مشخصات نویسندگان و فرمت تعدنام مقاله باشد.
 - ۹- مقالات ارسال شده باید دارای بخش‌های زیر باشد :

صفحه اول:

عنوان کامل مقاله به فارسی، مشخصات نویسنده یا نویسندگان بر اساس فرمت مجله چکیده فارسی (۲۰۰ تا ۲۵۰ واژه)، کلید واژگان فارسی (۳ تا ۷ واژه کلیدی).

و عنوان کامل مقاله به انگلیسی، مشخصات نویسنده یا نویسندگان بر اساس فرمت مجله به انگلیسی
چکیده انگلیسی (۲۵۰ تا ۳۰۰ واژه)، کلید واژگان انگلیسی (معادل کلید واژه های فارسی)

صفحه دوم

به بعد متن اصلی مقاله آورده شود، شامل: مقدمه و بیان مسأله، مبانی نظری، معرفی محدوده مورد مطالعه (با ارائه نقشه)، پیشینه پژوهش، روش پژوهش، تجزیه و تحلیل داده ها، نتیجه گیری، پیشنهادها، منابع و مأخذ باشد.

✓مأخذ در متن مقاله به روش APA شامل؛ داخل پرانتز با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار: صفحه مورد استفاده آورده شود.

✓مثال نحوه ارجاع در داخل متن: (شکوئی، ۱۳۷۲: ۶۰)

✓معادل های انگلیسی در هر صفحه با علامت یا شماره گذاری مستقل برای هر صفحه، در پاورقی آورده شود.

✓روش ارائه منابع و مأخذ در انتهای مقاله:

✓ مثال برای کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان، (سال انتشار). عنوان کتاب. نام ناشر. شماره جلد. نوبت چاپ. محل انتشار.
بدیهی است نحوه درج در فهرست منابع و مأخذ به ترتیب حروف الفبا خواهد بود. مثال: شکوئی، حسین (۱۳۷۲). دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، جلد اول، چاپ هفتم، تهران.

✓مثال برای نشریه: نام خانوادگی، نام نویسنده یا نویسندگان (سال انتشار). عنوان مقاله، نام نشریه، دوره، شماره صفحات مقاله (مثال: صص ۱۰-۳۶).

✓در استفاده از واژه ها و عبارات غیرفارسی تا حد امکان معادل فارسی آنها در متن بکاررود و خود عبارت در اولین بکارگیری در زیرنویس ذکر شود.

✓در صورت استفاده از منابع غیرفارسی ارجاع داخل متن به فارسی در متن نوشته شود و نام ها و سال در اولین بار به انگلیسی در زیرنویس ارائه شود.

✓در ارجاع درون متنی، در منابعی که بین ۲ تا ۵ نویسنده دارند در بار نخست ذکر نام فامیل همه نویسندگان الزامی است، در تکرارهای بعدی از واژه «و همکاران» استفاده می شود. برای منابع با نویسندگان ۶ و بیشتر از واژه «و همکاران» استفاده نمایید
✓دقت داشته باشید تمام منابع فارسی و انگلیسی در فهرست منابع قرار داشته باشد و از ذکر منابعی که در متن استفاده نشده است، جداً خودداری گردد.

✓از بکار بردن واژه همان در منابع داخل متن (همان و قبلی، ۱۳۹۸: ۲۰) خودداری شود.

✓در متن مقاله به شماره عکس ها، جداول و نمودارها اشاره شود و محل تقریبی آنها مشخص گردد.

✓در تنظیم جداول، منحنی ها، اشکال و تصاویر، رعایت نکات زیر الزامی است:

۱- اطلاعات جداول باید شامل: شماره و عنوان باشد و اگر داده ها و اطلاعات جداول از سازمان، سایت و پژوهشی اخذ شده است در پایین جدول مأخذ آن ذکر گردد.

۲- هر ستون جدول باید دارای عنوان و واحد مربوط به خود باشد، چنانچه تمام ارقام جدول دارای واحد یکسان باشند، می توان واحد را در عنوان جدول ذکر نمود.

۳- توضیحات اضافی عنوان و متن جدول، به صورت زیرنویس ارائه گردد. نتایج بررسی های آماری، باید به یکی از روش های علمی در جدول منعکس شود.

۴- شکل ها با فرمت تک ستونی با کیفیت مطلوب در مقاله درج می شوند.

۵- کلیه نقشه ها، شکل ها، نمودارها و تصاویر با واژه "شکل" نامگذاری شده و عنوان شکل در زیر آن درج شود.

۶- شماره شکل (ها) به ترتیب ارائه نتایج آنها در مقاله تعیین و محل قرارگیری شماره آنها پس از ارائه نتایج ذریبط در متن مقاله می باشد
۷- شکل ها باید به صورت رنگی یا سیاه و سفید و با کیفیت مناسب و مطلوب تهیه شده و شماره و عنوان آنها در پایین بیاید. نقشه ها باید واضح باشند مطالب آنها خوانا و دارای مقیاس باشد. ذکر مأخذ عکس ها یا شکل هایی که از منابع دیگر اقتباس شده اند، الزامی است، در عین حال جداول، نقشه ها، نمودارها و اشکالی که توسط نویسنده یا نویسندگان تولید گردیده نیز مأخذ آن به نویسنده یا نویسندگان ارجاع داده شود. بطور مثال (مأخذ: نویسندگان، ۱۳۹۸).

روابط و فرمول های ریاضی با یک سایز کوچکتر از متن مقاله و از سمت چپ تایپ می شوند و برای اشاره به آن ها از شماره فرمول در داخل پرانتز استفاده می شود. شماره هر فرمول در گوشه سمت راست آخرین سطر فرمول درج می شود.

- به کاربردن اعداد به صورت لاتین (به استثنای فرمول‌ها) مجاز نمی‌باشد، بنابراین تمام اعداد در داخل متن و جداول به صورت فارسی تایپ شده و دقت شود که تنظیمات نرم افزار آفیس به صورت (Context) باشد.
- مقاله‌های رسیده توسط سه نفر از استادان متخصص به صورت محرمانه داوری خواهد شد.
 - بدیهی است در صورتی که مقاله از نظر داوران نیاز به اصلاحاتی داشته باشد، پس از اعمال نظرات اصلاحی داوران در مقاله، لازم است جهت بررسی های بعدی، موارد اصلاح شده توسط نویسنده به صورت هایلایت شده به رنگ زرد در داخل متن مقاله مشخص گردد.
 - مسؤولیت صحت و سقم مقاله به لحاظ علمی و حقوقی به عهده نویسنده مسئول مکاتبات است.
 - مقالات ترجمه اصولاً پذیرفته نمی‌شود.
 - حداکثر حجم مقالات، شامل جدول‌ها و منحنی‌ها ۲۰ صفحه A4 باشد.
 - فصلنامه حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و از بازگرداندن مقالات دریافتی معذوراست.
 - اصل مقالات رد شده یا انصراف داده شده، پس از سه ماه از مجموعه آرشیو فصلنامه خارج خواهد شد و فصلنامه هیچ گونه مسؤولیتی در این زمینه نخواهد داشت.

فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای	
عنوان مقاله	B Titr 14
نام نویسنده و نویسندگان	B Nazanin 10 Bold
مشخصات نویسنده یا نویسندگان (افیلیشن)	B Nazanin 10
چکیده	B Nazanin 14
متن چکیده	نازک B Nazanin 10
Article Title	B Times New Roman,12Bold
نام نویسنده و نویسندگان به لاتین	B Times New Roman,10Bold
مشخصات نویسنده یا نویسندگان (افیلیشن) به لاتین	B Times New Roman,10
عناوین اصلی	B Nazanin 14 Bold
متن مقاله به فارسی	نازک B Nazanin 12
منابع لاتین در متن	B Times New Roman,10
عناوین فرعی	B Nazanin 12 Bold
عناوین جداول	B Nazanin 11 Bold
متن جداول	B Nazanin 10 Bold
عناوین شکل‌ها	B Nazanin 11 Bold
متن شکل	B Nazanin 10 Bold
روابط و فرمول‌های ریاضی	B Times New Roman,10Bold
منابع فارسی	نازک B Nazanin 11
منابع لاتین	نازک B Times New Roman,10

داوران دوره ۴، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۱- تابستان ۱۴۰۲ فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای

دکتر حسین حاتمی نژاد	دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تهران
دکتر مسعود صفایی پور	استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز
دکتر اکبر کیانی	دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زابل
دکتر سعید امانپور	دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز
دکتر محمد سلاورزی زاده	استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه ایلام
اباذر اشتری مهرجردی	عضو هیأت علمی گروه مطالعات علم و فناوری، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم
دکتر محمدرضا روحانی رصاف	دانش آموخته جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز
دکتر محمود اکبری چهار راه گشین	استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه یاسوج
دکتر علی آذر	عضو هیأت علمی گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه
دکتر سعید ملکی	استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز
دکتر پاکزاد آزادخانی	استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه باختر
دکتر الیاس مودت	استادیار گروه شهرسازی دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول
مهناز حسینی سیاه گلی	دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز
صفیه دامن باغ	دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز

فهرست مقالات

عنوان	صفحه
○ تاب آوری در سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر بعد کالبدی (محلۀ نخل ناخدا و طلابند، شهر بندرعباس)	
❖ وحید سهرابی، مهدی آویش، اسماعیل ذولفی زاده.....۱-۱۸	
○ جایگاه مساجد در هویت بخشی به محلات و فضاهای شهری	
❖ جواد اکبری، فاطمه قاسمی۱۹-۲۹	
○ شناسایی و تدوین راهبردهای نوسازی بافت فرسوده با تلفیق مدل‌های استراتژیک و تحلیل شبکه	
(SWOT - ANP) (مطالعه موردی: محلۀ دردشت اصفهان)	
❖ جمال محمدی، زهرا سالاری۳۰-۴۸	
○ بررسی معماری ایرانی و اسلامی با هدف بازگشت به هویت	
❖ شقایق فریاد، فاطمه قاسمی۴۹-۵۸	
○ تحلیلی بر تأثیرات آینده جغرافیای رفتاری بر بیماری‌های واگیردار و کووید ۱۹ با رویکرد ساختاری	
❖ محمدرضا امیری فهلیانی، داود مرادی۵۹-۷۶	

تاب آوری در سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر بعد کالبدی

(محله نخل ناخدا و طلابند، شهر بندرعباس)

وحید سهرابی^{۱*}، مهدی آویش^۲، اسماعیل ذولفی زاده^۳

۱. دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد واحد لارستان، لارستان، ایران

۲. دانش آموخته مهندسی ارشد سازه، دانشگاه آزاد واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران

۳. دانش آموخته مهندسی ارشد سازه، دانشگاه آزاد واحد لارستان، لارستان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مهمترین الزامات پرداختن به مسائل کالبدی شهرها، ارتقاء سطح تاب آوری محلات شهری در صورت بروز حوادث احتمالی است. تاب آوری مفهومی جدید در برنامه ریزی شهری است که به توانایی مردم، گروه ها و اشیا در بازگشت به شرایط اولیه یا بهتر است.

روش بررسی: تحقیق حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و از نوع کاربردی است که از ۱۱ معیار به منظور سنجش تاب آوری کالبدی استفاده شده است. وزن معیارها با روش مثلث سلسله مراتبی فولر نشان می دهد که وضعیت مالکیت (۰،۲۱)، تعداد خانوار در واحد مسکونی (۰،۱۸) و وضعیت اشتغال سرپرست خانوار (۰،۱۶۵) بیشترین اهمیت را در سنجش میزان تاب آوری در محله ناخدا و طلابند دارد. ترکیب معیارها با روش مجموع ساده وزنی در ۵ طبقه گویای سطح تاب آوری در محله نخل ناخدا و طلابند است که مروری بر یافته ها نشان می دهد که ۴۶ درصد از مساحت محله در سطح تاب آوری بالا و بسیار بالا قرار دارد که تنها ۲۸ درصد از جمعیت را در خود جای داده است و از طرفی ۳۰ درصد از محلات مذکور در سطح تاب آوری پایین و بسیار پایین واقع شده است که این سطح از نظر جمعیتی ۴۲ درصد را شامل می شود.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نقشه نهایی که در پنج طبقه از بسیار پایین تا بسیار بالا محاسبه شده است نشان می دهد ۳۰ درصد از محله نخل ناخدا و طلابند در سطح تاب آوری پایین و بسیار پایین واقع شده است می توان استدلال کرد که ویژگی های کالبدی نقش بسیار مهمی در میزان تاب آوری سکونتگاه های غیر رسمی بازی می کنند و با هر گونه تغییر در معیارهای کالبدی می توان تاب آوری محله را به میزان قابل توجهی متأثر ساخت.

کلید واژه‌ها: کالبدی، سکونتگاه غیررسمی، تاب آوری، بندرعباس.

* نویسنده مسئول: sohrabiv@gmail.com

ارجاع به این مقاله: سهرابی، وحید؛ آویش، مهدی؛ ذولفی زاده، اسماعیل (۱۴۰۲). تاب آوری در سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر بعد کالبدی (محله نخل ناخدا و طلابند، شهر بندرعباس)، فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۴(۱)، ۱۸-۱.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از معضلاتی که همواره و در طی قرون متمادی زندگی جوامع انسانی را مورد تهدید قرار داده، وقوع بلایا و سوانحی است که در صورت ناآگاهی و نداشتن آمادگی، صدمات جبران ناپذیری به ابعاد مختلف زندگی انسانها اعم از حوزه‌های سکونت، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، روانشناختی و غیره وارد می‌کند. از جمله عواملی که منجر به افزایش احتمال خطر بلایا در نواحی شهری می‌گردد می‌توان به رشد جمعیت، توسعه شهری برنامه ریزی نشده، تمرکز اموال و دارایی، فقر، توسعه سریع سکونتگاه‌های غیررسمی، ضعف مدیریت شهری و غیره اشاره کرد (León and March, 2014:251). اسکان غیررسمی به سبب باز تولید فقر و گسترش آن، به مخاطره انداختن محیط‌زیست و تحمیل هزینه‌ای بیشتر برای حل مشکلات در مقایسه با هزینه پیشگیری از آن‌ها، تهدید جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری و نیازمند تدابیر ویژه‌ای برای ساماندهی وضعیت کنونی و جلوگیری از گسترش آن‌ها در آینده است (قراقیه و سبزواری، ۱۴۰۱: ۳). این گونه سکونتگاه‌ها هرچند جلوه‌ای از فقر است اما بازتاب کاستی‌ها و نارسایی‌ها سیاست‌های دولتی و بازار رسمی نیز محسوب می‌شوند که ساکنان آن را معمولاً مهاجران روستایی و اقشار کم درآمد شهری تشکیل می‌دهند که در محله‌های خاصی اسکان یافته‌اند (آنامراندزاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۵).

تا دهه ۱۹۸۰ رویکرد میزان آسیب‌پذیری و مقابله با بحران بر متون نظری مدیریت بحران حاکم بود. از دهه ۱۹۸۰ و به خصوص ۱۹۹۰، محققان علوم اجتماعی به نقد رویکرد علوم طبیعی در مدیریت بحران پرداختند و معتقد بودند که آسیب‌پذیری یک خصوصیت اجتماعی نیز دارد و به خسارت جمعیتی و فیزیکی محدود نمی‌شود. از آن پس رفته رفته تلاش‌هایی جهت تغییر پارادایم غالب مدیریت بحران صورت گرفته است به طوری که دیدگاه غالب از تمرکز صرف بر کاهش آسیب‌پذیری به افزایش تاب‌آوری در مقابل سوانح تغییر پیدا کرده است (داداش پور و عادل، ۱۳۹۴: ۷۴). در ۲۲ ژانویه ۲۰۰۵، چارچوب طرح هیوگو برای عمل در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ به تصویب استراتژی بین‌المللی کاهش بحران سازمان ملل متحد رسید که خود حرکتی مثبت در زمینه تاب‌آوری محسوب می‌شود. از زمان تصویب این لایحه قانونی، هدف اصلی برنامه‌ریزی برای مخاطره و کاهش خطر بحران، به نحوی بارز به سمت تمرکز روی ایجاد تاب‌آوری در جوامع گرایش پیدا کرده نه کاهش آسیب‌پذیری. در حال حاضر توجه زیادی به ظرفیت‌های جوامع بحران‌زده برای بازگشت به گذشته یا بازیابی می‌شود (Mayunga, 2007:3). توانایی اجتماع نه تنها برای رسیدگی کردن به مصیبت‌هاست، بلکه برای کسب نیرو به عنوان یک نتیجه از آن برای بازیابی از مخاطرات است (Ainuddin, 2012:26).

تاب‌آوری به دو دلیل مهم است؛ اول اینکه، چون آسیب‌پذیری سیستم‌های اجتماعی و فناورانه به‌طور کامل قابل پیش‌بینی نیست. دوم اینکه، مردم و دارایی‌ها در شهرهای تاب‌آور باید در مواجهه با حوادث بهتر عمل کنند نسبت به کمک آن‌ها و جوامعی که کمتر انطباق‌پذیر هستند. یکی از مزایای برنامه‌ریزی برای تاب‌آوری شهرها این است که نیازی به تمرکز بر روی یک الگوی خاص فرم شهری یا توسعه شهری نمی‌باشد. انعطاف‌پذیری مفهوم تاب‌آوری اجازه می‌دهد که با توجه به شرایط منحصر به فرد شهرها و برنامه‌های توسعه، این مفهوم جواب‌گویی داشته باشد. این موضوع سبب می‌شود که خلاقیت فکری برای اندیشیدن به راه‌های گوناگون کسب تاب‌آوری به وقوع پیوندد، بدون این‌که در چارچوب خاصی محدود شود (احمدی نیا و بزرگان، ۱۳۹۵: ۲). تمرکز بر تاب‌آوری با اقدامات بازآفرینی پایدار در ارتقای ظرفیت تاب‌آوری محلی و منطقه‌ای در برابر بحران‌ها و حوادث تأکید دارد (Kontokosta and Malik, 2018:273).

بندرعباس به عنوان دروازه واردات کشور، یکی از بزرگترین بنادر کشور را در خود جای داده است و به دلیل سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی در بخش بندار و حمل و نقل، پذیرای جمعیت از اقصا نقاط کشور بوده است. جمعیت شهر بندرعباس در یک

بازه ۳۰ ساله (۱۳۷۵ الی ۱۳۹۵) از ۲۷۳۵۷۸ به ۶۸۰۳۵۷ نفر به عبارتی ۲٫۵ برابر افزایش یافته است. نکته قابل توجه اینکه ۶۰ درصد از افزایش جمعیت شهر بندرعباس معادل ۲۴۴۶۰۶ نفر در دوره ۵ ساله ۹۵-۹۰ به شهر بندرعباس اضافه شده اند که عمده‌تاً با هدف دست‌بابی به شغل دست به مهاجرت زده‌اند. از آنجایی که دارای درآمد پایین بوده، توانایی تأمین مسکن به صورت رسمی را نداشته و مناطق حاشیه ای را بهترین مامن برای سکونت خود برگزیده اند. نخل ناخدا و طلاوند یکی از سکونتگاه‌های غیررسمی در جنوب شرق شهر بندرعباس است که طی دهه‌های اخیر جمعیت‌پذیری مهاجرین به حاشیه بندرعباس بوده‌است. با توجه به اینکه سکونتگاه‌های غیررسمی را اکثراً روستاییان مهاجر و اغلب فقیر تشکیل می دهند، احتمالاً در مواقع بحران بیشتر از سایر بافت‌های شهری تحت تاثیر قرار می‌گیرند، لذا ضرورت دارد جهت برنامه‌ریزی ابتدا سطح تاب‌آوری محدوده مورد سنجش قرار گرفته شود.

مبانی نظری پژوهش

تاب‌آوری از ریشه لاتین " Resilio " به معنای "برگشت به عقب" گرفته شده است (kelin et al:2003.102). مفهوم تاب‌آوری هم‌چنین برای به رسمیت شناختن پیچیدگی تعاملات محیط اجتماعی و پیچیدگی تغییرات هم استفاده شده است (Maguire & Cartwright, 2008: 5). تاب‌آوری را به‌عنوان توانایی فرد در انطباق با استرس، ضربه، آسیب و سختی تعریف می‌کنند (Luthar et al,2000: 560). تاب‌آوری جامعه یک چارچوب مفهومی برای اندازه‌گیری ظرفیت یک جامعه، جهت مقابله با تغییرات و شرایط اضطراری ارائه می‌دهد و به‌عنوان عنصر اصلی شیوه زندگی پایدار در نظر گرفته می‌شود (Bonanno et al, 2015: 76). در ادامه دسته‌بندی از تعاریف ارائه شده‌است:

جدول ۱. دسته‌بندی تعاریف مختلف تاب‌آوری

دیدگاه اکولوژیکی	چشم‌انداز بلند مدت	مفهوم سازگاری	مفهوم پایداری	عکس آسیب‌پذیری
تأکید بر: - ساختار یک سیستم و ظرفیت خود سازماندهی مجدد آن - تاب‌آوری در برابر سوانح به عنوان یک فرآیند است، تا یک نتیجه و پیامد.	تأکید بر: - فرآیند بازیابی بلند مدت بعد از یک سانحه - معیاری در طول زمان برای بازیابی یا برگشت به عقب جهت حفظ تعادل باشد. - برگشت سریع به مسیر قبلی رشد	توانایی سیستم اجتماعی در: - خود سازماندهی کرده - حفظ ساختارهای بنیادین - افزایش ظرفیت یادگیری.	تأکید بر: - پایداری به بقای طولانی مدت، بدون کاهش کیفیت زندگی، اشاره دارد. - وابستگی به منابع طبیعی - استفاده پایدارتر از منابع جامعه	موجب دور تسلسل می‌شود، یعنی جامعه آسیب‌پذیر است چون تاب آور نیست، و تاب آور نیست چون آسیب‌پذیر است.

منبع: (رفعیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۷)

پیشینه پژوهش

مفهوم تاب‌آوری برای اولین بار در سال ۱۹۷۳ توسط شخصی به نام هولینگ مطرح شد. مطابق تعاریف بیان شده توسط وی، تاب‌آوری معیاری از توانایی سیستم برای جذب تغییرات است در حالیکه هنوز مقاومت قبلی وجود دارد (مهردانش، گونا، آزادی زاده، ۱۳۹۹: ۱۳۹). به طور کلی پژوهش‌های زیادی حول تاب‌آوری در شهرها انجام شده است که با توجه به قرابت موضوعی در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود.

لطفی و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیق با عنوان تحلیل فاکتورهای فرسایشی و کالبدی تاب‌آوری در بافت فرسوده شهر ایلام به این نتیجه رسیده که ۶۲ درصد از مساحت بافت فرسوده شهر ایلام در بازه تاب‌آوری نسبتاً کم تا خیلی کم قرار دارند. محمودزاده و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیق با عنوان سنجش و ارزیابی میزان تاب‌آوری بافت فرسوده شهری در برابر زلزله، نمونه مورد مطالعه: شهرکرد تعداد ۴۴ شاخص تاب‌آوری شهری در قالب ۴ شاخص مکنون کالبدی، اقتصادی، نهادی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده و نشان می‌دهند که بین محلات شهرکرد از نظر میزان تاب‌آوری تفاوت خیلی زیادی وجودی دارد؛ بدین صورت که محلات واقع در شرق و جنوب شهرکرد، محلات بخش مرکزی و محلات جنوب شرقی به ترتیب دارای تاب‌آوری خیلی زیاد، متوسط و پایینی هستند و نتایج کلی گواه بر مهم بودن بعد کالبدی نسبت به بقیه ابعاد است.

نامجو و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی پیرامون سنجش تاب‌آوری شهری در برابر خطر زمین لرزه در کلانشهر تبریز دریافتند که وضعیت تاب‌آوری در شهر تابعی از بعد اجتماعی ۲،۱۹، بعد اقتصادی ۲،۳۷، بعد نهادی ۱،۹۴ و بعد ۲،۵۷ است. ملکی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان ارزیابی طیف تاب‌آوری کالبدی شهرها در برابر زلزله با استفاده از مدل‌های برنامه‌ریزی در شهر ایلام با ترکیب معیارهای موثر و رتبه‌بندی آن در شهر نشان دادند ۵۴،۱۷ درصد از نواحی شهر ایلام در مقابل خطرات و ناآرامی‌ها تاب‌آور است.

هاک و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیق با عنوان تاب‌آوری ساختار و زیرساخت‌های شهری از طریق ارتباطات: دیدگاه نهادی در مورد مدیریت ریسک بلایا در کرایست چرچ تیوزیلند به این نتیجه رسیده که اثربخشی اشکال مختلف ارتباطات نهادی به شرایط موجود بستگی دارد. بنابراین، اشکال خاص ارتباطات باید به صورت موردی در اولویت قرار گیرد.

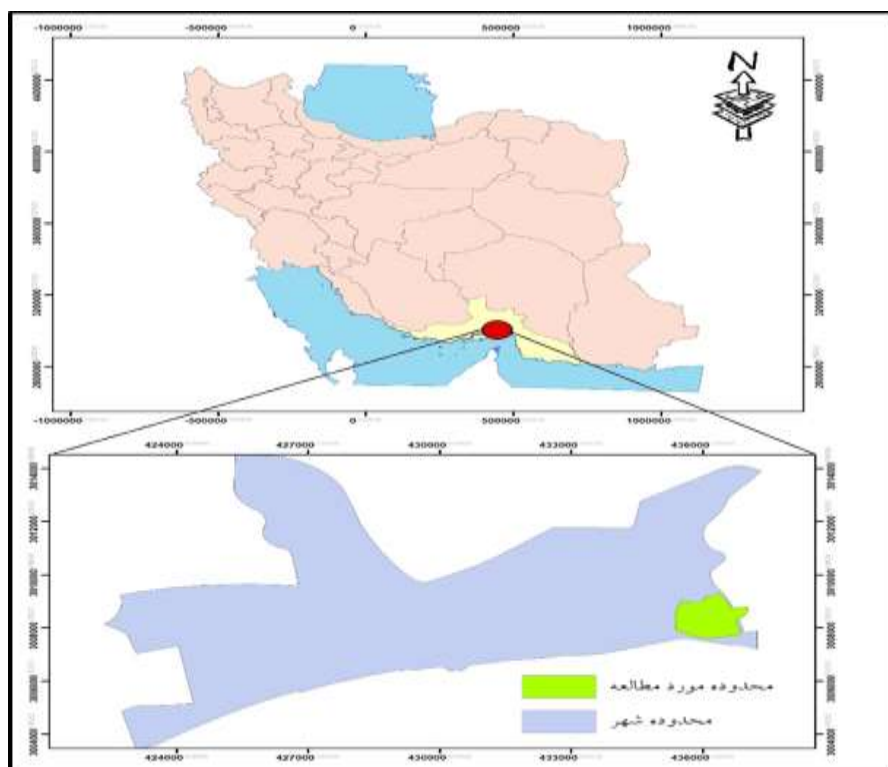
وانگ و همکاران (۲۰۲۰) نبر در مطالعه ساختار تاب‌آوری اجتماعی در سیچوان پس از زلزله ونچوان نشان دادند که افزایش خودسازماندهی در جوامع می‌تواند مشکلات ناشی از اقدامات جمعی را برطرف کند و تاب‌آوری در برابر بلایا را تقویت کند. مارانا و همکاران (۲۰۱۹) نیز در مقاله‌ای با عنوان نقشه راه به سوی تاب‌آوری شهری نشان می‌دهند که بعد نهادی و به‌طور خاص هماهنگی بین سازمانی، مهمترین مولفه تاب‌آوری در بهبود تاب‌آوری شهری است.

دویل (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان تاب‌آوری شهری: بازآفرینی دوبلین داک لندز، قابلیت تاب‌آوری را به عنوان توانایی شهرها برای تغییر، سازگاری و در پاسخ به تنش‌ها و بحران‌ها تعریف نموده است. نتایج مطالعه دوایل نشان می‌دهد که بعد مدیریتی-نهادی تاب‌آوری در بازآفرینی محدوده مورد مطالعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

آماتونگا و هیق (۲۰۱۱) با جمع‌آوری نتایج پژوهش‌های گذشته در خصوص بازسازی‌های انجام شده پس از سوانح به‌منظور افزایش تاب‌آوری دریافتند که تاب‌آوری را باید از ملزومات بازسازی در نظر گرفت.

معرفی محدوده مورد مطالعه

محله نخل ناخدا واقع در منتهی‌الیه جنوب شرقی شهر بندرعباس واقع شده است که از جنوب به خیابان ساحلی صدف، از شرق به خیابان خلیج فارس و از غرب و شمال غربی به خیابان امامت و خیابان شهید چرخنده محدود می‌باشد. محلات نخل ناخدا و طلابند با مساحتی معادل ۱۷۶،۹ هکتار در حاشیه شرقی شهر بندرعباس قرار دارند که جمعیتی بالغ بر ۱۴ هزار نفر را در خود جای داده است.



شکل ۱. موقعیت سیاسی _ اداری محدوده مورد مطالعه، مأخذ: تحقیقات نگارندگان



شکل ۲. موقعیت نسبی محدوده مورد مطالعه، مأخذ: تحقیقات نگارندگان

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت و روش شناسی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف از نوع کاربردی به انجام رسیده است. اساس مطالعه حاضر تحلیل فضایی است. داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، شناسایی و از طریق مراجعه به شهرداری گردآوری شده است. همچنین برای رسیدن به هدف تحقیق از روش مجموع ساده وزنی استفاده شده است. این روش یکی از قدیمی‌ترین و ساده‌ترین روش‌های به کارگیری شده در MADM است (اصغریور، ۱۳۹۰: ۲۳۲) این روش در سال ۱۹۸۱ توسط هوانگ و یون ارائه شده است (عطایی، ۱۳۸۹: ۶۱). برای استفاده از این روش، مراحل زیر ضرورت دارد:

۱. کمی کردن ماتریس تصمیم‌گیری
۲. بی‌مقیاس‌سازی خطی مقادیر ماتریس تصمیم‌گیری
۳. ضرب ماتریس بی‌مقیاس شده در اوزان شاخص‌ها
۴. انتخاب بهترین گزینه (A^*) با استفاده از معیار زیر:

$$A^* = \{A \mid \text{Max} \sum_{j=1}^n n_{ij} w_j\}$$

به عبارت دیگر، در روش SAW گزینه‌ای انتخاب می‌شود (A^*) که حاصل جمع مقادیر بی‌مقیاس شده‌ی وزنی آن ($n_{ij} w_j$)، از بقیه‌ی گزینه‌ها بیشتر باشد (عطایی، ۱۳۸۹: ۶۳). در این تحقیق از ۱۱ معیار به منظور سنجش تاب‌آوری در محله نخل ناخدا و طلابند استفاده شده است که در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲. معیارهای مؤثر در سنجش تاب‌آوری در محله نخل ناخدا و طلابند

معیار	طبقه‌بندی	معیار	طبقه‌بندی
خانوار در واحد مسکونی	۱ خانوار در هر واحد	وضعیت اشتغال سرپرست خانوار	شاغل
	بین ۱ الی ۳ خانوار در هر واحد		بیکار
قدمت بنا	کمتر از ۵ سال	وضعیت مالکیت	رسمی
	۵ تا ۱۰ سال		قولنامه‌ای
	کمتر از ۱۰ سال		عدوانی
	۱۰ تا ۲۰ سال	طبقات ساختمان	۱
کیفیت بنا	۲۰ تا ۳۰ سال		۲
	بیش از ۳۰ سال		۳
	نوساز		۴
	قابل قبول		۵
مساحت ساختمان	مرمتی	سطح اشتغال بنا	کمتر از ۱۵ درصد
	مخروبه		۱۵ الی ۳۰ درصد
	کمتر از ۱۰۰ متر مربع		۳۰ الی ۵۰ درصد
	۱۰۰ الی ۲۰۰		۵۰ الی ۶۰ درصد
دسترسی به معابر اصلی	۲۰۰ الی ۳۰۰		۶۰ الی ۸۰ درصد
	۳۰۰ الی ۴۰۰	تراکم جمعیت	۸۰ الی ۱۰۰ درصد
	۴۰۰ الی ۵۰۰		کمتر از ۱ نفر در هر پارسل
	بیش از ۵۰۰		بین ۱ الی ۳ نفر در هر پارسل
نفر در اتاق	فاصله کمتر از ۱۵ متر		بین ۳ الی ۵ نفر در هر پارسل
	بین ۱۵ الی ۳۰ متر		بین ۵ الی ۱۰ نفر در هر پارسل
	بین ۳۰ الی ۵۰ متر		بین ۱۰ الی ۱۵ نفر در هر پارسل
	بیش از ۵۰ متر		بیش از ۱۵ نفر در هر پارسل
نفر در اتاق	۱ نفر در اتاق	بین ۳ الی ۵ نفر در هر اتاق	
	بین ۱ الی ۳ نفر در هر اتاق	بیش از ۵ نفر در هر اتاق	

تحلیل یافته‌ها

تحلیل فضایی رویکردی روش شناسانه است که به شناسایی و تحلیل پراکندگی، روابط متقابل پدیده‌ها، تفاوت‌ها و تشابهات آن‌ها در چارچوب دیدگاه‌های جغرافیایی می‌پردازد (شماعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۵۰). بنابراین یکی از الزامات تحلیل فضایی، آماده‌سازی معیارهای سنجش به صورت نقشه یا همان تشکیل ماتریس کمی است. از آنجایی که معیارها/نقشه‌ها عمدتاً با واحدهای متفاوتی اندازه‌گیری می‌شوند (تعداد طبقات، کیفیت مطالع، تراکم جمعیت و غیره)، قابل مقایسه نیستند. بنابراین باید در قالبی قابل مقایسه باهم دیگر قرار داده شوند. بر همین اساس باید به صورت استاندارد و همسو تعریف شوند. در اینجا از روش استاندارد سازی خطی استفاده شده است. در استاندارد سازی خطی، n_{ij} معرف نمره استاندارد شده در رابطه با عارضه (گزینه) i ام و صفت j ام است؛ a_{ij} معرف ارزش خام و $\max_{aij}$ نیز ارزش حداکثر برای صفت j ام را مشخص می‌سازد (تابع شماره یک برای معیارهای مثبت و تابع شماره دو برای معیاری منفی). (پورطاهری، ۱۳۸۹: ۲۷).

$$n_{ij} = \frac{a_{ij}}{\max a_{ij}} \quad \text{تابع شماره 1}$$

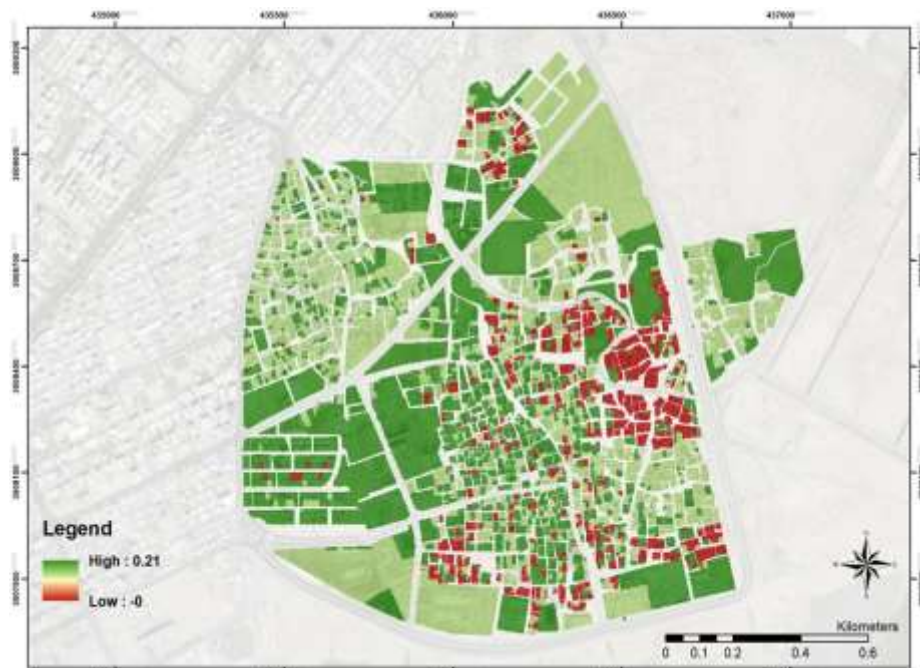
$$n_{ij} = 1 - \frac{a_{ij}}{\max a_{ij}} \quad \text{تابع شماره 2}$$

مرحله بعد وزن دهی است. در اینجا لازم است وزن نسبی هر معیار در رابطه با سنجش تاب آوری محله محاسبه شود. در این مرحله پرسشنامه‌ای در قالب مدل سلسله مراتبی فولر تدوین گردید که توسط کارشناسان و خبرگان امر نظرسنجی شده است. مثلث سلسله مراتبی فولر یک مدل وزن دهی به معیارهاست که به صورت مقایسه زوجی و شمارش تکرار هر معیار محاسبه می‌شود (علوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۶). مطابق با نتایج، وضعیت مالکیت (۰,۲۱)، تعداد خانوار در واحد مسکونی (۰,۱۸) و وضعیت اشتغال سرپرست خانوار (۰,۱۶۵) بیشترین اهمیت را در سنجش میزان تاب آوری در محله ناخدا و طلابند دارد.

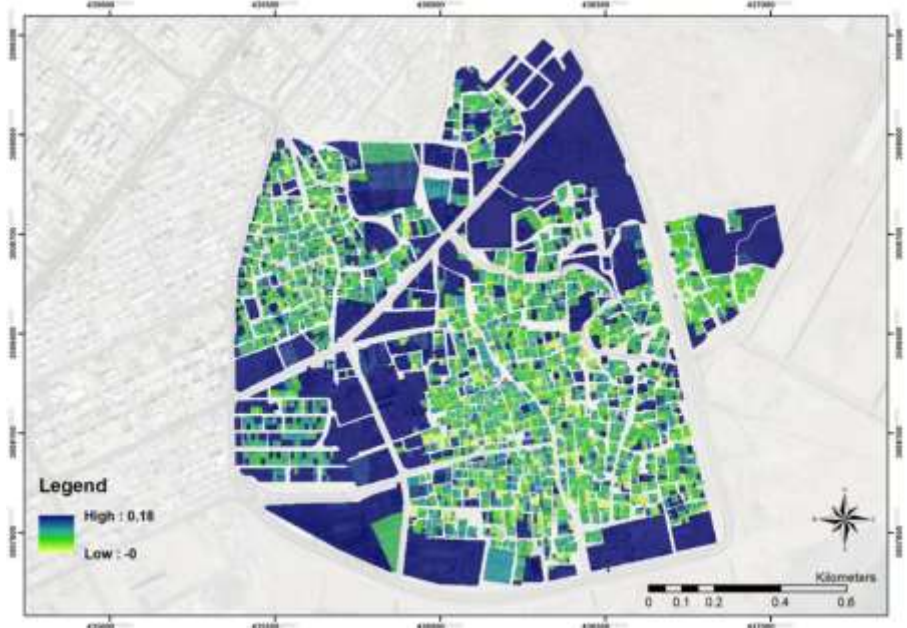
جدول ۳. وزن نسبی معیارهای سنجش تاب آوری

وزن نسبی	معیار
۰/۲۱	وضعیت مالکیت
۰/۱۸	خانوار در واحد مسکونی
۰/۱۶	وضعیت اشتغال سرپرست خانوار
۰/۱۲	تراکم جمعیت
۰/۰۹	قدمت بنا
۰/۰۶	کیفیت بنا
۰/۰۴۵	سطح اشتغال بنا
۰/۰۴۲	دسترسی به معابر اصلی
۰/۰۳۶	مساحت ساختمان
۰/۰۳	نفر در اتاق
۰/۰۲۴	طبقات ساختمان

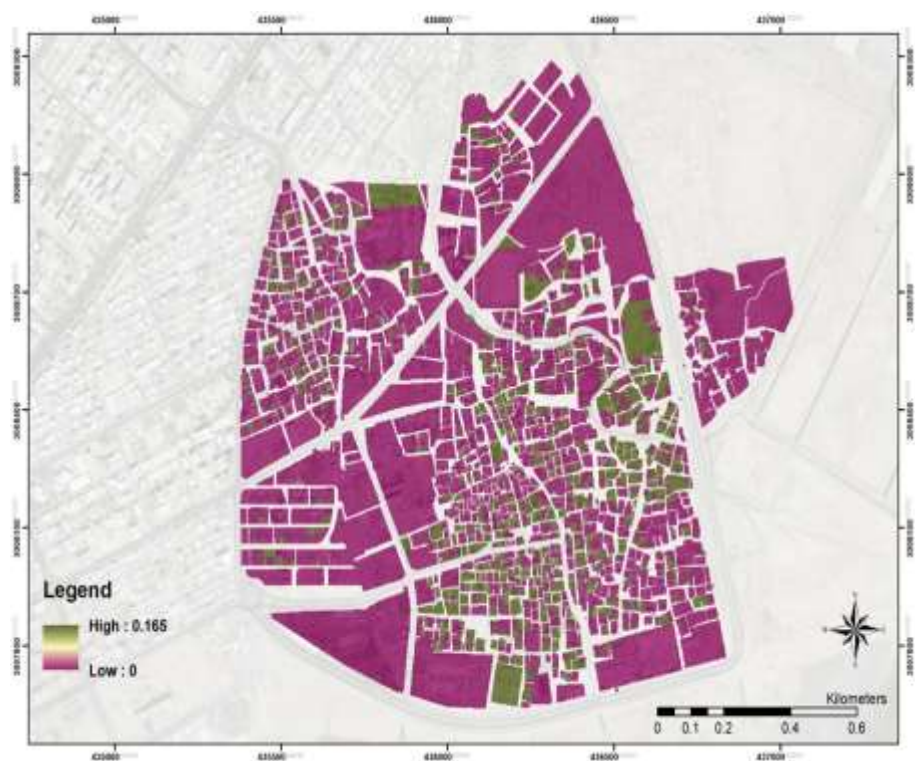
نقشه ارائه شده در ذیل نشان دهنده لایه های نرمال شده وزنی برای سنجش میزان تاب آوری در محله نخل ناخدا تهیه شده است. در فرایند تحلیل به منظور نرمال سازی از طبقه بندی یاد شده در جدول شماره ۲ و برای وزن دهی از نتایج جدول شماره ۳ استفاده شده است.



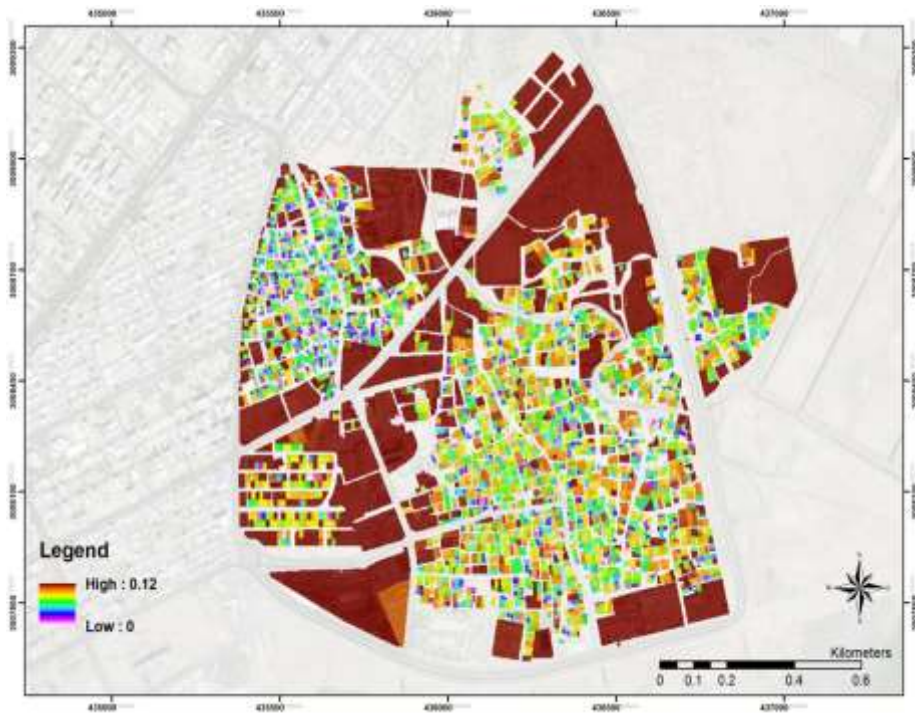
شکل ۳. معیار استاندارد شده وزنی وضعیت مالکیت در تاب آوری مأخذ: تحقیقات نگارندگان



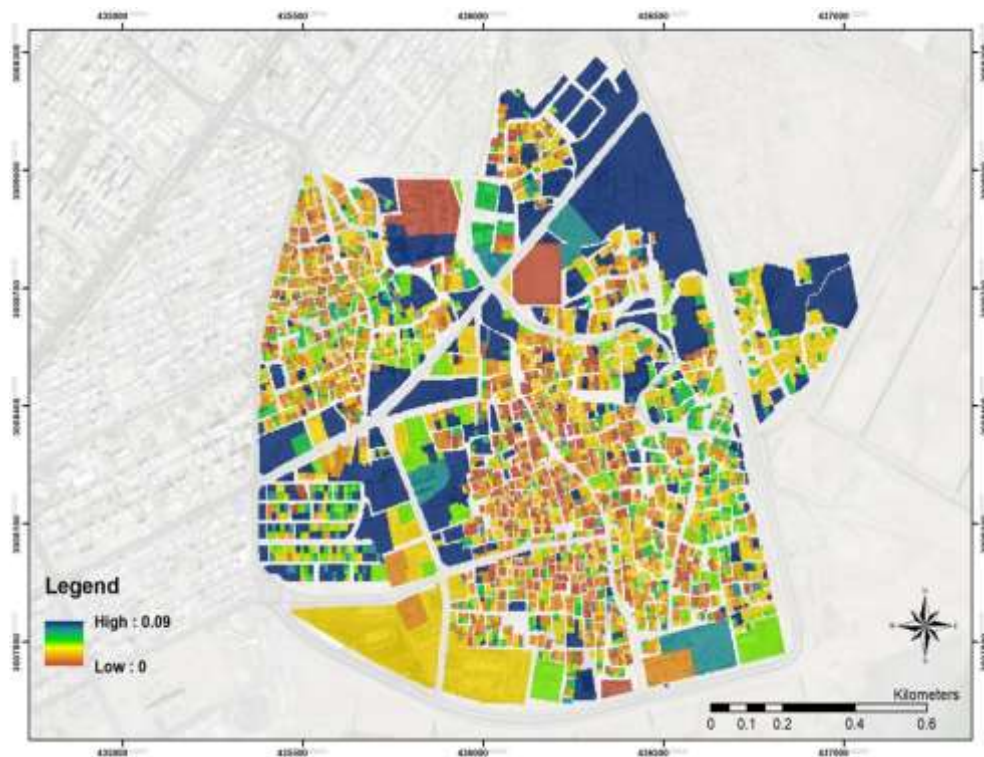
شکل ۴. معیار استاندارد شده وزنی خانوار در واحد مسکونی مأخذ: تحقیقات نگارندگان



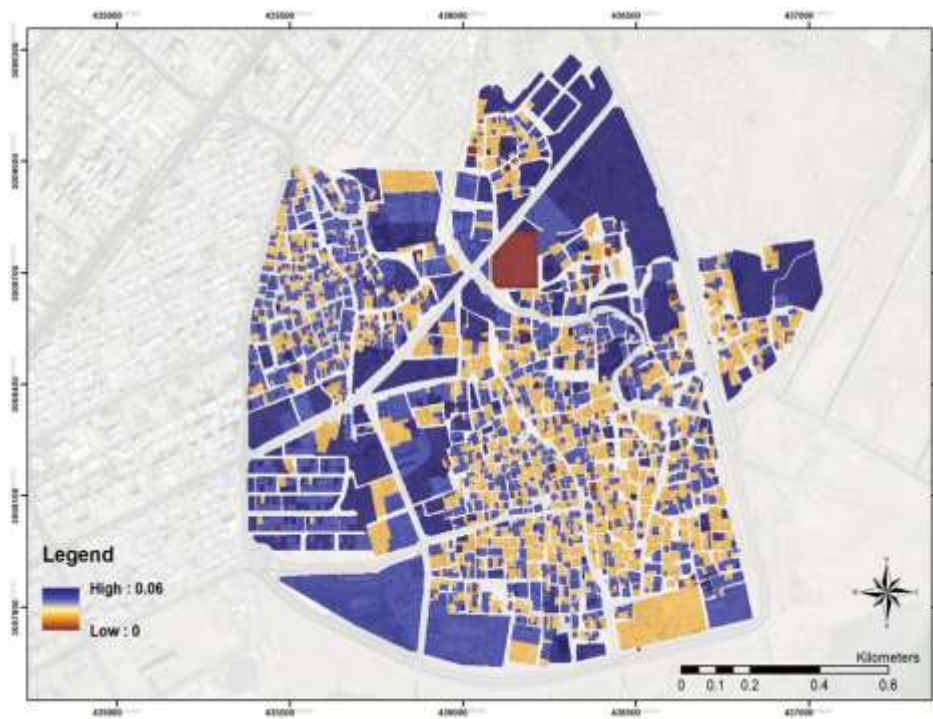
شکل ۵. معیار استاندارد شده وزنی وضعیت اشتغال سرپرست خانوار مأخذ: تحقیقات نگارندگان



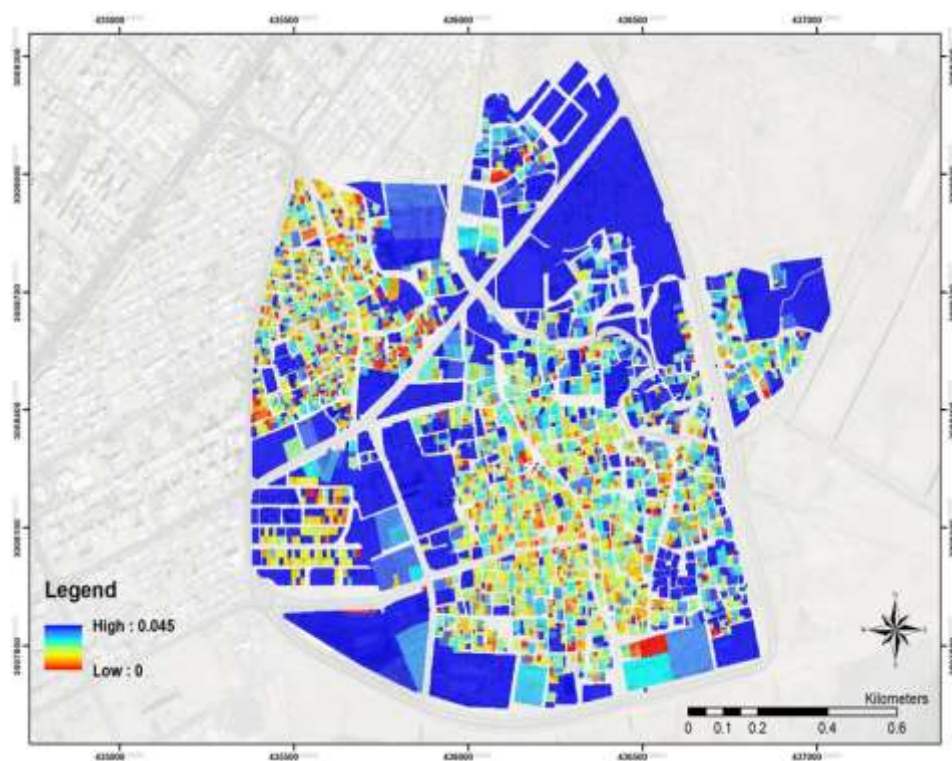
شکل ۶. معیار استاندارد شده وزنی تراکم جمعیت مأخذ: تحقیقات نگارندگان



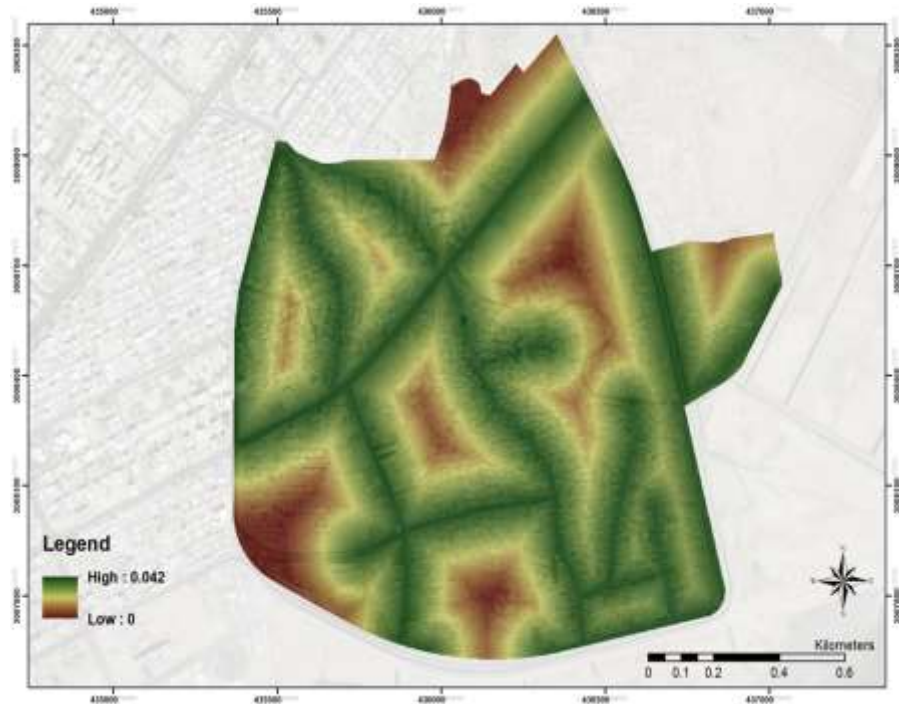
شکل ۷. معیار استاندارد شده وزنی قدمت بنا مأخذ: تحقیقات نگارندگان



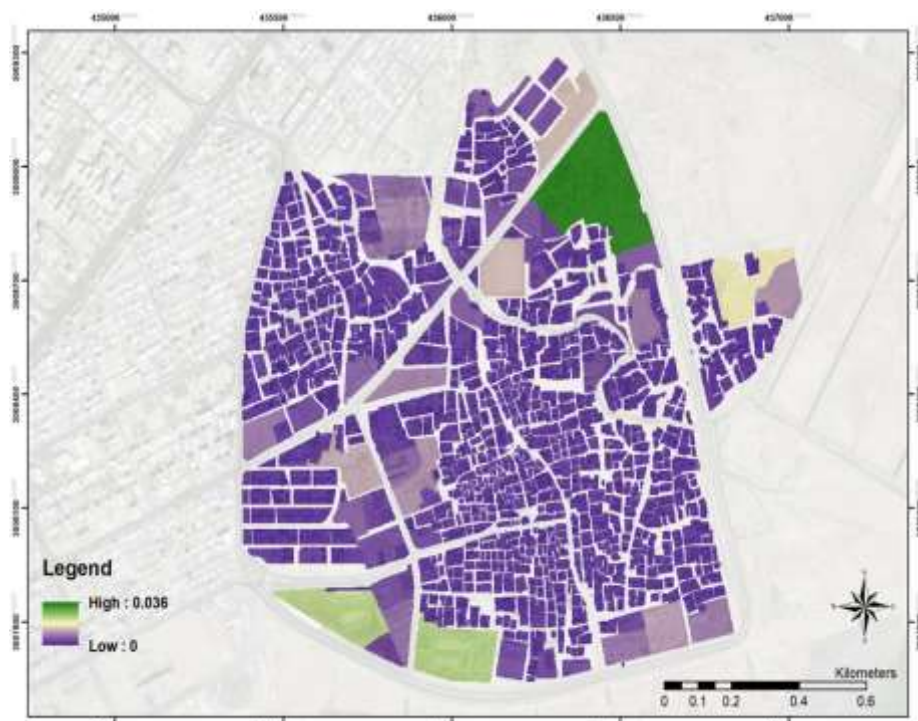
شکل ۸. معیار استاندارد شده وزنی کیفیت بنا مأخذ: تحقیقات نگارندگان



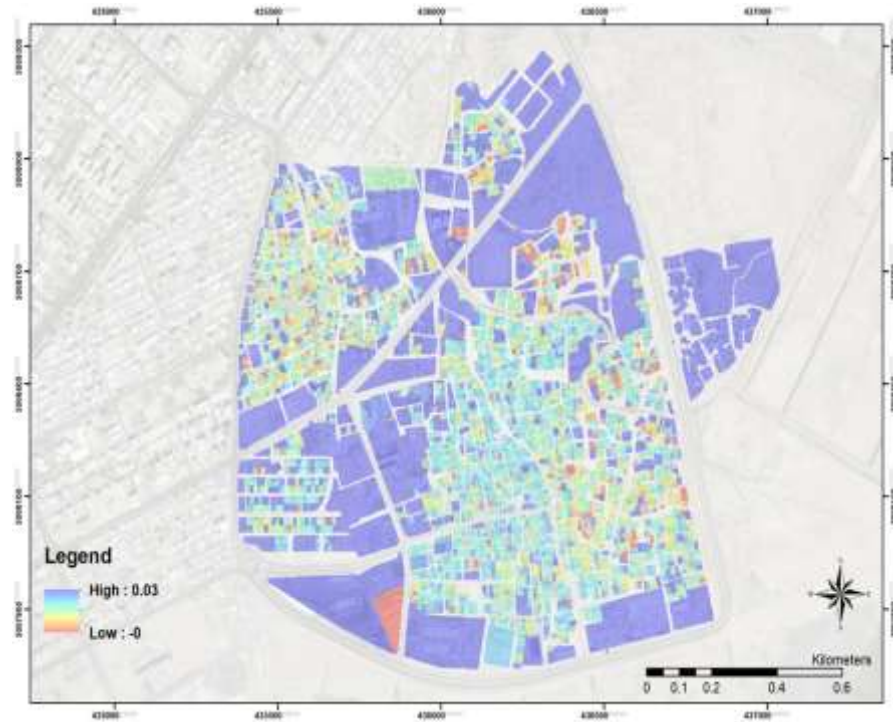
شکل ۹. معیار استاندارد شده وزنی سطح اشتغال بنا مأخذ: تحقیقات نگارندگان



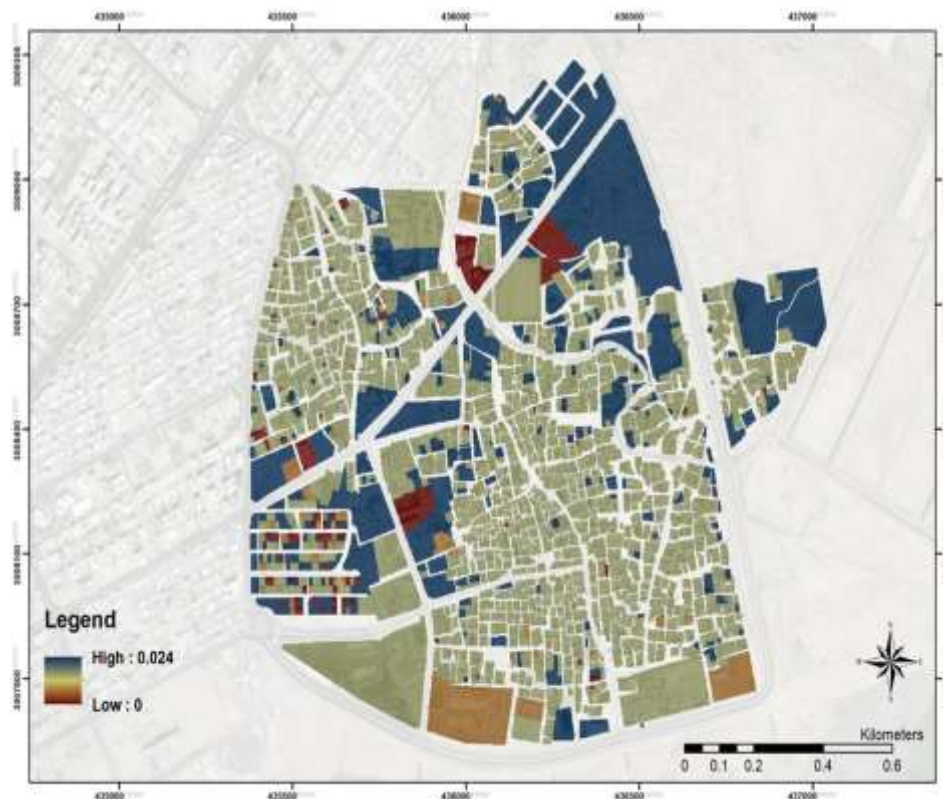
شکل ۱۰. معیار استاندارد شده وزنی دسترسی به معابر اصلی مأخذ: تحقیقات نگارندگان



شکل ۱۱. معیار استاندارد شده وزنی مساحت ساختمان مأخذ: تحقیقات نگارندگان



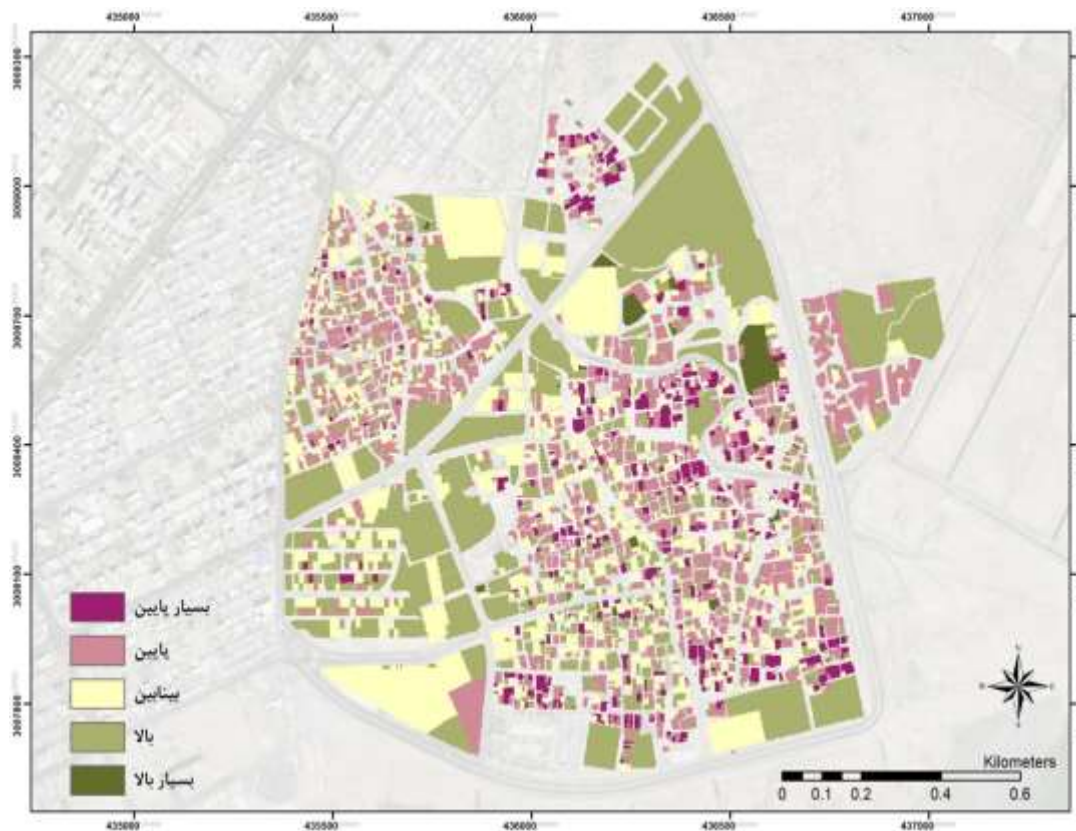
شکل ۱۲. معیار استاندارد شده وزنی نفر در اتاق مأخذ: تحقیقات نگارندگان



شکل ۱۳. معیار استاندارد شده وزنی طبقات ساختمان مأخذ: تحقیقات نگارندگان

سطح بندی میزان تاب آوری محله نخل ناخدا و طلابند

نقشه ارائه شده در ذیل بیانگر ترکیب ۱۱ معیار منتخب به منظور سنجش تاب آوری در محله نخل ناخدا و طلابند است. در نقشه بعدی حاصل جمع مقادیر بی مقیاس شده‌ی وزنی تحت عنوان سنجش میزان تاب آوری محله نخل ناخدا و طلابند ارائه شده است. نقشه مذکور که در پنج طبقه از بسیار پایین تا بسیار بالا نمایش داده شده، نمایانگر میزان تاب آوری است که به در طیفی از رنگ بنفش تا سبز مشاهده می شود. طبق یافته‌ها ۴۶ درصد از مساحت محله در سطح تاب آوری بالا و بسیار بالا قرار دارد که ۲۸ درصد از جمعیت را در خود جای داده است. از طرفی ۳۰ درصد از مساحت در سطح تاب آوری پایین و بسیار پایین واقع شده است که این سطح از نظر جمعیتی ۴۲ درصد را شامل می شود. بررسی نقشه به عنوان خروجی نهایی تحلیل نشان می‌دهد که نواحی دارای تاب آوری بسیار پایین به‌صورت پراکنده و عمدتاً در نواحی شرقی و جنوبی قرار گرفته اند.

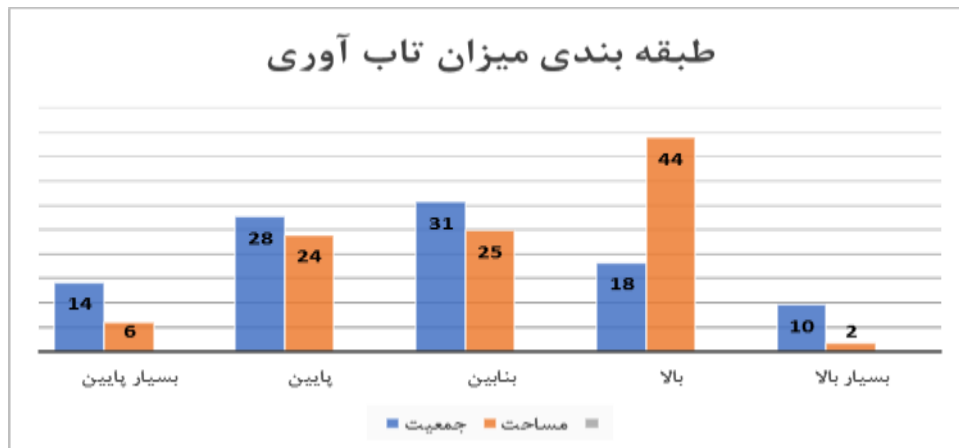


شکل ۱۴. سنجش میزان تاب آوری محله نخل ناخدا و تالابند مأخذ: تحقیقات نگارندگان

جدول ۴. میزان تاب آوری محله نخل ناخدا و تالابند

طبقه	مساحت بر اساس متر مربع	درصد	جمعیت	درصد
بسیار پایین	۷۰،۳۴۷	۶	۲۰۸۹	۱۴
پایین	۲۸۳،۸۲۹	۲۴	۴،۱۰۷	۲۸
متوسط	۲۹۵،۲۹۶	۲۵	۴،۵۶۳	۳۱
بالا	۵۲۳،۱۰۹	۴۴	۲،۷۰۱	۱۸
بسیار بالا	۱۹،۶۷۱	۲	۱،۴۱۴	۱۰
مجموع	۱،۱۹۲،۲۵۱	۱۰۰	۱۴،۸۷۴	۱۰۰

مأخذ: تحقیقات نگارندگان



شکل ۱۵. میزان تاب آوری محله نخل ناخدا و طلابند بر حسب درصد) مأخذ: تحقیقات نگارندگان

نتیجه گیری و پیشنهادها

مطابق با واژگان آکسفورد، اصطلاح تاب آوری توانایی مردم یا چیزها بعد از رخداد حوادث ناگوار و توانایی بازگشت آن‌ها با شرایط و احساس بهتر معنی می‌شود. اگر توجه خود را به کالبد معطوف سازیم، همه محله‌های شهری در شرایط برابری قرار ندارند به طوری که بافت‌های نابسامان در سطح تاب‌آوری پایین‌تری نسبت به بافت‌های نو قرار می‌گیرند. در این بین سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان معلول شهرنشینی مدرن شکلی از سکونت گروه‌های آسیب‌پذیر شهری هستند که از مشکلات اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی رنج می‌برند. آنچه در برنامه‌ریزی شهری به ویژه در این گونه بافت‌ها مهم تلقی می‌شود، تدوین مجموعه‌ای از شاخص‌های توضیح‌دهنده سطح تاب‌آوری و سنجش آن‌ها در یک مدل تحلیلی است که بتواند به عنوان راهنمایی برای مدیریت بحران‌های شهری در بافت‌های نابسامان شهری از قبیل سکونتگاه‌های غیررسمی به کار بسته شود. دستاوردهای تحقیق از ترکیب ۱۱ معیار در سنجش تاب آوری در محله نخل ناخدا و طلابند شهر بندرعباس به دست آمده است که مطابق با نظر کارشناسان وضعیت مالکیت، خانوار ساکن در واحد مسکونی و وضعیت اشتغال سرپرست خانوار بیشترین اثرگذاری را بین معیارها دارند. نقشه نهایی که در پنج طبقه از بسیار پایین تا بسیار بالا محاسبه شده است نشان می‌دهد ۳۰ درصد از محله نخل ناخدا و طلابند در سطح تاب آوری پایین و بسیار پایین واقع شده است که از نظر جمعیتی ۴۲ درصد را شامل می‌شود. از طرفی ۴۶ درصد از مساحت محله در سطح تاب آوری بالا و بسیار بالا قرار دارد که تنها ۲۸ درصد از جمعیت را در خود جای داده است. نتایج گویای این واقعیت بوده که ویژگی‌های کالبدی نقش بسیار مهمی در میزان تاب آوری سکونتگاه‌های غیررسمی بازی می‌کنند و با هرگونه تغییر در معیارهای کالبدی می‌توان تاب آوری محله را به میزان قابل توجهی متأثر ساخت.

با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهادات تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

- ✓ تضمین حق سکونت و تسهیل در رسمی شدن مالکیت
- ✓ تهیه بسته تشویقی در راستای کمک به نوسازی بافت توسط خود ساکنان
- ✓ ایجاد فرصت‌های شغلی ویژه افراد سرپرست خانوار
- ✓ اولویت‌دهی به نوسازی بافت با توجه به سطح تاب‌آوری
- ✓ هزینه کرد بخشی عوارض و درآمد ادارات و سازمان‌های خدماتی در نوسازی بافت.

منابع و مأخذ

- Adger, W. N. Hughes, T. P., Folke, C., Carpenter, S. R., & Rockström, J., (2005). Socioecological resilience to coastal disasters, Science, US National Library of Medicine National Institutes of Health, 309 (5737), 1036-1039.
- Agudelo, V., and Claudia, M., (2012), Harvesting Urban Resources Towards More Resilient Cities, In: Resources, Conservation and Recycling, Vol. 64, No. 5, PP. 3-12.
- Ahmadinia, Farid, Boghran, Mehssa (2014). Urban resilience: coping with crisis, experiences and solutions, the first international conference on natural hazards and environmental crises in Iran, solutions and challenges, Ardabil. (in Persian)
- Ainuddin, S. Routray, Jayant Kumar (2012), Community resilience framework for an earthquake prone area in Baluchistan, International Journal of Disaster Risk Reduction, 2, 25-36.
- Amaratunga, D., & Haigh, R. (2011). Post-disaster Reconstruction of the Built Environment: Rebuilding for resilience. John Wiley & Sons.
- Asgharpour Mohammad Javad, (2010), "multi-criteria decision making" Tehran University Press. (in Persian)
- Atai, Mohammad, (2010), "multi-criteria decision-making", Shah rood University of Technology Publications, first edition. (in Persian)
- Badii Qaraqieh, Ruqieh, and Arbabi, Azadeh. (2021). Empowerment of informal settlements with emphasis on social capital approach (case study: Islamshahr city). Quarterly Journal of Urban and Regional Sustainable Development Studies, 3(3), 1-23. (in Persian)
- Bonanno, G.A., Romero, S.A., Klein, S.I., (2015). "The temporal elements of psychological resilience": an integrative framework for the study of individuals, families, and communities. Psychol. Inq. 26, 139–169.
- Dadashpour, Hashem, & Adeli, Zainab. (2014). Measurement of resilience capacities in Qazvin urban complex. Crisis Management, 4(2), 73-84. (in Persian)
- Doyle, A. (2015). urban resilience: the regeneration of the Dublin Docklands. Urban Design and Planning, 169: 175–184.
- Exner, A., Politti, E., Schriebl, E., Erker, S., Stangl, R., Baud, S., Warmuth, H., Matzenberger, J., Kranzl, L., Paulesich, R., Windhaber, M., Supper, S., Stoglehner, G., (2016). Measuring regional resilience towards fossil fuel supply constraints. Adaptability and vulnerability in socio-ecological transformations - the case of Austria. Energy Policy 91, 128-137.
- Folke, C., Carpenter, S., Elmqvist, T., Gunderson, L., Holling, C.S., Walker, B., (2002). Resilience and sustainable development: building adaptive capacity in a world of transformations. AMBIO A J. Hum. Environ. 31, 437-440.
- Gasparini, P. & Manfredi, G. & Asprone, D. (2014) Resilience sustainability in relation to natural disasters, Springer International, 3(1), pp.1-150.
- Huck, A., Monstadt, J., and Driessen, P. (2020). Building urban and infrastructure resilience through connectivity: An institutional perspective on disaster risk management in Christchurch, New Zealand, Cities, 98: 1-10.
- Klein, R. J. & Nicholls, R. J. & Thomalla, F. (2003) The resilience of coastal megacities to weather-related hazards. Building Safer Cities, pp.101-120.

Kontokosta, E., and Malik, A., 2018, The Resilience to Emergencies and Disasters Index: Applying Big Data to Benchmark and Validate Neighborhood Resilience Capacity, Sustainable Cities and Society, 36. 272-285.

León, J., March, A. (2014) , Urban morphology as a tool for supporting tsunami rapid resilience: A case study of Talcahuano, Chile, Habitat International, Volume 43, 250–262

Lotfi Hamdollah, Nouri Kermani Ali, Ziyari Karamatullah. Analysis of erosive and physical resilience factors in the worn-out fabric of Ilam city. Environmental erosion research 1401; 12 (2): 251-230. (in Persian)

Luthar, S. S., Cicchetti, D., & Becker, B. (2000). “The construct of resilience: a critical evaluation and guidelines for future work”. Child Development, 71(3), 543–562

Maguire, Brigit and Cartwright, Sophie, (2008), BRS Publication Sales, assessing a community's capacity to manage change: A resilience approach to social assessment.

Mahmoudzadeh, Hassan, Nazari, Masoumeh, & Harishchian, Mehdi. (2021). Measuring and evaluating the resilience of worn-out urban fabric against earthquakes, case study: Shahrekord. Journal of Geographical Survey of Space, 11(41), 163-182 (in Persian)

Maleki, Saeed, Amanpour, Saeed, Safaipoor, Massoud, Pourmousavi, Seyyednader, & Maudet, Elias. (2016). Evaluating the spectrum of physical resilience of cities against earthquakes using planning models (case example of Ilam city), Physical Development Planning, 4(1), 9-20. (in Persian)

Marana P, Eden C, Eriksson H, Grimes C, Hernantes J, Hawick S, Pyrko I., (2019). Towards a resilience management guideline-Cities as a starting point for societal resilience. Sustainable Cities and Society, 101531.

Mayunga, Joseph S (2007), Understanding and applying the concept of community disaster resilience: a capital-base approach, a draft working paper prepared for the summer academy for social vulnerability are resilience building, Munich, Germany.

Mehrdanesh, Gona, Azadizadeh, Namdar. (2019). Topic: The concept of urban resilience, future management and planning of cities (Corona 19). Geography and Human Relations, 3(1), 132-161. (in Persian)

Namjoo, Forough, Samadzadeh, Rasoul, & Masoumi, Mohammad Taghi. (2019). Measuring urban resilience against earthquake risk (case study: Tabriz metropolis). Geography and Environmental Hazards, 9(4), 201-219. (in Persian)

OXFORD advance learners dictionary(2005) .7th ed., Oxford university press.

Portahari, Mehdi (2009), the application of multi-criteria decision-making methods in geography, first edition, organization for the study and editing of university humanities books (Alavi, Seyed Ali, Ebrahimi, Mohammad, Najaf, Pour Mahmoudabad, Bahman, and Khalidi, Abdullah. (2016). Evaluation of the vulnerability of the worn-out fabric of Minab city against earthquakes. Crisis Management, 5(9), 71-82. (in Persian)

Rafiyan, Mojtaba and others (2013). Conceptual explanation of resilience and its indexing in community-based disaster management, Modares Quarterly of Human Sciences-Planning and Space Planning, No. 4, 19-41. (in Persian)

Shamai, Ali, Sasanpour, Farzaneh, & Ali-Hosseini, Rahman. (2018). Spatial analysis of urban resilience in the neighborhoods of the central part of Tabriz city. Urban Planning Geography Research, 7(2), 349-374. (in Persian)

Sharifi, A., and Yamagata, Y.,(2018), Resilience Oriented Urban Planning, Global Carbon Project Tsukuba International Office National Institute Ffor Environmental Studies Tsukuba Japan, Part of the Lecture Notes in Energy Book Series., LNEN, Vol. 65. PP. 3-27.

Wang, C.Y., Guo, J., and Kuo, M.F. (2020). The building of social resilience in Sichuan after the Wenchuan earthquake: A perspective of the socio-government interactions, Safety science, 126: 1-8.

جایگاه مساجد در هویت بخشی به محلات و فضاهای شهری

جواد اکبری^{۱*}، فاطمه قاسمی^۲

۱. کارشناس ارشد معماری، شهرداری، مشهد، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی مهندسی معماری، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۹

چکیده

زمینه و هدف: انسان امروزی بدون در نظر گرفتن آنچه بر وی گذشته است، قادر به زندگی نیست و برای داشتن زندگی بهتر، باید به زیرساخت‌هایی که از قبل بدست آورده است، تکیه کند. هویت انسانی در اولین، ابتدایی‌ترین و بهترین حالت در محیطی که خود آراسته است نمود پیدا می‌کند. هویت، واژه‌ای بسیار ساده اما با مفهومی بسیار پیچیده است. با ورود عناصر فرهنگی دیگر کشورها، به خصوص کشورهای غربی، فرهنگ و در پی آن هویت جامعه ایرانی نیز دست خوش تغییراتی شده است؛ از این رو امروزه بحث درباره هویت و فرهنگ در شاخه‌های مختلف علمی مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که یکی از شیوه‌های بررسی هویت جامعه، توجه به عناصر فضایی و ارتباطی شهری آن می‌باشد این مقاله با هدف بررسی جایگاه معماری مساجد در هویت بخشی به فضای شهری، ارائه شده است. از اهداف این پژوهش می‌توان به احیاء مجدد فضای شهری و ویژگی‌های زیبایی‌شناختی آن، دمیدن روح جدید در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی، تغییر در سطح فرهنگ، حفظ و ارتقاء ارزش‌های کهن، خلق فضای شهری معاصر با الگو از عناصر سنتی و تحکیم حس تعلق به مکان نام برد.

روش بررسی: روش تحقیق از نظر هدف، کاربردی و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در بخش گردآوری داده‌ها، از روش کیفی استفاده گردید. استخراج و بررسی عناصر هویت ساز در معماری مساجد در قالب نمودار مفهومی و به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و اسنادی صورت پذیرفته است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که توجه به کالبد، جانمایی، و نحوه چیدمان فضاها و سایر عناصر شهری در کنار مباحث فرهنگی و معنوی که از وظایف طراحان شهری است از جمله مواردی است که موجب ارتقاء هویت مساجد در فضای شهری می‌شود.

کلید واژه‌ها: هویت، مساجد، معماری، فضای شهری، حس تعلق به مکان.

* نویسنده مسئول: javad1365asd@yahoo.com

ارجاع به این مقاله: اکبری، جواد؛ قاسمی، فاطمه. (۱۴۰۲). جایگاه مساجد در هویت بخشی به محلات و فضاهای شهری، فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۴(۱)، ۱۹-۲۹.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از نیازهای اجتماع انسانی احساس امنیت و حس تعلق است. در این راستا هویت و عناصر هویتی در زندگی انسان موجب آرامش و ایجاد اعتماد به نفس و میل به داشتن تلاشی مستمر همراه با احساس امنیت می‌شود؛ انسان امروزی بدون در نظر گرفتن آنچه بر وی گذشته است، قادر به زندگی نیست و برای داشتن زندگی بهتر، باید به زیرساخت‌هایی که از قبل بدست آورده است، تکیه کند (موثقی و ایرملو، ۱۳۸۵: ۲). هویت انسانی در اولین، ابتدایی‌ترین و بهترین حالت در محیطی که خود آراسته است نمود پیدا می‌کند. این محیط انسان ساخت زمانی مورد اهمیت و استفاده است که به خواسته‌ها و ناخواسته‌های شخص مصرف‌کننده پاسخ گوید و همچنین مسیر وی را برای پیمودن راه، تا کمال انسانی هموار سازد (فرح، ۱۳۷۸: ۱۵). انگیزه‌های دینی و اعتقادی و تمایل انسان به پرستش یکی از دلایل مهم در به وجود آمدن شهرهای اولیه است. بنابراین با گسترش شهرنشینی و رشد شهرها نیایشگاه‌ها همواره جایگاه ویژه خود را داشته‌اند. مسجد به عنوان نیایشگاه مسلمانان و جزئی از ساخت فضایی - کالبدی شهر، عنصری شکل‌دهنده به سیمای شهری و مکانی در حیات عمومی‌اند. در گذشته هر شهر یک مسجد جامع و هر محله نیز چند مسجد داشته است. ایجاد رابطه ماهرانه فضایی - مکانی مسجد با سایر عناصر شهری و ارتباط مناسب با جمعیت استفاده‌کننده، بیانگر هنر معماری گذشتگان ماست. مساجد در گذشته با استقرار در مسیرهای ارتباطی، ایجاد دسترسی‌های متنوع و تراکم فعالیت‌های پیرامون آن در مرکز شهرها و مرکز محلات از پویایی در سه زمینه قابلیت دسترسی، نفوذپذیری و عملکرد بر خوردار بوده‌اند. صنعتی شده سریع بیشتر دنیای اسلام و افزایش توان جمعیت منجر به تخریب روز افزون بافت شهری و بی‌توجهی به چیدمان مناسب عناصر شهر (در بافت توسعه یافته) شده است. این موضوع با توجه به کم‌رنگ‌تر شدن سایر شالوده‌ها و نقش‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مساجد که مراکز محلات معنا و منزلت می‌بخشد و موجب حفظ انسجام گروهی و پیوستگی محلات شهری می‌شد بیشتر قابل لمس است. اکنون جا دارد در زمان بازیابی توانمندی این نهاد دینی، با پذیرش قابلیت‌های بازشناسی و بهره‌گیری از اندیشه‌های اندوخته شده در سازمان‌دهی مساجد مفاهیمی را در بر گرفته و از آن با توجه به تحولات معاصر، به طراحی و سازمان‌دهی فضای شهری بپردازیم. در این راستا سؤال اصلی پژوهش این است که آیا مسجد به عنوان نماد جامعه اسلامی و گویاترین تجلی کالبدی می‌تواند به عنوان یکی از عناصر اصلی در هویت بخشی به فضای شهری و مراکز محلات تأثیرگذار باشد؟ و همچنین تأثیر عوامل کالبدی، معنی‌دار مساجد تا چه میزان می‌تواند موجب تقویت فضای شهری و مراکز محلی شهری شود؟ بررسی وضعیت محلات و تحولاتی که در طی چند دهه اخیر تا کنون رخ نموده مبین این نکته است که در شهرهای ما مفهوم محلات به کلی با گذشته فرق کرده است. در نظام شهری گذشته محلات به عنوان سلول‌ها و عناصر پایدار در کنار هم و در پیوند با عناصر اصلی، معابر در ساخت شهرها دخیل بوده‌اند. مساجد به عنوان یکی از عناصر اصل شهری، با توجه به خصوصیات مذهبی و اجتماعی که داشتند تأثیر بسزایی در هویت‌بخشی ایفا می‌کردند. ضرورت این تحقیق آن است با بررسی جایگاه مساجد در فضای شهری و در مراکز محلات و ارتباط مشروط با گذشته با توجه به امکانات معاصر به مراکز محلات معنا و هویت بخشید. گذشته‌ای که مساجد به صورت مراکز اجتماعی مذهبی و سیاسی عامل حفظ و انسجام گروه‌های اجتماعی بوده‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی اجرا شده و ماهیت کاربردی دارد. فرایند انجام این پژوهش در سه گام قابل بررسی است. در گام اول با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، عناصر هویت‌ساز معماری ایرانی استخراج گشته که منتج به ارائه مدل مفهومی پژوهش حاضر شده است. در گام دوم نیز به همان روش، جایگاه مساجد در هویت‌بخشی به محلات و فضای

شهری مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت بر اساس مدل مفهومی فاکتورهای کلتی هویت ارائه شده است و به نتیجه حاضر که مساجد جایگاه ویژه‌ای در هویت‌بخشی به محلات و فضای شهری دارند رسیده است.

مبانی نظری پژوهش

هویت: واژه هویت اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است، معنای دوم آن به معنای تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد (محرمی، ۱۳۸۳: ۱۱). در لغت‌نامه‌ی دهخدا نیز در بیان ریشه‌ای و اصل کلمه هویت لفظ هو آورده شده است. هویت گاه بر وجود خارجی و گاه بر ماهیت با تشخیص اطلاق می‌شود که عبارت است از حقیقت جزئی. هویت پدیده‌ها در نظام‌های مختلف فکری با محک‌هایی مختلفی سنجیده می‌شود، در جامعه‌ای با معیارهای پایدار ارزشی، همچون جامعه سنتی- مکتبی، محک‌هایی متعین و در جامعه‌ای با معیارهای ارزشی ناپایدار، همچون جامعه مدرن- مدنی محک‌هایی نامتعین مالک ارزیابی هویت قرار می‌گیرند (سجادی، ۱۳۶۳: ۵). در رابطه با انسان، همه فرایندهای مصنوعی از جمله آثار معماری و شهرسازی جنبه اعتباری و ابزاری دارند و هویت خود را از علت فاعلی، یعنی اندیشه‌ها و ایده‌های معماران و شهرسازان، کسب می‌کند. از آنجا که اندیشه‌ها و اعتقادات انسان‌ها- معماران و شهرسازان و سایر اقشار- به طور مستقیم و غیرمستقیم- خودآگاه یا ناخودآگاه- در اعمال و آثار آنها اثر می‌گذارد، بنابراین هر شهر، هویت خود را از سازندگان و شهروندان راضی وضع موجود کسب می‌کنند (آئینه وند، ۱۳۸۳).

جدول ۱: ابعاد هویت در فضای شهری (منبع: نگارندگان)

انواع هویت	توضیحات	منابع
ابعاد هویت	اگر تغییرات روندی طبیعی داشته باشد و فرصت بروز ثابت‌هایی را در مقطع زمانی بدهد، تغییر هویت نیز با آهنگی قابل پیش‌بینی و در قالبی قابل سنجش اتفاق می‌افتد و در مجموع کم تنش بودن جریان تغییر هویت و وجود چارچوب‌هایی برای قضاوت در هر مقطع زمانی هویت را به وضع تثبیت‌شده‌ای نزدیک می‌کند. به طوری که این پدیده علیرغم تغییرات هویتی، همواره هویت بخش به نظر می‌رسد.	مدتی پور ۱۳۷۹
	بافت کالبدی و ساختار مکانی- فضایی یکی از مهم‌ترین ابعاد هویتی فضاهای شهری را شکل می‌دهد زیرا شکل‌گیری بافت کالبدی فضاهای شهری متأثر از اندیشه‌ها، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ جامعه است. از این رو شناخت این بخش از شهرها می‌تواند به شناخت بیشتر سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز بی‌انجامد. واقعیت این است که بافت کالبدی امکان بازشناسی هویت شهری را به صورت بصری فراهم می‌کند و به همین دلیل از میان سایر ابعاد هویتی اهمیت بیشتری دارد.	نوفل، ۱۳۸۸
	این نوع از هویت ارزش‌های زیباشناختی در شهر و کیفیت فضایی و امکان ادراک و موقعیت و جهت‌یابی را شامل می‌شود، اگر فردی در شهر وارد شود و او بعد از دیدن بخش‌های مختلف شهر بتواند به خوبی بخش‌هایی از شهر را توصیف کند و در ذهن او باقی بماند آن فضاهای شهری نمایانگر هویت بصری خواهند بود.	نوفل، ۱۳۸۸
	هویت شناختی کیفیت و کمیت اطلاع از فضای شهر و نمادها و نشانه‌های شهری و ارزش‌های تاریخی و فرهنگی را نشان می‌دهد. عناصر هویتی هر کدام در شب و روز مفهوم خاصی را به ما می‌دهد عناصر باید در شب و روز آن چنان خوانایی و وضوح داشته باشد که هویت‌بخشی به شهر را در هر دو زمان حفظ کند.	موتقی ۱۳۸۵
	بی هویتی به معنی سلب هر گونه امکان تشخیص، مفهومی است که در دنیای واقعی با قانون‌مندی‌های مادی حاکم بر آن، شاید هیچ‌گاه به صورت مطلق نمود نیابد.	قاسمی ۱۳۸۳

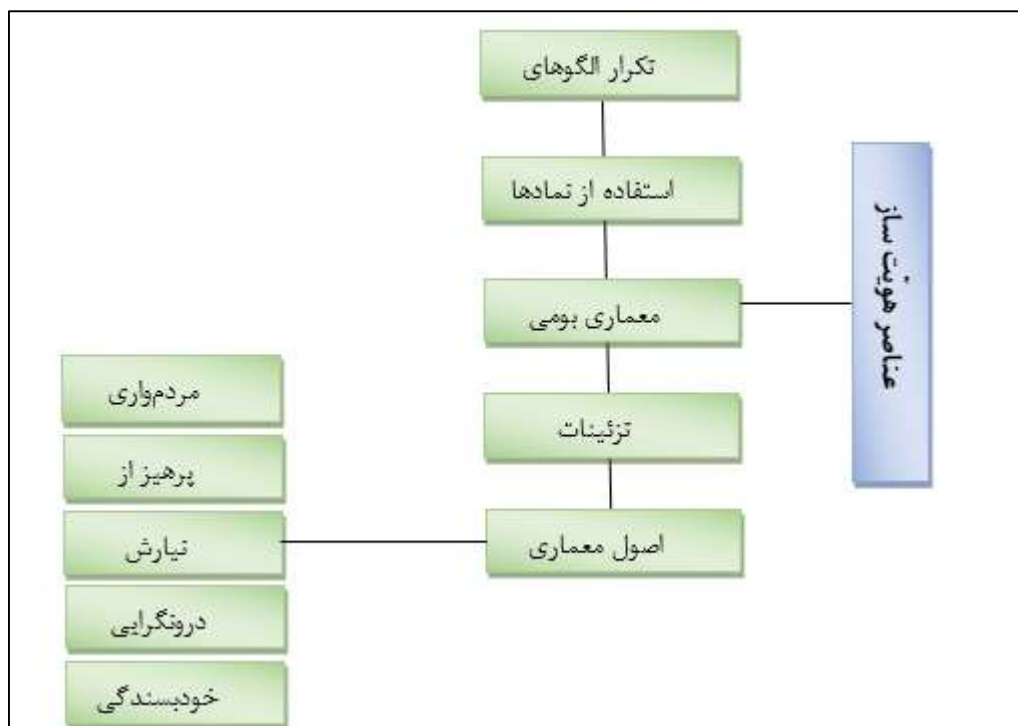
هویت جمعی	بر آیند هویت‌های افراد یک جامعه را هویت جمعی گویند. طبیعی است که در یک جامعه‌ی مشخص، هویت همه‌ی آحاد جامعه همسان نیست، بلکه فقط همپوشانی‌هایی با یکدیگر دارند.	قاسمی ۱۳۸۳
--------------	--	------------

هویت شهری: در مورد هویت محیط مصنوع و عناصر معماری و به طور کلی در مورد مکان می‌توان به جزئیات بیشتری نیز اشاره نمود. مکان که برآیند و ترکیبی از عناصر فرهنگی و عناصر طبیعی می‌باشد، در واقع هویتی را داراست که این هویت تا حد زیادی متأثر از عوامل فرهنگ و عناصر منبعث از باورها و جهان‌بینی جامعه می‌باشد. در واقع هویت مکان به نحوی به هویت انسان یا بهتر بگوییم به عوامل هویت‌دهنده انسان مرتبط می‌باشد. این ارتباط به دو طریق برقرار می‌شود. اول به تناسب ایجاد عناصر و اشکال و فضاهای معنادار و هویت‌دهنده در مکان و دوم با قرار گرفتن انسان در مکان به گونه‌ای که می‌توان گفت که مکان بدون انسان هویتی را دارا نخواهد بود (نقی‌زاده، ۱۳۸۰).

هویت سیما شهر مجموعه خصلت‌های بصری، کالبدی و معماری است که به صورت غالب شهر تداوم دارد. نظم فضاهای پُر و خالی، خوانایی فضا و سیمای محله‌ای و کیفیت‌های بصری مناطق مسکونی گذشته، از جمله ارزش‌هایی هستند که در ذهن مردم نقش بسته‌اند. در واقع، مجموعه این‌ها هویت محله‌های مسکونی را شکل می‌دهند و نیاز به بقا و پایداری آن را ضروری می‌نمایند (برک‌پور، ۱۳۸۰).

هویت در معماری: برای درک هویت معماری ایرانی می‌توان با بررسی اصول بناهای سنتی ایران و دریافت حکمت و عقاید حاکم بر آن‌ها عناصر هویت‌ساز معماری سنتی را دریافت. طبق نظر دکتر پیرنیا ویژگی‌های معماری ایران شامل پنج اصل: مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، درونگرایی و خودبسندگی است که در همه بناهای سنتی به نوعی قابل مشاهده است. نمودهای هویت را در معماری می‌توان به صورت زیر مرتبط با ابعاد هویت ملی دانست. تکرار الگوهای گذشته می‌تواند نمودی از بعد میراث فرهنگی ملی، اسطوره‌های ملی و حتی نمادهای ملی باشد، استفاده از نمادها را می‌توان مرتبط با بعد ارزش‌های ملی، بعد اسطوره‌ها و نمادهای ملی و در نهایت بعد دینی و باورهای مذهبی دانست. طراحی طبق اصل معماری بومی در بعد ویژگی‌های جغرافیایی جای دارد. تزئینات در ارتباط با ارزش‌های ملی، باورهای مذهبی و اسطوره‌ها و نمادهای ملی معنا می‌یابد. اما در گروه پنج اصل معماری ایرانی یعنی مردم‌واری آموزه‌های اسلامی، نشانگر این حقیقت است که اسلام عبادت صرف و دوری کردن از مردم را جاثز نمی‌داند از طرفی، نگاه معماری به انسان به منزله روح بنا است و کالبد بنا همان جسم است که معمار آن را می‌سازد. پس معمار موظف است کالبد بنا را متناسب با روح آن بیافریند، پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی، نیارش و درونگرایی قابل بررسی در ابعاد ارزش‌های ملی، ویژگی‌های جغرافیایی و باورهای دینی هستند.

عناصر هویت‌ساز معماری: هویت عمومی و به تبع آن هویت معماری از توجه به وجوه متمایزکننده فرهنگی به دست می‌آید. معماری ایرانی- اسلامی را می‌توان بخشی از هویت دانست و احیای هویت امری است که همه صاحب‌نظران بر ضرورتش صحه گذاشته‌اند. در نمودار شماره ۱، عناصر هویت‌ساز مشاهده می‌شود.



شکل ۱: عناصر هویت‌ساز معماری ایرانی (منبع: نگارندگان)

فضای شهری: شهر مجموعه‌ای فرهنگی و کالبدی است که بر اساس نیازها، فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنین آن شکل گرفته است. انسان‌ها بسته به نیازهای فردی یا گروهی خود فعالیت کرده و الگوهای رفتاری خاص خود عرضه می‌کنند. شهر و فضاهای مختلف آن بستر یا ظرفی هستند برای اینگونه اتفاقات، بالتبع فضاها و خصوصیات آنها وابستگی شدیدی به نحوه فعالیت و الگوهای رفتاری یک جامعه می‌باشند، از سوی دیگر فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنین تأثیر شدیدی می‌گذارند (پاکزاد، ۱۳۸۴). فضاهای شهری جزء لاینفک ساختار شهرها هستند. اگر بخواهیم فضای شهری را بدون تحمیل معیارها زیباشناختی روشن کنیم، ناگزیریم فضاهای بین ساختمان‌ها در شهرها و سایر مکان‌ها، فضای شهری قلمداد کنیم. این فضا از نظر هندسی با نماهای گوناگون محصور می‌شود. فقط وضوح ویژگی‌های هندسی و کیفیت‌های زیبایی‌شناختی آن است که به ما اجازه می‌دهد آگاهانه فضای باز بیرونی را فضای شهری تلقی کنیم (کریر، ۱۳۸۳). بنابراین فضای شهری بخشی، از فضاهای باز و عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می‌باشند. یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند. فضای شهری صحنه‌ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می‌شود. فضایی است که به همه مردم اجازه می‌دهد که به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند. در این فضا فرصت آن وجود که برخی از مرزهای اجتماعی شکسته شوند و برخوردهای از پیش تدوین نیافته به وقوع پیوندند و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم اختلاط یابند. بنابراین شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی، فضای شهری تلقی شود اینست که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد.

فضای شهری، مصنوعی است، سازمان‌یافته، آراسته و واجد نظم به صورت بستری برای فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی، انسان جزئی از فضا است و با ارزش‌ها و هنجارهای خود به این فضا معنی می‌بخشد. الگوهای روابط اجتماعی ثابت نیستند و یک فضا با جایگزین شدن رابطه اجتماعی خاص، چهره متفاوتی به خود می‌گیرد. کاربرد عمومی فضاهای شهری ایجاد آرامش، سرگرمی و محلی برای گردش، فراهم آوردن ارتباط و زمینه معاشرت و امکان تردد می‌باشد.

هویت در شهرسازی: به عقیده کریستوفر الکساندر، هویت در محیط فرهنگی تجلی پیدا می‌کند که ارتباط طبیعی و منطقی بین افراد و محیط حاصل شده باشد (Alexander.1977). وی معتقد است که بین فرد و محیط زندگی او ارتباط و احساس تعلّق خاطر به وجود نخواهد آمد مگر آنکه قادر به شناخت عمیق و تشخیص آن باشد، توان درک تمایز آن نسبت به محیط‌های دیگر را نیز داشته باشد و بداند در چه زمانی و به چه صورت، پاسخ مناسبی به کشش‌های انجام یافته در آن محیط بدهد. والتر بور، نیز عقیده دارد هویت همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که باعث باز شناختن یک مکان (خوانایی محیط) می‌شود و حسّ دل‌بستگی و حساسیت به محیط را به وجود می‌آورد. خاص بودن هر محیط به معنی اجتناب از یکنواختی، وجود تنوع و جذابیت است. در شکل و نحوه قرارگیری فضاها، در طرز دسترسی به فضاها و در کاربری‌ها نیز می‌باید وجود داشته باشد (بذرگر، ۱۳۸۳، ۱).

یافته‌های پژوهش

تأثیر عناصر هویت‌ساز معماری در فضای شهری: معماری ایران طی تاریخ تحت تأثیر تحولات مذهبی و حکومتی درونی و بیرونی و همچنین عوامل تأثیرگذار وابسته بدان بوده و دستخوش تغییرات فراوانی شده است. در برخی از مقاطع تاریخ این تحولات چنان بنیادین بوده که سبک‌ها و چالش‌های فراوانی را در فضای معماری و نیز اجزای آن همچون تزئینات موجب شده است. عناصر معماری ایرانی- اسلامی طی تاریخ بخشی از فرآیند هویت‌بخشی بوده است. در این میان، یکی از ابزارهای تأثیرگذار بر هویت هنر معماری عناصر و به واسطه شرایط مذهبی در هر دوره و نوع حکومت است. ورود اسلام به ایران به گونه‌ای بود که به تدریج بر تمام جنبه‌های زندگی و فرهنگ ایرانیان و حتی نوع و شرایط حکومت داری تأثیر گذاشت. واضح است که قدرت این مذهب بسیاری از ساختارهای فرهنگی ایرانیان را تغییر داد و تغییر این ساختارها بر محصولات فرهنگی و به خصوص معماری نیز مؤثر واقع شد. به اعتقاد صاحب‌نظران معماری ایرانی، در دوران کنونی از اصول حاکم بر تزئینات معماری اسلامی و تأثیر و تأثر آن بر فرهنگ و مشی مردم کمتر سخن به میان آمده است. اگر مبانی و راه‌های تجلی این اصول مورد توجه قرار گیرد، می‌تواند پاسخگوی نیازهای انسان معاصر نیز باشد. آنگاه می‌توان از معماری اسلامی-ایرانی معاصر با مشخصات هویتی و فرهنگی‌اش سخن گفت (نقی زاده ۱۳۸۱: ۹۱-۹۰).

مسجد: مسجد را چه مسجد می‌کنند؟ یک دیوار که درست به سمت قبله، یعنی همان حجرالاسود درون کعبه جهت‌یابی شده باشد. دیگر نه نیازی به سقف است، نه حداقل اندازه، نه دیوارهای محاط کننده و نه هیچ گونه ضامنه مذهبی دیگر. در واقع می‌توان گفت که حتی دیوار الزامی نیست. از قول پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرموده: (هر کجا که نماز برپا دارید، همان‌جا مسجد است). با این حقیقت امر است که مسجد نوع عالی بنای اسلامی به معنا واقعی کلمه است و به این کلید معماری اسلامی به شمار می‌آید (براند رابرت، ۱۳۷۷). پراکنش مراکز مذهبی در سطح شهر با اصل سلسله مراتب تقسیمات کالبدی مطابقت داشته و به طور کامل مجموعه بافت را پوشش داده است (حقیقت نائینی، ۱۳۷۸). به رغم تفاوت فاحشی که بین انواع مساجد و امان مذهبی وجود دارد، هیچ گونه تفاوت در طرح اساسی این مکان‌ها ضرورت نمی‌یابد.

هویت مساجد: مروری اجمالی بر تاریخ مکاتب و جهان‌بینی‌ها و ادیان نشان می‌دهد که جملگی آن‌ها نافی آن دسته از مؤلفه‌های هویت‌ها ایدئولوژیکی موجود جوامع بوده‌اند که در تقابل با مبانی آن‌ها عمل می‌کرده‌اند، و برعکس به عنوان آورنده و مبلغ هویت جدیدی برای جامعه ایفای نقش نموده‌اند. طبیعی است که یکی از اهداف یا روش‌های اسلام در اصلاح جامعه نیز معرفی مؤلفه‌های هویتی جدیدی برای انسان و جامعه بوده که ضرورتاً نافی بسیاری عوامل هویتی موجود بوده‌اند و به همین جهت مورد مخالفت قرار گرفته و می‌گیرند. عنوان‌های اصلی این مؤلفه‌ها که هویت مسلمانان را نشان می‌دهد عبارتند از: عبودیت حق، وحدت جامعه، عزت مؤمنان، مقام خلیفه الهی انسان، رابطه انسان و جهان هستی، تقوی، نداشتن تشبه به کفار و مشرکان، نپذیرفتن ولایت کفار و مشرکان، نپذیرفتن ولایت کفار و مشرکان....

اسلام نیز همانند هر مکتب و ایدئولوژی دیگری با بیان اصول و ارزش‌های مورد نظر خویش اولاً ناқы هویت جامعه جاهلی زمان خویش بوده و ثانیاً هویت جدیدی را برای آن‌ها مطرح نموده است.

ارزش‌های فرهنگی و اصول جهان‌بینی جامعه، با مختصات مکان (معماری)، تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند. به دلایل عدیده‌ای این تأثیرات، به نوبه خود بر بسیاری از امور مبتلا به جامعه و از آن جمله هویت آن تأثیر پیچیده و بدیهی دارند. معماری و شهرسازی تأثیرات وسیعی بر زندگی و شیوه زیست و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و در نتیجه بر فرهنگ جامعه دارد. در این حالت نیز نوع معماری از جمله تناسبات، نوع و اندازه مسکن، شبکه معابر، تناسبات، عملکردهای همجوار، رابطه عملکردهای شهری و مانند آن‌ها بر رفتارهای افراد و چگونگی مشی و الگوی زیستی جامعه اثر می‌گذارد و در نتیجه می‌توان به مرور فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرار دهد.

با الهام از فرمایش پیامبر اکرم (ص) که نماز را پرچم اسلام نامیده‌اند و با توجه به اهمیت معنوی پرچم به عنوان علامت و نشانه و هویت گروهی خاص، شاید این برداشت دور از ذهن نباشد که محل برگزاری نماز (مسجد) به عنوان نشان و عامل هویت محل زندگی نمازگزار (شهر) تلقی نماییم. به عبارت دیگر با استناد به این فرمایش که نماز نشانه اسلام است می‌توان جملگی مفاهیم و عناصر مرتبط با آن را به عنوان هویت و معنای زمینه‌ای خاص از زندگی تلقی نمود. یکی از آشکارترین وجوه هویتی جامعه و شهر اسلامی مسجد است که هم از جنبه هویت ظاهری و هم از بُعد معنوی، ایفای نقشی بنیادین را عهده‌دار است.

مسجد تنها گونه ساختمانی بود که به ناگزیر در سرتاسر کل جهان مسلمان گسترده شد، و این امر از همان آغاز انجام گرفت. نوع هویتی که برای مسجد مطرح است مستقل از انسان و مرتبط با جهان‌بینی و فرهنگ اسلامی می‌باشد که البته در برگشت جهان‌بینی و فرهنگ به جامعه (فرد و جمع) انسان نیز می‌توان آن را جزئی از هویت خویش بینگارد (نقی‌زاده، ۱۳۸۰).



شکل ۲: فاکتورهای کلی هویت (منبع: نگارندگان)

در چهارچوب یکی از معیارهایی که لینچ^۱ برای تبیین هنجارهای شکل خوب ارائه می‌دهد، اشاره کرد. معیار معنی و در دل آن معیار هویت به مثابه یکی از هفت معیار شکل خوب شهر به تنهایی هم می‌تواند متغیرهای مهمی از فرایند ارزیابی و شکل‌دهی فضای مطلوب شهری را در خود جمع می‌کند و هم برابند هویت به مفهوم حدی که شخص بتواند یک مکان را به

¹ Kevin Andrew Lynch

عنوان مکان متمایز از سایر امکنه شناخت یا بازشناسایی کرد بحثی است که در رابطه با موضوع معماری مساجد و نمای شهری مبانی نظری پُر باری را عرضه می‌دارد. به زعم لینچ متغیرها، عناصر و عواملی چون تداوم و تناسب، فرم هندسی و رنگ و غیره که برای شفافیت بصری نمای شهری مورد مداخله قرار گرفتند، عوامل مهمی هستند که معنای هویت را بارور می‌کنند. بنایی که از هویت درستی برخوردار باشد و بتوان معنی آن را از طریق هویت درک کرد قطعاً بنایی است که غالب معیارهای مطلوبیت نما و سیمای مطلوب در آن رعایت شده است. چنین بنایی می‌تواند احساس مکان را به خوبی عرضه و تقویت کند. آشنایی زیاد موجب احساس مکان می‌شود، اما کافی نیست. از دو زاویه باید آشنایی از طریق شکل و فرم بصری تقویت شود. اولاً شکل بتواند معنی مکان را و احساس مکان خاص را برای بیننده القا کند. ثانیاً ترکیب شکل و آشنایی با یکدیگر آن گونه که لینچ تذکر داده است موجب تقویت احساس مکان شود.

البته احساس مکان و هویت به وسیله مراسم قابل تقویت هستند، اما وقتی که درحاشیه یا پیرامون بنایی چون مسجد فعالیت‌های گسترده‌ای جاری می‌شود که عنصر فعالیت‌ی مراسم نقش بسیار اندکی در برآیند جمعی آن پیدا کند، صرف اتکا به مراسم کفایت نمی‌کند. به زعم لینچ: هویت و ساختار جنبه‌هایی از شکل هستند که به ما امکان می‌دهند فضا و زمان را شناخته و در قالب الگوهای خود معرفی کنیم. بعد از آن کیفیاتی مطرح می‌شوند که به ما در برقراری پیوند بین شکل شهر و دیگر خصوصیات زندگی ما کمک می‌کند.

در ایجاد، انسجام و تداوم مثبت معنی و هویت، نما و سیمای عناصر برجسته طرح کالبدی شهر برجسته‌ترین نقش را برخوردار هستند. حضور برجسته عناصر معمارانه مسجد در لباس نشانه‌های شهری-به ویژه نشانه‌های دیرپا در تصور ذهنی شهروندان- می‌تواند ارزشمندی و مطلوبیت کیفی طرح مسجد را در عرصه طراحی یک سیمای شهری اسلامی یا حداقل مسلمان‌نشین بازگو کند.

تأثیر هویت‌ها و ارزش‌های معماری در معماری و شهرسازی معاصر ایران، موضوع تازه‌ای نیست. همواره پیشینه و تمدن هر کشور بر دوران‌های بعد از خود تأثیر گذاشته و از ارزش‌های آن متأثر گشته است و این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری به نوعی در تمام سرزمین‌ها مشاهده می‌گردد (اقبال، ۱۳۷۸: ۱). کالن^۱، هویت را توجه به شخصیت فردی هر محیط و پرهیز از یکنواختی و مشابهت در محیط‌های شهری از طریق به جلوه در آوردن ویژگی‌های خاص هر محیط تعریف می‌کند (کالن، ۱۳۷۷). جیکوبز^۲ نیز هویت را در رابطه با فعالیت‌ها و زندگی در خیابان‌های شهری از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری تعریف می‌کند. وی معتقد است شهرها امن‌تر، قابل زندگی‌تر و پر جاذبه‌تر می‌شوند، چنانچه خیابان‌هایشان به ترکیب پیچیده‌ای از فعالیت‌های مختلف اختصاص داده شوند.

لینچ^۳ در کتاب شکل خوب شهر، هویت را به معنای بسیار ساده، معنی مکان تعریف می‌کند، هویت یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکانی متمایز از سایر مکان‌ها مورد شناسایی قرار دهد، به گونه‌ای که شخصیتی مشخص و منحصر به فرد داشته باشد (لینچ، ۱۳۷۶).

چارلز کوره آ^۴ هویت را یک فرایند می‌داند و معتقد است که شکل فرایندی هویت، موجب شکل‌گیری و توسعه آن در طی زمان و بر مبنای حل مشکلات واقعی می‌گردد. از طرفی او معتقد است که این پدیده مفهومی خود آگاهانه نبوده بلکه نیازمند نگاه بیرونی و درک مخاطب می‌باشد (Correa, 1983: 10). بر این مبنا او معماری معاصر را مستلزم برداشت اصول و تطبیق آن با مصالح، عادات، اقلیم و سنت‌ها می‌داند که معماری را با شرایط و هویت محلی تطبیق می‌دهد. کوره آ مفهوم اقلیم را عاملی اساسی می‌داند که نقشی اساسی در تعیین فرم بناها، فرهنگ و آداب و رسوم ملت‌ها دارد. کوره آ ویژگی دیگر

¹ Gordon cullen

² Jane Jacobs

³ Kevin Andrew Lynch

⁴ Charles Correa

هویت را کثرت‌گرا بودن آن می‌داند، به این مفهوم که هویت جلوه‌های بسیار زیادی داشته و نمی‌توان یک جواب مشخص را برای آن در نظر گرفت. او همچنین از پویایی و تغییر به عنوان ویژگی دیگر هویت نام می‌برد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

گذشته تاریخی همواره بخش مهمی از هویت اجتماعی فرد محسوب می‌شود و نوع بینش روایتگر تاریخی به دغدغه او برای حفظ هویت که خود ماهیتی چندگانه داشته، مربوط می‌شود. این خودآگاهی تاریخی و تعلق خاطر به گذشته، عرصه‌ای را می‌گشاید که در آن، انسان در گفتگو با گذشته تاریخی خویش قرار گرفته و به بازیابی و درک جایگاه خویشتن امروز دست می‌یابد. در این گفت و گوی گذشته و حال است که انسان تغییرات ضروری هویتی خود را کشف کرده و در دنیای امروز، هویت خود را باز تفسیر می‌نماید و درنهایت، به زندگی خود معنی می‌بخشد. دغدغه ایجاد کیفیتی مطلوب در فضای معماری به عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف معماران، توجه آنان را به شیوه‌هایی جلب کرده که متکی بر تجربیات بشری و تسلسل هویتی دستاوردهای انسان با نسل‌های پیشین و پیش دانسته‌های اوست. این خاطرات و انباشت‌های ذهنی با رجوع چندین باره، تقویت شده و زبان الگوهای معماری را تبیین می‌کند.

الگوهایی که فراتر از رنگ، فرم، مصالح و سبک‌هاست و امکان کشف حالات انسانی را فراهم می‌کند. معمار ایرانی در طی اعصار این الگوهای فضایی را خلاقانه قوام بخشیده و با ترکیب عناصر، عوامل و حالت‌های فضایی مختلف، روایت جدیدی به دور از تقلید نقل کرده است؛ و درنهایت زنجیره هویت فرهنگی جامعه را تداومی مسحورکننده بخشیده است. در پی استحاله فرهنگی، معماران درصدد جستجوی حلقه‌های مفقود هویت فرهنگی برآمده و راهکارهای متنوعی را در طی این سالها اتخاذ کرده‌اند. بازیابی زبان الگوهای معماری ایرانی و بازخوانی مجدد کیفیت‌های نهفته در بطن این میراث ارزشمند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چنانچه در دوران معاصر، مورد توجه بسیاری از معماران بنام قرار گرفته است. این تلاش‌ها با عنوان هویت‌گرایی معرفی و دو گونه شکلی و الگویی برای آن عنوان شد. گونه شکلی با تمرکز بر عناصر، مصالح و نمادهای معماری سنتی، و گونه الگویی با اولویت بخشی به کیفیت فضایی و الگوها، معرف هویت‌گرایی هستند.

هویت فضای شهری برآیند و ترکیبی از عناصر فرهنگی و محیط مصنوع انسان می‌باشد. در واقع هویت محلات شهری برگرفته از فضاهای شهری، عناصر اصلی محله و نحوه چیدمان واحدهای مسکونی و تدقیق آن با خرده فرهنگ، گروه‌های اجتماعی ساکن در آن است. عناصر شهری مرکز محله در همجواری و ترکیب با یکدیگر و ایجاد یک وحدت فضایی در بافت قدیمی شهرها به مراکز شهرهای قدیمی هویت می‌داند. در این میان، مساجد نقش عنصر مرکز و محوری مراکز محلات شهری را به عهده داشتند. مساجد علاوه بر ترکیب در کنار سایر عملکردهای مرکز محله (بازارچه‌ها و مدرسه، فضاهای باز شهری و سایر عناصر در بافت قدیم) نقش تأمین نیازهای معنوی (که برگرفته از جهان‌بینی و باورهای اعتقادی) را نیز ایفا می‌کند. هویت مسجد به عنوان مکانی تعریف شده که به هویت محله و از آن جا به هویت اهل آن منتهی می‌شود، به هویت شکلی و کالبدی محدود نمی‌شود. به عبارت دیگر اگر چه که هویت فیزیکی و ظاهری مسجد از اهمیت خاصی و درخور برخوردار است از آنچه که به تکمیل و تأمین آن کمک می‌کند و در یک جهان‌بینی وحدت‌گرایانه و جامع‌نگر باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد، عبارت از توجه درخور به جنبه‌های معنویت هویت است. این جنبه‌های معنوی هویت با ریشه داشتن در مبانی نظری جهان‌بینی و فرهنگ جامعه ویژگی‌هایی را دارا هستند و توجه جدی به عوامل فرهنگی معاصر از جمله مورد مؤثر در آن است. در بحث ساخت و سازها در فضای شهری، باید به این واقعیت توجه کرد که در یک تحول تاریخی معماری مسجد به تدریج خود را در فضاهای عمومی شهرهای اسلامی به تأثیر از تحول تکنولوژیک و عملکردهای پاره فرهنگ‌های جانبی در مقایسه با گذشته کاملاً متحول شده‌اند. عرض و فرم راه‌ها و شکل میدان‌ها همراه با فضاهای باز مختلف در ترکیب و اتصال با

عناصر جزئی ساخت و بافت زمینه‌هایی را فراهم آورده‌اند که دیگر نمی‌توان انتظار داشت معماری فضاهای عمومی خاصی چون مسجد در متن بافت فشرده، ارگانیک و پیچیده شهری پنهان شده باشد. به علاوه، موضوع تراکم ساختمانی و فعالیت‌ها، به ویژه ارتفاع ساختمان‌های مختلف و انبوهی فعالیت‌های احاطه کننده فضاهای عمومی، دگرگونی مشخصی را در ساماندهی و ارتباط و همچنین اتصال انواع فضاها پدید آورده است. دیگر نمی‌توان عیناً همان ساختار قدیمی شبکه راه‌های کنار مسجد را نعل به نعل برای امروز تداوم کالبدی داد. ارتفاع و تراکم ساختمان‌ها را نمی‌توان مانند گذشته حفظ کرد. در واقع، کلاً توده‌های شهری را نمی‌توان تکرار توده‌های قدیمی در مجاور و بر عرصه فضاهای موجود دانست. ساختمان‌های بلندی که در حال ساخت و سازند، می‌روند تا ارتفاع و عظمت خود را بر ارتفاع متعارف توده کلی، گنبد و حتی منار مسجد تحمیل کنند. تغییر شکل، نحوه استقرار و جانمایی فضاهای تجاری نیز چنان است که به راحتی با الگوهای مسجد، میدان، بازار، کاروانسرا و مدرسه، آنطور که سنت شهرهای اسلامی حکم می‌کند، تلفیق و ترکیب‌پذیر نیست. اکنون مراکز تجاری با قدرت خود را برای بناهای ارزشمندی چون مسجد تحمیل می‌کنند.

به طور خلاصه هر نوع فضایی که در خارج از ساختمان‌ها و بین ساختمان‌ها مفاهیم توده و فضا را عینیت بخشند، هر نوع فضایی که کاربری عمومی آن‌ها از طریق فضاهای بیرونی باور شوند و خلاصه هر عرصه‌ای از شهر که نگاه عمومی، استفاده عمومی و مطلوبیت را به خود معطوف کنند، فضاهای عمومی - بیرونی تلقی می‌شوند که خود از یک طرف عین فضاهای عمومی بوده و از طرفی دیگر واجد، رابط و انعکاس دهنده چهره و شمایل بیرونی عناصری هستند که پشت آنها و یا در مجاورت آن‌ها قرار داشته و واجد عملکردها و فرم‌های درونی برجسته‌ای هستند. در نهایت توجه به کالبد، جانمایی، و نحوه چیدمان فضاها و سایر عناصر شهری در کنار مباحث فرهنگی و معنوی که از وظایف طراحان شهری است از جمله مواردی است که موجب ارتقاء هویت مسجدها در فضای شهری می‌شود.

منابع و مأخذ

- افروغ، عماد، (۱۳۷۷) فضا و نابرابری‌های اجتماعی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- اقبالی، سید رحمان، (۱۳۷۸) هویت معماری- معمار ایرانی، بررسی تطبیقی نظریه‌ها و تجربه‌ها، رساله دکترها دانشگاه تهران، تهران.
- برزگر، محمد رضا، (۱۳۸۳) بازشناسی هویت شهری، مجموعه مقالات همایش مسایل شهرسازی ایران، شیراز.
- برک پور؛ ناصر (۱۳۸۰)، پایداری هویت در محله‌های مسکونی - گفتگو با کامران ذکاوت، مجله شهرداری‌ها، شماره ۲۵، تهران.
- حجت، عیسی، (۱۳۸۴) هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز: تعاملی در رابطه با هویت و معماری، فصلنامه هنرهای زیبا شماره ۲۴، ص ۶۲-۵۵.
- سجادی، س.ج، (۱۳۶۳) فرهنگ معماری اسلامی، جلد چهارم، تهران: انتشارات شرکت مولفان و مترجمان.
- سلیمانی، محمدرضا؛ اعتصام، ایرج؛ حبیب، فرح. (۱۳۹۵). بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری. هویت شهر، (۱)، ۱۵-۲۶.
- حبیب، فرح؛ نادری، سید مجید؛ فروزانگر، حمیده. (۱۳۸۷). پرسیمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت (کالبد شهر تابع هویت یا هویت تابع کالبد شهر؟ هویت شهر، ۲(۳)، ۲۳-۱۳.
- قاسمی اصفهان، مروارید (۱۳۸۳). اهل کجا هستیم؟ هویت بخشی به بافت‌های مسکونی چاپ اول تهران انتشارات روزنه.
- کالن، گوردن، (۱۳۷۷)، منظر شهری، نشر آگاه، تهران.
- لینچ، کوین، (۱۳۷۶) تئوری شکل خوب شهر، دانشگاه تهران.
- محرمی، توحید، (۱۳۸۳) هویت در ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- مدنی پور، علی، (۱۳۷۹) طراحی فضاهای شهری، نگرشی بر فرایند اجتماع و مکان، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- مرتضوی، شهرناز، (۱۳۸۰) روان شناسی محیط و کاربرد آن، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- مطلبی، قاسم (۱۳۸۰)، روان شناسی محیطی: دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری، نشریه هنرهای زیبا، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۰، ۵۲-۶۷.
- موثقی، رامین و ایرملو، سحر، (۱۳۸۳) عناصر هویت فرهنگی در شهر مرجع مهندسی عمران، اولین همایش بین المللی شهر برتر، طرح برتر، همدان، سازمان عمران و شهرداری همدان.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۱) تأثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی، هنرهای زیبا، دوره ۱۱، شماره ۱۱ (۴۵۹)، ۶۲-۷۶.
- نوفل، سید علیرضا، کلبادی، پارسین؛ پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۸۸). بررسی و ارزیابی شاخص‌های موثر در هویت شهری، نمونه موردی: محله جلفا در شهر اصفهان. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۲(۳)، ۵۷-۶۹.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۰)، نقش مسجد در احراز هویت اسلامی شهر، معماری مسجد، افق آینده؛ دوره ۲، ۶۵۳-۶۷۲.
- Alexander, C. (1977). From a set of forces to a form. In G. Kepes (ed.), Man-made Objects. New York: Studio Vista Publishers.
- Correa, C. (1983). Architecture and Identity. Singapore: Concept Media Pte Ltd.

شناسایی و تدوین راهبردهای نوسازی بافت فرسوده با تلفیق مدل‌های استراتژیک و تحلیل شبکه (SWOT - ANP) (مطالعه موردی: محله در دشت اصفهان)

جمال محمدی^۱، زهرا سالاری^{۲*}

۱. دانشیار، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹

چکیده

زمینه و هدف: امروزه به لحاظ ساختاری و عملکردی بافت‌های فرسوده دچار کمبودهایی شده‌اند که نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای امروزی ساکنان نیز باشند. با وجود ناکارآمدی بافت‌های فرسوده شهری امروزه می‌توان با کمک روش‌های استراتژیک و تحلیل شبکه به ارائه راهبردهای مختلف جهت نوسازی بافت‌های فرسوده پرداخت. هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه راهبردهای نوسازی بافت فرسوده با تلفیق مدل‌های استراتژیک که تحلیل شبکه در محله در دشت اصفهان صورت گرفته است.

روش بررسی: روش مورد استفاده در این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی و شیوه مطالعه برحسب روش و ماهیت، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. برای گردآوری اطلاعات در این مطالعه از روش‌های کتابخانه‌ای و اسنادی، روش مشاهده مستقیم و مطالعات میدانی و پیمایشی مانند مصاحبه با مردم، کارشناسان و نخبگان شهری و تهیه پرسشنامه به روش دلفی استفاده شد. پرسشنامه نیز بصورت محقق ساخته و با سوالات بسته در قالب طیف لیکرت با گویه‌های پنج گزینه‌ای تنظیم شد. جامعه آماری این پژوهش شامل مسئولان و کارشناسان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با نوسازی و بهسازی شهری می‌باشد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از پژوهش نشان داد WO1، SO2، WT1 سه راهبرد اصلی برای نوسازی بافت فرسوده محله در دشت می‌باشند که عبارت‌اند WT1 بهبود یافتن معابر تنگ و باریک و افزایش کیفیت، SO2 احاطه شدن محله با شبکه ارتباطی مهم و تاثیر ویژه آن در بهبود کیفیت کاربری‌های محله و راهبردهای بازنگری، WO1 فرصت مناسب وجود اراضی بایر و مخروبه جهت بکارگیری در راستای پیشبرد سریع برنامه‌ها و طرح‌های کالبدی به ترتیب اولویت اول تا سوم را جهت نوسازی بافت فرسوده محله در دشت را به خود اختصاص داده است.

کلید واژه‌ها: نوسازی، بافت فرسوده، مدل SWOT، مدل ANP، در دشت

* نویسنده مسئول: Zahrasalari91@yahoo.com

ارجاع به این مقاله: محمدی، جمال؛ سالاری، زهرا (۱۴۰۲). شناسایی و تدوین راهبردهای نوسازی بافت فرسوده با تلفیق مدل‌های استراتژیک و تحلیل شبکه (SWOT - ANP) (مطالعه موردی: محله در دشت اصفهان)، فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۴(۱)، ۴۸-۳۰.

مقدمه و بیان مسأله

بافت‌های فرسوده جزئی از پیکره شهرها هستند که به دلیل فرسودگی رو به تزاید از صفحه حیات اقتصادی شهر دور مانده‌اند. بهره‌برداری از تمامی پتانسیل‌های موجود در شهر و بهینه‌سازی وضعیت موجود به منظور افزایش بهره‌وری یکی از دلایل منطقی پرداختن به تجدید حیات بافت‌های فرسوده است (اسحاقی، تابعی، جعفری، جاسمی، ۱۴۰۱). یکی از مشکلات عمده‌ی شهرهای قدیمی‌تر، وجود بافت‌های فرسوده در آنها است که خود سرآغاز بسیاری از مشکلات شهری شده و مسائل اقتصادی - اجتماعی، کالبدی - فیزیکی، زیست محیطی و امنیتی را در پی داشته و زمینه ناپایداری را در بسیاری از شهرها فراهم کرده است (ابراهیم زاده و ملکی، ۱۳۹۱).

اگر چه برخی از این گونه بافت‌ها در گذشته به مقتضای زمان دارای عملکردهای منطقی و سلسله مراتبی بوده ولی امروزه از لحاظ ساختاری و عملکردی به تبع ساختار معنایی، دچار کمبودهایی است و آنگونه که می‌باید جوابگوی ساکنین خود نیست (علی پور و خادمی، ۱۳۹۰). مفهوم فرسودگی شهر را می‌توان تنزل شرایط اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بافت شهر دانست، به طور کلی کاهش کارایی هر پدیده‌ای، فرسودگی آن را در پی دارد، هنگامی که حیات هر محدوده از شهر به هر علتی رو به رکود می‌رود بافت شهری آن محدوده در روند فرسودگی قرار می‌گیرد و فرسودگی شهری به زدودن خاطرات جمعی، افول حیات شهری واقعه‌ای و شکل گرفتن حیات شهری روزمره‌ای کمک می‌کند (نصر، ۱۳۹۶). بافت فرسوده شهری یکی از موارد مطرح در کلیه شهرهای قدیمی جهان می‌باشد که هر کدام متناسب با شرایط انسانی و طبیعی خود نیازمند مداخله و اصلاح می‌باشد. هدف عمده در پروژه‌های انجام شده در زمینه بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن در آمریکا، اهداف اجتماعی و اقتصادی بوده است و روش مداخله در این بافت‌ها، بیش تر بازسازی است (Popik, 2005). البته باید کلیه عوامل و پدیده‌های طبیعی مورد توجه برنامه‌ریز و طراح شهری باشد تا بر اساس آنها بتواند بهسازی و نوسازی شهری پایدار و مطلوب تحقق یابد (مختار ملک آبادی، ابراهیمی، کرمی، ۱۳۹۳). یکی از معضلات جدی که بسیاری از شهرهای ایران به ویژه کلانشهرها با آن رو به رو هستند، فرسودگی بافت‌های شهری است این را می‌توان یک مسئله جهانی برای اکثر شهرهای دنیا دانست زیرا چرخه تغییرات کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی شهرها در طول زمان بافت‌های شهری را بطور معمول در معرض فرسودگی قرار می‌دهد (امانپور و هاشمی، ۱۴۰۱) بر اساس آمارهای موجود، ۶۷ هزار هکتار بافت فرسوده در کشور شناسایی شده است که از این میزان ۲۲۷۰ هکتار آن در سطح شهر اصفهان قرار گرفته و گویای عدم توجه به امر نوسازی بافت فرسوده شهرهای کشور و بطور اخص شهر اصفهان است. بافت‌های کهن اصفهان جزئی از پیکره و بدنه این شهر هستند و دارای ارزش‌های کالبدی، عملکردی، اقتصادی، فرهنگی است که با قابلیت‌ها و توان‌های بالقوه خود، یک سرمایه ملی محسوب می‌شود. نپرداختن به بافت فرسوده شهری، چه بر جای مانده از شهر نشینی دوران گذشته باشد و چه انباشته از جریان‌های نابسامان، رشد شهر را به پیرامون سوق می‌دهد و این حکایت از آن دارد که همراه با نابسامانی‌ها، ثروتهای شهری بسیاری در دل شهر رها می‌شود و هزینه‌های هنگفت بنا کردن بافتهای دیگر برگرده شهر نهاده می‌شود. محله دردشت واقع در منطقه سه شهر اصفهان به عنوان یکی از محلات فرسوده شهر اصفهان می‌باشد که در این تحقیق با شناسایی پتانسیل‌ها و فرصت‌های موجود مانند توجه طرح‌های بالادست به مقوله نوسازی به عنوان پتانسیل جمعیت پذیری، وجود دستورالعمل مدون جهت مداخله در بافت‌های فرسوده، وجود سازمان‌های دست‌اندر کار در امر نوسازی بافت فرسوده مثل سازمان بهسازی و نوسازی شهری در منطقه سه شهر اصفهان و همجواری برخی از محدوده‌های بافت فرسوده با عناصر اصلی سازمان فضایی و همچنین محدودیت‌های شکل گرفته‌ای همچون ریزدانی و عدم امکان نوسازی تک پلاک‌ها، فقدان مدیریت یکپارچه، ضعف شدید کیفیت معابر و به دنبال آن مشکل دسترسی سواره، مسائل و مشکلات قانونی موجود در بافت فرسوده محله، ارزش پایین زمین و صرفه‌های اقتصادی پایین ساخت و ساز با ریسک بالای سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده محله دردشت که در این پژوهش با استفاده از رویکردهای ترکیبی فرایند سلسله مراتبی (ANP) و مدل استراتژیکی (SWOT) به ارائه راهبردهای مناسب جهت نوسازی محله مذکور پرداخته شده است.

مبانی نظری پژوهش

بافت شهر بیانگر دانه بندی فضاهای کالبدی، شبکه ارتباطی و نحوه دسترسی ها، چگونگی توزیع فعالیت ها و در نهایت شکل گیری و گسترش شهر در طول تاریخ است. به طور کلی هر بافت شهری متشکل از دو بخش عمده است: کالبدی (فرم) و کارکرد (نقش). ترکیب کالبد و کارکرد به لحاظ میزان فرسودگی، الگوهایی را نشان می دهد. بخش‌هایی از بافت‌های شهری که کیفیت‌های کالبدی و کارکردی آنها کاهش یافته و مختل شده است، بافت فرسوده نامیده می شود (گرچی نیا و امینی، ۱۴۰۱).

بافت فرسوده عبارت است از بافتی است که وجود عوامل و عناصر مختلف در آن، کاهش ارزشهای کیفی محیط زیست انسان را (از جنبه‌های کالبدی، عملکردی، زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی) فراهم آورده و با کاهش ارزش‌های سکونتی، نوسازی در بافت متوقف شده و میل به مهاجرت در جماعت ساکن افزایش می یابد، ضرورت استفاده از ظرفیت‌های این محدوده‌ها به عنوان فرصتی برای توسعه، سبب توجه روزافزون به این نواحی به عنوان مناطق نیازمند اقداماتی کارساز در این راستا صورت گرفته است (هاشم زاده، ابی زاده، علیزاده، ۱۳۹۹).

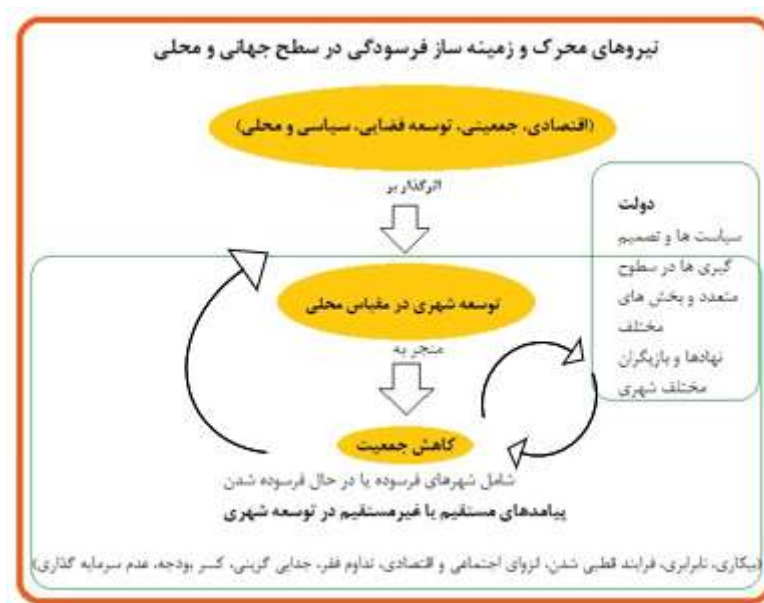
بافت شهری از سه عنصر مرتبط به هم تشکیل شده است:

۱. طراحی شبکه‌های ارتباطی که آرایش شبکه خیابان‌ها و گذرها و الگوی تفکیک زمین و بناها را مشخص می‌سازد و تحت تاثیر شیوه زندگی و معشیت و فرهنگ شهروندان است.

۲. الگوهای کاربردی که کاربری‌های زمین و فضاها را نشان می‌دهد.

۳. طراحی فضاها یا ساختارهای کالبدی بر روی زمین که در مجموع بافت شهری را تشکیل می‌دهد. (شماعی و پور احمد، ۱۳۹۲).

نیروی محرک فرسودگی از سطوح مختلف فضایی از سطح محلی تا سطح جهانی عمل می کنند. این نیروها ممکن است شامل افت شرایط اقتصادی، تغییرات جمعیتی، تغییر در الگوی سکونت به شکل حومه نشینی، یا پراکندگی شهری و شاید دربرگیرنده‌ی عوامل افت کیفیت محیطی و تغییرات رادیکالی در سیستم سیاسی و اداری باشد. کاهش جمعیت مهم ترین شاخص فرسودگی شهری است. عوامل موثر در کاهش جمعیت به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر توسعه شهری تأثیر می گذارند. کاهش جمعیت بر بازار محلی، ایجاد تبعیض و تمایز اجتماعی – فضایی، کیفیت کمی و کیفی خانه‌ها، الگوی کاربری زمین، زیرساخت‌های اجتماعی و فنی، امور مالی شهرداری، سرمایه‌گذاری و در نتیجه بر کل اقتصاد محلی تأثیر می گذارد (Haase et al, 2014).



شکل ۱. فرایند فرسودگی شهری
Scoure. Haase & bernt, 2013

بافت فرسوده، دارای سه شاخص اصلی می باشد.

شاخص ۱: ریزدانی: بلوک ریزدانه بلوکی است که دست کم ۵۰ درصد قطعات (پلاک) آن مساحتی کمتر از ۲۰۰ مترمربع دارد.

شاخص ۲: ناپایداری: بلوک هایی که بیش از ۵۰ درصد بناهای آن ناپایدار و فاقد سیستم سازه است.

شاخص ۳: نفوذ ناپذیری: بلوک هایی که بیش از ۵۰ درصد معابر آن عرض کمتر از ۶ متر داشته باشد (سرور، ۱۳۹۸).

ویژگی های عمومی بافت فرسوده و آسیب دیده شهری

بافت فرسوده شهری یکی از موارد مطرح در کلیه شهرهای کشور است که هرکدام متناسب با شرایط انسانی و طبیعی خود نیازمند مداخله و اصلاح است از آنجایی که بافت فرسوده مراکز شهرها غالباً هسته اولیه شکل گیری شهر را شامل می شود این امر موجب اختلال در شکل گیری ارتباط وحدت فضایی بین بخش مرکزی، بخش میانی و بخش پیرامونی می گردد (غلامی، ۱۴۰۰). در واقع بافت های فرسوده شهری بافت های آسیب پذیر هستند که به دلیل فرسودگی کالبدی، برخورداری نامناسب از دسترسی سواره به تاسیسات خدماتی و وجود زیر ساخت های شهری آسیب پذیر ارزش محیطی و اقتصادی پایینی داشته و عواملی همچون ساختار صنعتی و قیمت مسکن و زمین توقف سرمایه گذاری در فضاهای عمومی بافت و افزایش بیکاری سبب بروز این بحران شده است (Alpöpi & Manole: 2013).

بافت فرسوده در مقابله با بحران ها و مخاطرات دارای آسیب پذیری بالا و تاب آوری پایین می باشد و بازآفرینی این بافت ها بر اساس ابعاد تاب آوری می تواند سبب فراهم آوردن بستری مناسب برای شهر به منظور مقابله با هرگونه مخاطره طبیعی و مصنوعی شود عواملی همچون روند گسترش توسعه غیراصولی شهرها، افزایش بی رویه مهاجرت و جمعیت شهری، عدم توجه به قوانین و مقررات مقاوم سازی شهرها، نبود امکانات و آمادگی لازم در رویارویی با بحران ها شهرها را با مخاطرات طبیعی و مصنوعی آسیب پذیر می کند (حق پناه، کریمی، مهدی نژاد، ۱۴۰۰).

با افول کیفیت و فرسوده شدن مرکز شهرها، افراد و فعالیت‌ها به پیرامون شهر حرکت می‌کنند و جابجا می‌شوند؛ اما خانواده‌های کم درآمد و با مهارت‌های شغلی پایین‌تر در مرکز شهر با شرایط ضعیف اقتصادی ماندگار می‌شوند و اغلب این محدوده از شهر میزان بالا و شدید فقر را نشان می‌دهد (Pinto & Sablik, 2016).

در ایران شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری در سال ۱۳۸۴، به منظور شناسایی شاخص‌های بافت فرسوده و تعیین محدوده‌ی هدف، سه شاخص ناپایداری، ریزدانی و نفوذپذیری را معرفی کرده و تأکید بر این بود که فقط بافت‌هایی که دارای هر سه شاخص‌اند بافت فرسوده شناخته می‌شوند. این شاخص‌ها فقط بعد کالبدی داشتند و توجهی به مباحث اقتصادی و اجتماعی نشده است. در سال ۱۳۹۳، به دلیل ناکارآمدی اقدامات گذشته، رویکردی جدید با عنوان بازآفرینی شهری پایدار در دستور کار قرار گرفته است که بر این اساس شاخص‌های مؤثر و جامع کالبدی، جمعیتی - اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی شناسایی می‌شوند و بر اساس آن، محدوده‌ها و محلات ناکارآمد در گونه‌های پنجگانه بافت تاریخی، بافت ناکارآمد میانی، اسکان غیر رسمی، سکونتگاه‌های دارای پیشینه روستایی و بافت‌های ناهمگون با زندگی شهری گونه شناسی و اولویت‌بندی می‌شوند. این شیوه‌نامه جدید، به منظور بهبود و ارتقای محتوا، رویه‌ها و روندهای مواجهه با بافت‌های ناکارآمد شهری با گونه‌ای که در انطباق با رویکرد بازآفرینی بوده و بتواند با اقدامات بازآفرینی پایدار در محدوده‌ها و محلات ناکارآمد شهری منجر شود تدوین شده است (رفیعیان و زاهد، ۱۴۰۰) و بر اساس مصوبه‌ی شورای عالی شهرسازی و معماری ایران ویژگی‌های عمومی بافت فرسوده شهری به شرح زیر است:

مشکلات موجود در نظام کاربری اراضی: استفاده از زمین‌های بایر برای فعالیت‌های کارگاهی و تعمیرگاهی، ایجاد آلودگی صوتی، آلودگی هوا در بافت به علت وجود کاربری ناسازگار، کمبود فضای سبز و فراغتی در سطح محدوده‌ها و توزیع نامتوازن آنها، پراکنش نامتوازن کاربری‌های خدمات عمومی در سطح بافت، مرکز کاربری‌های اداری در یک قسمت از شهر و شلوغی و ترافیک بیش از حد در روز، سطح پایین فضای اختصاص داده شده به پارکینگ (Tibbalds, 1992).

ویژگی‌های ابنیه موجود در بافت فرسوده: ساختمان‌های موجود در این گونه بافت‌ها عمدتاً قدیمی می‌باشند و یا فاقد رعایت استاندارد فنی هستند و یا بگونه‌ای غیر استاندارد بودن آنها از ظاهر ساختمان قابل تشخیص است. ابنیه این بافت‌ها عمدتاً تاب مقاومت در برابر زلزله‌ای به شدت متوسط را ندارند. بیش از ۸۰ درصد از ساختمان‌ها در این گونه بافت‌ها دارای قدمتی بیش از ۵۰ سال می‌باشند یا اگر در ۵۰ سال اخیر ساخته شده باشند فاقد رعایت استانداردهای فنی هستند. (اکبرپور، عمران زاده، پور احمد، ۱۳۹۰)

کیفیت ابنیه: بیش از ۸۰ درصد ساختمان‌ها در این گونه بافت‌ها دارای قدمتی بیش از ۵۰ سال می‌باشند یا اگر در ۵۰ سال اخیر ساخته شده باشند فاقد رعایت استانداردهای فنی هستند به گونه‌ای که غیراستاندارد بودن آنها از ظاهر ساختمان قابل تشخیص است. ابنیه این بافت‌ها عمدتاً قدرت مقاومت در مقابل زلزله‌ای با شدت متوسط را ندارد.

دانه بندی: ابنیه مسکونی واقع در این گونه بافت‌ها عمدتاً ریزدانه بوده و مساحت عرصه آنها به طور متوسط کمتر از ۲۰۰ مترمربع هست.

تعداد طبقات: اکثر ابنیه در بافت‌های فرسوده یک یا دو طبقه هستند.

نوع مصالح: مصالح بکار رفته در این نوع بافت‌ها عمدتاً از نوع خشتی، خشت و آجر، چوب و آجر و آهن بدون اتصالات افقی و عمودی و فاقد سیستم سازه‌ای و استاندارد می‌باشند. (سرور، ۱۳۹۸)

وضعیت دسترسی‌ها: بافت‌های فرسوده عمدتاً بدون طرح قبلی، نامنظم و با دسترسی‌های پیاده می‌باشند به گونه‌ای که اکثر معابر آنها بن بست یا با عرض کمتر از ۶ متر بوده و ضریب نفوذپذیری در آنها کمتر از ۳۰ درصد است (اکبرپور، عمران زاده، پور احمد، ۱۳۹۰).

مسیرهای حرکت پیاده و پیاده‌روها: عرض پیاده‌روها در این بافت در محوریت‌های فعال شهری کمتر از میزانی است که بتواند امکان تردد آسان در آنها فراهم کرد. همچنین کف سازی نامناسب وجود موانع حرکتی فراوان و فقدان مبلمان شهری مناسب در این مسیرها مشکلاتی را برای عابران و پیاده ایجاد نموده است (شاه‌بختی و نظری، ۱۳۹۲). شبکه حمل و نقل عمومی: مکان نامناسب ایستگاه‌ها و عدم تجهیز آنها، نامنظم بودن زمان حرکت وسایل نقلیه، ازدحام و شلوغی بیش از حد در شبکه معابر اصلی شهر، تعداد کم وسایل عمومی از معضلات قابل طرح در بافت فرسوده شهری خواهد بود (Kropf, 1996).

وضعیت خدمات و زیرساخت‌های شهری: بافت‌های فرسوده به لحاظ برخورداری از خدمات، زیرساخت‌ها و فضاهای باز، سبز عمومی دچار کمبودهای جدی هستند. (اکبر پور، عمران زاده، پوراحمد، ۱۳۹۰)

شاخص‌های کیفی: مسئله جمعیت پذیری بافت‌ها، حریم گسل‌ها، مسیر قنات و رودها و دره‌ها و بافت‌های روستایی درون شهری و غیره از دیگر مسائلی هستند که در تعیین بافت فرسوده مؤثر می‌باشند (شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۵).

چو و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش با هدف ارزیابی مدیریت استراتژی و عملکرد بنگاه‌های بازآفرینی شهری در شهر تایپه عنوان نمودند که استراتژی مدیریت بنگاه‌های بازآفرینی شهری می‌تواند به عنوان مرجعی برای بهبود عملکرد سیاست‌گذاری و شناسایی عوامل کلیدی مربوط به ارتقا شهرنشینی توسط دولت‌ها در سراسر جهان بررسی و ارائه شود.

لئونارد دهل (۲۰۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «شناسایی مبتنی بر بافت محله‌های قدیم شهری در حیدرآباد، هند با استفاده از داده‌های سنجش از راه دور» با رویکرد بهسازی و نوسازی با این نتیجه رسیده است که نقشه محل بافت فرسوده به منزله یک ابزار کارآمد در شناسایی مناطق پرجمعیت به خصوص از شهرستان می‌تواند به عنوان یک منبع قابل اعتماد در آسیب پذیری و ارزیابی انعطاف‌پذیری در مرحله بعد استفاده می‌شود. روش ارائه شده اجازه می‌دهد تا برای تجزیه و تحلیل سریع و مقایسه داده‌های چند زمانه و در بسیاری از مناطق در حال توسعه متراکم شهری در سراسر جهان مورد استفاده قرار گیرد.

رتولینی (۲۰۱۰) در پژوهشی تحت عنوان شهرهای پایدار و نوسازی شهرها با رویکرد نوسازی و بازآفرینی به این نتیجه رسید که شیوه مداخله در بافت‌های مذکور فن سالار، اقتداری و از بالا به پایین، با نگرش غیر مشارکتی و اجباری برنامه ریزان به مداخله و جابجایی، هزینه‌های اجتماعی مداخله و تمایل زیاد لیکن امکان متوسط یا کم مشارکت سرمایه‌گذار بوده است.

رحیمی و حیدری (۱۴۰۲) در پژوهشی نحوه اثربخشی قانون حمایت از احیا، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری بر فرایند بازآفرینی شهری و با استفاده از روش‌های آمار استنباطی شامل آزمون کای اسکویر، آزمون T تک نمونه‌ای و آزمون تحلیل مسیر را در بافت فرسوده شهر حمیدیه بکار برده است.

یزدانی و همکارانش (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان بازآفرینی بافت فرسوده شهری با رویکرد گردشگری پایدار با تلفیق مدل‌های برنامه ریزی راهبردی و تحلیل شبکه (ANP-SWOT) در بافت فرسوده شهر خوی نیز پرداخته است و نتایج پژوهش ایشان نشان داد که بازآفرینی مراکز فرسوده نیازمند سرمایه‌گذاری در این راستا می‌تواند با تشویق هم‌زمان بخش خصوصی و دولتی برای سرمایه‌گذاری در بازآفرینی بافت فرسوده شهری می‌تواند از پتانسیل‌های گردشگری بهره‌برداری کرد.

نصیرآبادی و حکمت‌نیا (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان راهبرد بهسازی و نوسازی بافت فرسوده، به بررسی و شناخت دقیق بافت فرسوده منطقه ۷ شهر اصفهان از طریق آنالیز کمی SWOT و سپس سازگاری کاربری‌ها با استفاده از ماتریس کیفی مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت میزان فرسودگی قسمت‌های بافت فرسوده از طریق مدل AHP مورد تحلیل قرار گرفت.

روش‌شناسی پژوهش

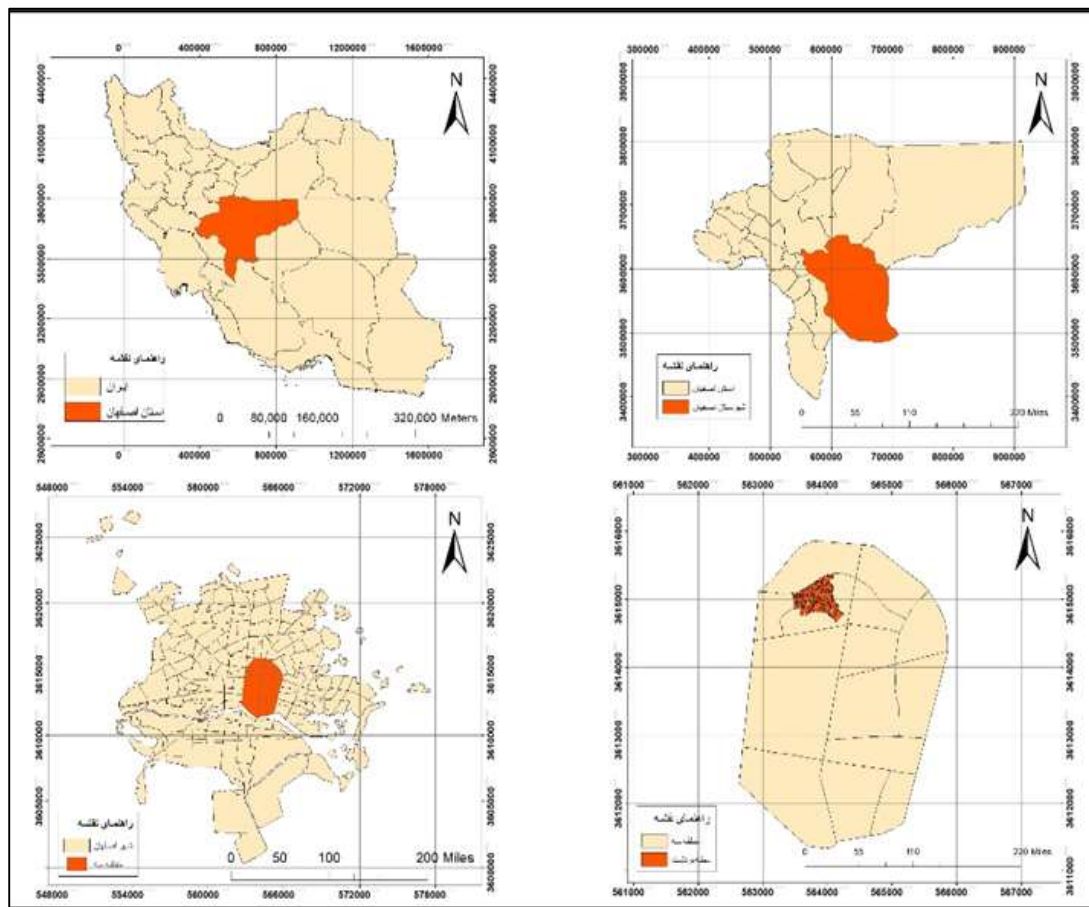
روش مورد استفاده در این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی و شیوه مطالعه برحسب روش و ماهیت، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. برای گردآوری اطلاعات در این مطالعه از روش‌های کتابخانه‌ای و اسنادی، روش مشاهده مستقیم و مطالعات میدانی و پیمایشی مانند مصاحبه با مردم، کارشناسان و نخبگان شهری و تهیه‌ی پرسشنامه به روش دلفی استفاده شد. پرسشنامه نیز بصورت محقق ساخته و با سوالات بسته در قالب طیف لیکرت با گویه‌های پنج گزینه‌ای تنظیم شد. جامعه آماری این پژوهش شامل مسئولان و کارشناسان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با نوسازی و بهسازی شهری می‌باشد.

روال کار به این صورت بوده است که ابتدا با توجه به معیارها و ویژگی محدودۀ مورد مطالعه نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای شناسایی شده و در قالب ۲۵ پرسشنامه بین متخصصین و کارشناسان بهسازی و نوسازی شهری و سازمان‌های عمران و شهرسازی شهر اصفهان توزیع گردید و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه راهبردهای نوسازی بافت فرسوده شهری محله دردشت اصفهان از ماتریس تحلیل SWOT قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها از پرسشنامه استخراج شد که بر اساس نتایج برآورد شده نشان داد که در محدوده مورد مطالعه تعداد ۱۴ نقطه قوت داخلی در برابر ۱۴ نقطه ضعف داخلی و تعداد ۱۲ فرصت خارجی در برابر ۱۲ تهدید خارجی شناسایی شده است. بدین در مجموع تعداد ۲۸ نقطه قوت و ضعف داخلی به عنوان مزیت‌ها و ۲۴ نقطه ضعف و تهدید به عنوان محدودیت‌ها و تنگناهای پیش روی بافت فرسوده محله دردشت اصفهان نیز می‌باشد. که برای اولویت‌بندی راهبردهای حاصل از مدل SWOT در قالب پرسشنامه مقایسات زوجی از کارشناسان و نخبگان جمع‌آوری شد و با استفاده از مدل ANP راهبردها ارزیابی و اولویت‌بندی شدند.

معرفی محدوده مورد مطالعه

سیستم تقسیم‌بندی اصفهان بر محلات مسکونی استوار بود که این سیستم در تمامی دوره‌های تکامل شهری و شکل‌گیری شهر حفظ شده است. محله دردشت اصفهان از محلات تاریخی شهر به شمار می‌رود که هسته اولیه آن در عهد سلجوقی شکل گرفته و در زمان صفوی تکمیل گشته است، با اینکه امروزه توجه چندانی به آن نمی‌شود اما همچنان تا حدی ساختار خود را حفظ کرده و به حیات خویش ادامه می‌دهد. (اسماعیلیان و پور جعفر، ۱۳۹۲) محله مزبور در جنوب خیابان عبدالرزاق واقع شده است و بازار دردشت به عنوان ستون فقرات محله دردشت می‌باشد که عناصر مذهبی و خدماتی مثل مسجد آقانور، کاروانسرای قدیمی و مسجد پاسنگ، حمام دردشت را در پیرامون خود دارد. سازماندهی مرکز محله دردشت شهر اصفهان را در واقع می‌توان یک شهر صفوی نامید. بازار صفوی اصفهان، واقع در شمال میدان نقش جهان اصفهان، این میدان را به میدان کهنه سلجوقی متصل می‌کند. محور صفوی به همراه بازار اهمیت بارزی پیدا کرده و در واقع از اصلی‌ترین محور شهری شد. از این محور اصلی، محورهای نیمه عمومی و نیمه خصوصی منشعب می‌شده‌اند. که محله‌ها و مراکز پارک‌ها را به محور متصل می‌کردند و هر کدام با اتصال به میدان اصلی شهر با تداوم، وحدت و یکپارچگی شهر را انسجام می‌بخشیدند. طبق تقسیمات جدید شهری محله دردشت در منطقه سه اصفهان در قطعه شهری ۸-۳ واقع شده است. مساحت منطقه سه شهر اصفهان، ۱۱۴۸ هکتار و در مرکز شهر اصفهان و شمال رودخانه زاینده رود می‌باشد. حدود این منطقه از شمال خیابان‌های سروش و مدرس، از غرب چهارباغ، از شرق بزرگمهر و از جنوب کمال اسماعیل و مشتاق اول که در حاشیه زاینده رود احداث شده‌اند می‌باشد، که دردشت در منطقه سه و در بخش شمال شرقی شهر قرار گرفته است. قطعه ۸-۳ محله دردشت درب امام و جماله را در خود جای داده است. از شمال به خیابان ابن سینا، از غرب به خیابان چهارباغ پایین، از جنوب به خیابان عبدالرزاق و از شرق به خیابان هاتف محدود می‌شود (شریفیان و عمرانی پور، ۱۳۹۲). طبق آمارنامه سال ۱۳۹۳ جمعیت کل محله

دردشت، ۳۶۱/۳ نفر و تعداد خانوار ساکن ۱۳۶/۱ می‌باشد که از این تعداد ۸۲۵/۱ نفر مرد و ۸۰۵/۱ نفر زن را در خود جای داده است.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی محله دردشت در شهر اصفهان

تحلیل یافته‌ها

در این پژوهش ابتدا با استفاده از تکنیک یا ماتریس سوات، که ابزاری برای بازشناسی ضعف‌ها و قوت‌های داخلی و شناخت تهدیدها و فرصت‌های موجود در محیط خارجی آن به منظور سنجش وضعیت و تدوین راهبردهای برای هدایت و کنترل آن سیستم است؛ به شناسایی و تدوین راهبردها در هر یک از حوزه‌های این مدل پرداخته شده است. نگارندگان با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان سازمان بهسازی و نوسازی منطقه سه و سازمان شهرسازی و معماری شهر اصفهان مهم‌ترین نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید محله مورد مطالعه را به صورت جدول شماره (۱) طبقه‌بندی کرده‌اند.

جدول ۱. نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در بافت

محیط درونی	
ضعف‌ها (W)	قوت‌ها (S)
W۱- گستردگی و پیچیدگی مسایل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیست محیطی و غیره مربوط به بافتها	S۱- توجه طرح‌های بالادست به مقوله نوسازی به عنوان پتانسیل جمعیت‌پذیری
W۲- ریزدانی و عدم امکان نوسازی تک پلاک‌ها	S۲- تاریخی بودن محله و توان بالای آن در زمینه توسعه گردشگری

W۳- درآمد پایین ساکنین W۴- زمان بر بودن اقدامات زمینه ساز بدلیل فقدان بسترهای مناسب W۵- فقدان مدیریت یکپارچه در بافت تاریخی W۶- استقرار برخی از کاربریهای ناسازگار در محدوده‌های محله W۷- فرسودگی بناها در بافت فرسوده W۸- ضعف شدید کیفیت معابر و مشکل دسترسی W۹- سیما و منظر نامطلوب محیط اطراف مناطق مسکونی W۱۰- کمبود فعالیت‌های مرتبط با گردشگری در بافت قدیم W۱۱- عدم آگاهی ساکنین محله از نظر مشخص نبودن نقشه توسعه آینده محله خود W۱۲- وجود معابر تنگ و باریک و به دنبال آن مشکل دسترسی سواره W۱۳- مسائل و مشکلات قانونی بافت فرسوده محله W۱۴- ارزش پایین زمین و صرفه‌های اقتصادی پایین ساخت و ساز با ریسک بالای سرمایه گذاری	S۳ - ارزان بودن زمین و امکان استقرار کاربری و فعالیت ارزش آفرین شهر S۴- اقدامات انجام شده برای نوسازی تعدادی از واحدهای تاریخی در منطقه و محلات همسایه اصفهان S۵- وجود برخی از زیر ساخت‌های شهری و خدمات عمومی (هر چند زیر خط استاندارد) S۶- توان تجاری و اقتصادی محله S۷- وجود مدارس علمیه تاریخی در محله S۸- روابط صمیمانه و دوستانه بین ساکنین محله S۹- دسترسی به بازار و خدمات تجاری در محله S۵- وجود مراکز فرهنگی مانند مجموعه فرهنگی حمام وزیر و علامه مجلسی S۱۱- دسترسی به حمل و نقل عمومی S۱۲- مورد توجه قرار گرفتن پروژه‌هایی مثل احیاء میدان امام علی در نزدیکی محله دردشت S۱۳- انجام پروژه‌هایی مثل احیاء میدان امام علی در نزدیکی محله دردشت S۱۴- احاطه شدن محله به وسیله شبکه اصلی ارتباطی (خیابان ابن سینا، خیابان عبدالرزاق، خیابان هاتف)
محیط بیرونی	
تهدیدها (T)	فرصت‌ها (O)
T۱- ضوابط و مقررات شیوه‌های ناکارآمد رایج ساخت و ساز T۲ - فقدان مدیریت یکپارچه و کارآمد در امر نوسازی و بهسازی T۳ - عدم اعتماد مردم به وعده ها، برنامه‌ها و طرح‌های مدیران شهری T۴ - گرایش صرف به تولید مسکن بجای نوسازی جامع و همه جانبه بافت‌های فرسوده شهری T۵ - فراوانی ساختمان‌های بدساخت و بد شکل و بی هویت T۶ - وجود ناهنجاری و تنش‌های اجتماعی به علت سکونت افغانه T۷ - وجود امنیت در بافت‌های محله بدلیل فراوانی اراضی متروکه و خالی و سکنه T۸ - وجود کاربری‌های ناسازگار در جوار خیابان‌های اصلی و کاربری مسکونی T۹ - ناهماهنگی در تصمیم گیری نهادهای ذی ربط محلی بافت‌های فرسوده T۱۰- روند رو به رشد تخریب بناها و در کل بافت ارزشمند تاریخی T۱۱ - غلبه نگاه سوداگرانه از سوی ساکنین به مدیریت طرح‌های نوسازی بافت‌های فرسوده T۱۲ - آسیب پذیری جدی بافت فرسوده بر اثر عدم توجه متخصصین شهری به بافت این محله	O۱- توجه طرح‌های بالادست به مقوله نوسازی به عنوان پتانسیل جمعیت پذیری O۲ - توان بافت‌های فرسوده در ایجاد ظرفیت مشارکت مردمی، سرمایه گذاری و توسعه اقتصادی، اجتماعی شهر O۳ - امکان احیاء بافت تاریخی و توسعه گردشگری O۴ - امکان افزایش زمینه‌های اشتغال با توجه وجود نیروی فعال O۵ - وجود دستور العمل مدون برای مداخله در بافت فرسوده O۶- تمایل بالای ساکنین برای سکونت در محله به شرط احیاء و نوسازی محله O۷ - تمایل ساکنین به سرمایه گذاری و مشارکت در تعاونی‌های مسکن برای احیاء بافت متروکه O۸ - وجود سازمان‌ها دست اندرکار در امر نوسازی بافت فرسوده مثل سازمان به‌سازی و نوسازی شهری O۹- همجواری بازار و مراکز تجاری با محدوده بافت فرسوده محله دردشت O۱۰- همجواری برخی از محدوده‌های بافت فرسوده با عناصر اصلی سازمان فضایی O۱۱- طرح موضوع "نوسازی بافت فرسوده" و استقبال نسبی مسئولین برای ایجاد تحول در وضع موجود

۰۱۲- وجود اراضی بایر و مخروبه جهت توسعه اتی محله و تخصیص کاربری عای مورد نیاز محله
--

ارائه راهبردها و راهکارهای نوسازی بافت فرسوده محله دردشت با استفاده از مدل راهبردی (SWOT)

بر اساس نتایج مدل تحلیل SWOT راهبردها و راهکارهای نوسازی بافت فرسوده محله دردشت با استفاده از مدل راهبردی (SWOT) فرصت ها، تهدیدها، نقاط قوت و نقاط ضعف بر مبنای ۴ استراتژی WO، ST، SO و WT ارائه شده است. به منظور ارائه راهکارها و سیاست‌های نوسازی بافت فرسوده محله دردشت - اصفهان شناخت عوامل چهارگانه SOWT در جهت رفع ضعف‌ها، تهدیدها و بهبود فرصت‌ها و قوت‌ها امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. بر این مبنا، راهکار احیاء این محدوده با فهرست نمودن مهمترین نقاط قوت و فرصت‌ها به منظور رفع آسیب پذیری ناحیه‌ای به مرحله اجرا گذاشته شده که در این قسمت به بررسی آنها می‌پردازیم:

جدول ۲. راهبردهای چهارگانه مدل SWOT جهت بهسازی و نوسازی بافت فرسوده

راهبرد تهاجمی SO
۱. استفاده از نقطه قوت و بسیار مثبت سابقه دیرینه سکونت ساکنین محله و به الطبع آن وجود حس تعلق بیشتری در جهت قوی تر شدن بازوهای مشارکت مردمی هم به لحاظ سرمایه گذاری در شرکت‌های تعاونی مسکن و هم در جهت نیروی فعال شرکت تعاونی مسکن در راستای احیاء بافت‌های متروکه و باز زنده سازی بافت‌های فرسوده خواهد شد. ۲. با وجود نقطه قوت، احاطه شدن محدوده به وسیله شبکه ارتباطی اصلی (خیابان ابن سینا، خیابان عبدالرزاق، خیابان هاتف) که تا حدودی مشکل دسترسی ساکنین محله را از بین برده است و از این جهت محله نزدیکی به شبکه دسترسی دارای مشکلی نیست، می‌تواند تأثیر ویژه ای در تخصص کاربری‌های به صرفه و مورد نیاز و افزایش سرمایه گذاری‌ها در زمینه توسعه ی شبکه‌های دسترسی فرعی در محله را نیز داشته باشد. ۳. استفاده از نقطه قوت تاریخی بودن محله و توان بالایی که این محله در جهت توسعه گردشگری که به دنبال خود توسعه اقتصادی محله را در پی دارد و اختصاص دادن برخی از زمین‌های بایر و مخروبه (که دارای مشکلات قانونی و حقوقی نیستند) برای اختصاص دادن برخی کاربری‌های مورد توجه در زمینه توسعه گردشگری خواهد بود و همچنین سبب افزایش مشارکت مردمی و سرمایه گذاری بیشتر در زمینه توسعه اقتصادی را موجب می‌شود.
راهبردهای تنوع ST
۱. وجود اراضی بایر و مخروبه و تخصیص کاربری‌های مورد نیاز محله فرصتی بسیار مناسب در جهت کاهش آسیب پذیری به بافت فرسوده محدوده از سوی متخصصین شهری نیز خواهد شد. ۲. تمایل به سرمایه گذاری و مشارکت در تعاونی مسکن برای احیاء بافت متروکه و مخروبه سبب مدیریت یکپارچه و کارآمد در امر نوسازی از سوی مدیران و متخصصین شهری را موجب خواهد شد. ۳. توان بافت فرسوده محدوده در ایجاد سرمایه گذاری و مشارکت مردمی به دنبال آن توسعه اقتصادی زمینه را برای سبب آشنا شدن و درگیر شدن مردم در امر نوسازی بافت‌ها و درک این موضوع که بهبود شرایط نیازمند صرف زمان طولانی می‌باشد و در کوتاه مدت امکان پذیر نیست باعث کاهش عدم اعتماد از سوی ساکنین به طرح‌ها و برنامه‌های مدیران شهری خواهد شد.
راهبردهای بازنگری WO
۱. وجود اراضی بایر و مخروبه به جهت توسعه محدوده می‌تواند فرصتی مناسبی را در جهت بهبود کیفیت دسترسی‌های پیاده و همچنین احیاء معابر تنگ و فاقد کیفیت را داشته باشد. ۲. تمایل به سرمایه گذاری و مشارکت در تعاونی مسکن جهت احیاء بافت متروکه و از بین بردن مشکل ریزدانی و توسعه تک پلاک‌ها را به دنبال داشته باشد. ۳. توان بافت فرسوده محدوده در ایجاد مشارکت مردمی سبب می‌شود دو عنصر انسانی مهم مدیریت شهری (مردم و مدیران شهری) بیشتر با یکدیگر در ارتباط باشند که این امر سبب مدیریت یکپارچه در بافت تاریخی می‌شود.
راهبردهای تدافعی WT
۱. با از بهبود یافتن معابر تنگ و باریک و افزایش کیفیت دسترسی سبب کاهش آسیب پذیری جدی بافت فرسوده چه بر اثر عدم توجه مسئولین و عدم توجه مردم نیز خواهد شد. ۲. افزایش کیفیت مسکن و از بین رفتن ریزدانی و امکان توسعه تک پلاک‌ها زمینه ساز مدیریت یکپارچه را در امر نوسازی بافت محدوده را افزایش خواهد داد. ۳. اگر در بافت‌های تاریخی محدوده مدیریتی یکپارچه اتفاق بیفتد از بی اعتمادی مردم به برنامه‌ها و طرح‌های مدیران و مسئولان شهری کمتر خواهد شد.

گام اول: مدل سلسله مراتبی و شبکه‌ای که برای تحلیل SWOT در اینجا پیشنهاد می‌شود از چهار سطح تشکیل شده است (سازماندهی مدل):

سطح ۱: هدف اصلی مدل است (انتخاب بهترین راهبرد).

سطح ۲: عوامل اصلی تجزیه و تحلیل (SWOT نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید) است (معیارها).

سطح ۳: (زیر معیارها) که شامل زیر معیارهای نقاط قوت (۱۴ زیر معیار)، نقاط ضعف (۱۴ زیر معیار)، فرصت‌ها (۱۲ زیر معیار) و تهدیدها (۱۲ زیر معیار) است.

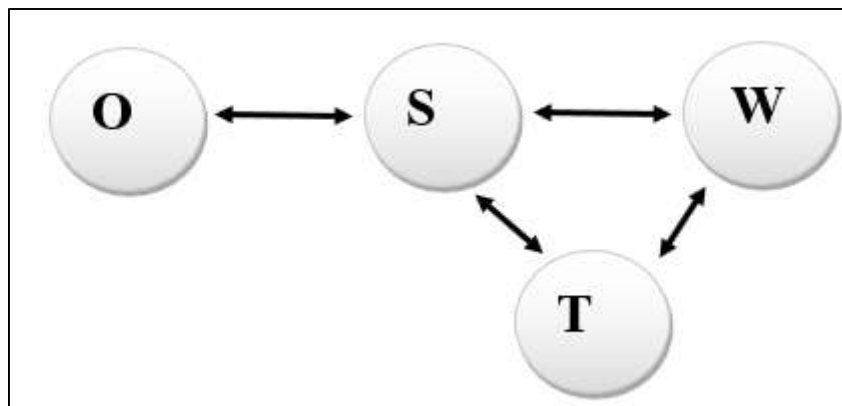
سطح ۴: گزینه‌ها که بیانگر استراتژی‌های موردنظر در این مطالعه است.

گام دوم: با فرض عدم وجود وابستگی متقابل میان عوامل اصلی SWOT ماتریس مقایسات زوجی تشکیل می‌شود. وزن‌دهی به این ماتریس بر اساس نظر مسئولین و متخصصین مرتبط است (جدول ۳).

جدول ۳. ماتریس مقایسات زوجی عوامل اصلی و اهمیت نسبی هر عامل

هدف اصلی	S	W	O	T	مجموع	اهمیت نسبی
S	۱	۲	۲	۱	۶	۰/۳۳
W	۰/۵	۱	۰/۵	۱	۳	۰/۱۷
O	۰/۵	۲	۱	۲	۵/۵	۰/۳۱
T	۱	۱	۰/۵	۱	۳/۵	۰/۱۹

گام سوم: در این مرحله وابستگی‌های متقابل میان عوامل اصلی از طریق بررسی تأثیر هر معیار روی معیار دیگر با استفاده از ماتریس مقایسات زوجی تعیین می‌شود. روابط متقابل میان عوامل اصلی مطابق (شکل ۳) است.



شکل ۳. روابط درونی میان معیارها

جدول ۴: ماتریس مقایسه زوجی عوامل اصلی و اهمیت نسبی عوامل با توجه به نقاط قوت

نقاط قوت	W	O	T	مجموع	اهمیت نسبی
W	۱	۰/۳۳	۲	۳/۳۳	۰/۲۵
O	۳	۱	۴	۸	۰/۶۱
T	۰/۵	۰/۲۵	۱	۱/۷۵	۰/۱۳

جدول ۵. ماتریس مقایسه زوجی عوامل اصلی و اهمیت نسبی عوامل با توجه به نقاط ضعف

نقاط ضعف	S	T	مجموع	اهمیت نسبی
S	۱	۳	۴	۰/۷۵
T	۰/۳۳	۱	۱/۳۳	۰/۲۵

جدول ۶: ماتریس مقایسه زوجی عوامل اصلی و اهمیت نسبی عوامل با توجه به تهدیدها

تهدیدها	S	W	مجموع	اهمیت نسبی
S	۱	۶	۷	۰/۸۶
W	۰/۱۷	۱	۱/۱۷	۰/۱۴

گام چهارم: در این مرحله، وزن‌های وابستگی متقابل معیارها از طریق حاصل ضرب ماتریس وابستگی عوامل اصلی (وزن نسبی به دست آمده از مرحله سوم) در اهمیت نسبی عوامل اصلی پس از نرمال سازی به دست می آید. وزن وابستگی متقابل معیارها به ترتیب زیر است:

جدول ۷. وزن وابستگی متقابل معیارها

هدف اصلی	S	W	O	T	اهمیت نسبی	وزن وابستگی
S	۱	۰/۷۵	۱	۰/۸۶	۰/۳۳	۰/۵۴
W	۰/۲۵	۱	۰	۰/۱۴	۰/۱۷	۱۰/۱
O	۰/۶۱	۰	۱	۰	۰/۳۱	۳۰/۲
T	۰/۱۳	۰/۲۵	۰	۱	۰/۱۹	۲۰/۱

جدول ۸. ماتریس مقایسات زوجی بین زیرمعیارهای نقاط قوت

نقاط قوت	S ^۱	S ^۲	S ^۳	S ^۴	S ^۵	S ^۶	S ^۷	S ^۸	S ^۹	S ^{۱۰}	S ^{۱۱}	S ^{۱۲}	S ^{۱۳}	S ^{۱۴}	مجموع	اهمیت نسبی
S ^۱	۱	۳	۵	۵	۳	۷	۱	۰/۲۵	۰/۳۳	۵	۲	۳	۲	۰/۱	۳۲/۷۲	۰/۱۰۵۹
S ^۲	۰/۳	۱	۰/۳	۰/۲۵	۰/۵	۵	۳	۱	۷	۵	۱	۴	۱	۰/۳	۲۹/۷۴	۰/۰۸۳۵
S ^۳	۰/۲	۳	۱	۳	۰/۲	۰/۳	۰/۵	۰/۳۳	۱	۳	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۱۴/۴۸	۰/۰۴۰۶
S ^۴	۰/۲	۴	۰/۳	۱	۰/۳	۷	۴	۳	۴	۰/۳	۰/۲	۰/۳۳	۰/۲	۱	۲۵/۸۹	۰/۰۷۲۷
S ^۵	۰/۳	۲	۵	۳	۱	۳	۵	۱	۲	۰/۳	۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۳	۲	۲۵/۴۹	۰/۰۷۱۶
S ^۶	۰/۱	۰/۲	۴	۰/۱۴	۰/۳۳	۱	۳	۵	۳	۱	۴	۰/۲	۰/۳	۰/۳	۲۲/۵۹	۰/۰۶۳۴
S ^۷	۱	۰/۳	۲	۰/۲۵	۰/۲	۰/۳	۱	۶	۱	۴	۰/۲۵	۵	۰/۳	۴	۲۵/۶۹	۰/۰۷۲۱
S ^۸	۴	۱	۳	۰/۳۳	۱	۰/۲	۰/۱۷	۱	۳	۲	۰/۵	۴	۴	۵	۳۱/۷	۰/۰۸۹
S ^۹	۲	۰/۱	۱	۰/۲۵	۰/۵	۰/۳	۱	۰/۳۳	۱	۴	۲	۵	۲	۳	۲۳/۵۵	۰/۰۶۶۱
S ^{۱۰}	۰/۲	۰/۲	۰/۳	۳	۴	۱	۰/۵	۰/۵	۰/۲۵	۱	۰/۵	۱	۱	۰/۳	۱۶/۸۱	۰/۰۴۷۲
S ^{۱۱}	۰/۵	۱	۲	۵	۳	۰/۳	۴	۰/۳۳	۰/۵	۲	۱	۲	۲	۰/۳	۲۲/۰۸	۰/۰۶۲
S ^{۱۲}	۰/۳	۰/۳	۲	۳	۴	۵	۰/۲	۰/۲۵	۰/۲	۱	۰/۵	۱	۳	۰/۲	۲۰/۹	۰/۰۵۸۷
S ^{۱۳}	۰/۵	۱	۲	۵	۳	۴	۰/۲۵	۰/۲۵	۰/۵	۳	۶	۰/۳۳	۱	۲	۲۱/۵۸	۰/۰۸۸۶
S ^{۱۴}	۷	۳	۲	۱	۳	۰/۵	۰/۲۵	۰/۲	۰/۳۳	۰/۳	۳	۶	۰/۵	1	۲۸/۰۳	۰/۰۷۸۷

جدول ۹. ماتریس مقایسات زوجی بین زیرمعیارهای نقاط ضعف

اهمیت نسبی	مجموع	W۱۴	W۱۳	W۱۲	W۱۱	W۱۰	W۹	W۸	W۷	W۶	W۵	W۴	W۳	W۲	W۱	ضعف
۰/۰۶۱۸	۲۱/۴۵	۰/۲	۱	۰/۲	۲	۰/۳	۰/۳۳	۰/۲۵	۱	۷	۳	۰/۲۵	۳	۲	۱	W۱
۰/۰۹۴	۳۲/۶۶	۰/۳	۱	۴	۱	۵	۶	۱	۳	۵	۰/۵	۴	۰/۳	۱	۰/۵	W۲
۰/۰۴۹۳	۱۷/۱۱	۰/۵	۰/۵	۳	۰/۵	۳	۱	۰/۳۳	۰/۵	۰/۳	۰/۲	۳	۱	۳	۰/۳	W۳
۰/۰۸۸۵	۳۰/۷۴	۲	۴	۰/۳۳	۰/۲	۰/۳	۴	۳	۴	۷	۰/۳	۱	۰/۳	۰/۳	۴	W۴
۰/۰۷۸۴	۲۷/۲۴	۲	۰/۳	۱	۰/۳۳	۰/۳	۲	۱	۵	۴	۱	۳	۵	۲	۰/۳	W۵
۰/۰۶۱۹	۲۱/۵۱	۰/۳	۰/۳	۰/۲	۴	۱	۳	۵	۲	۱	۰/۲۵	۰/۱۴	۴	۰/۲	۰/۱	W۶
۰/۰۷۷۳	۲۶/۸۶	۴	۰/۳	۵	۰/۲۵	۴	۱	۷	۱	۰/۵	۰/۲	۰/۲۵	۲	۰/۳	۱	W۷
۰/۰۸۲۵	۲۸/۶۷	۱	۴	۴	۳	۲	۴	۱	۰/۱۴	۰/۲	۱	۰/۳۳	۳	۱	۴	W۸
۰/۰۶۷۷	۲۳/۵	۲	۲	۵	۲	۵	۱	۰/۲۵	۱	۰/۳	۰/۵	۰/۲۵	۱	۰/۲	۳	W۹
۰/۰۶۶۴	۲۳/۰۶	۴	۰/۳	۱	۳	۱	۰/۲	۰/۵	۰/۵	۱	۴	۳	۰/۳	۰/۲	۴	W۱۰
۰/۰۶۵	۲۲/۵۷	۰/۳	۰/۳	۴	۱	۰/۳	۰/۵	۰/۳۳	۴	۰/۳	۳	۵	۲	۱	۰/۵	W۱۱
۰/۰۵۳۷	۱۸/۶۵	۰/۲	۱	۱	۰/۲۵	۱	۰/۲	۰/۲۵	۰/۲	۵	۱	۳	۰/۳	۰/۳	۵	W۱۲
۰/۰۷۴۹	۲۶	۳	۱	۱	۳	۳	۰/۵	۰/۲۵	۳	۴	۳	۰/۲۵	۲	۱	۱	W۱۳
۰/۰۷۸۷	۲۷/۳۳	۱	۰/۳	۶	۳	۰/۳	۰/۵	۱	۰/۲۵	۳	۰/۵	۰/۵	۲	۳	۶	W۱۴

جدول ۱۰. ماتریس مقایسات زوجی بین زیرمعیارهای تهدیدها

اهمیت نسبی	مجموع	T۱ ۲	T۱۱	T۱۰	T۹	T۸	T۷	T۶	T۵	T۴	T۳	T۲	T۱	تهدیدها
۰/۱۰۲	۲۷	۳	۰/۵	۱	۰/۵	۱	۰/۵	۷	۵	۰/۱۴	۷	۰/۳	۱	۱T
۰/۱۱۴	۳۰	۱	۳	۴	۷	۱	۳	۵	۰/۵	۰/۲۵	۰/۳۳	۱	۴	۲T
۰/۰۶۲	۱۶	۲	۴	۱	۱	۰/۳۳	۰/۵	۰/۲۵	۰/۲	۳	۱	۳	۰/۱	۳T
۰/۱۳	۳۴	۳	۰/۳۳	۰/۳۳	۴	۳	۴	۷	۰/۳	۱	۰/۳۳	۴	۷	۴T
۰/۱۱۶	۳۰	۵	۲	۰/۲۵	۲	۱	۵	۴	۱	۳	۵	۲	۰/۲	۵T
۰/۰۸۵	۲۲	۰/۵	۴	۱	۴	۵	۲	۱	۰/۳	۰/۱۴	۴	۰/۲	۰/۱	۶T
۰/۰۶۲	۱۶	۰/۳	۰/۲	۴	۰/۵	۳	۱	۰/۵	۰/۲	۰/۲۵	۲	۰/۳	۴	۷T
۰/۰۷۵	۲۰	۴	۵	۲	1	۱	۰/۳۳	۰/۲	۱	۰/۳۳	۳	۱	۱	۸T
۰/۰۵۵	۱۴	۳	۰/۲۵	۳	۱	۱	۲	۰/۳۳	۰/۵	۰/۲۵	۱	۰/۱	۲	۹T
۰/۰۷۴	۲۰	۵	۲	۱	۰/۳	۰/۵	۰/۵	۱	۴	۳	۱	۰/۳	۱	۱۰T
۰/۰۸۸	۲۳	۶	۱	۰/۵	۴	۰/۲	۵	۰/۲۵	۰/۵	۳	۰/۲۵	۰/۳	۲	۱۱T
۰/۰۳۵	۹/۳	۱	۰/۱۴	۰/۲	۰/۳	۰/۲۵	۳	۲	۰/۳	۰/۳۳	۰/۵	۱	۰/۳	۱۲T

جدول ۱۱. ماتریس مقایسات زوجی بین زیرمعیارهای فرصت‌ها

اهمیت نسبی	مجموع	O۱۲	O۱۱	O۱۰	O۹	O۸	O۷	O۶	O۵	O۴	O۳	O۲	O۱	فرصت‌ها
۰/۰۸۹	۲۴	۱	۰/۲	۶	۰/۳	۰/۵	۶	۰/۳۳	۱	۵	۲	۰/۳	۱	O۱
۰/۱۲۱	۳۲	۳	۳	۵	۷	۱	۳	۵	۰/۵	۰/۲۵	۰/۳۳	۱	۳	O۲
۰/۰۵۷	۱۵	۰/۳	۲	۳	۱	۰/۳۳	۰/۵	۰/۲۵	۰/۲	۳	۱	۳	۰/۵	O۳
۰/۱۱۵	۳۰	۶	۰/۳۳	۰/۳۳	۴	۳	۴	۷	۰/۳	۱	۰/۳۳	۴	۰/۲	O۴

۰/۱۱۴	۳۰	۵	۲	۰/۲۵	۲	۱	۵	۳	۱	۳	۵	۲	۱	O۵
۰/۰۹۶	۲۶	۴	۱	۱	۳	۵	۰/۳	۱	۰/۳	۱	۴	۰/۲	۳	O۶
۰/۰۶	۱۶	۰/۲	۰/۵	۴	۱	۶	۰/۱	۰/۳۳	۰/۲	۰/۲۵	۲	۰/۳	۰/۲	O۷
۰/۰۷۱	۱۹	۰/۳	۵	۲	۳	۱	۰/۱۶۶	۰/۲	۱	۰/۳۳	۳	۱	۲	O۸
۰/۰۷۱	۱۹	۶	۰/۲۵	۵	۱	۰/۳۳	۱	۰/۳۳	۰/۵	۰/۲۵	۱	۰/۱	۳	O۹
۰/۰۶۷	۱۸	۳	۲	۱	۲	۰/۵	۰/۵	۱	۴	۳	۰/۳۳	۰/۲	۰/۲	O۱۰

جدول ۱۲. محاسبه اولویت‌های زیرمعیارهای نقاط قوت

رتبه	ارجحیت کلی	ارجحیت زیرعامل	زیرعامل	ارجحیت عامل	عامل SWOT
۱	۰/۰۴۲	۰/۱۰۶	۱S	۰/۵۴	نقاط قوت
۲	۰/۰۳۶	۰/۰۸۹	۳S		
۳	۰/۰۳۵	۰/۰۸۹	۱۳S		
۴	۰/۰۳۳	۰/۰۸۳	۴S		
۵	۰/۰۳۱	۰/۰۷۹	۱۴S		
۶	۰/۰۲۹	۰/۰۷۳	۵S		
۷	۰/۰۲۹	۰/۰۷۲	۸S		
۸	۰/۰۲۹	۰/۰۷۲	۶S		
۹	۰/۰۲۶	۰/۰۶۶	۹S		
۱۰	۰/۰۲۵	۰/۰۶۳	۷S		
۱۱	۰/۰۲۵	۰/۰۶۲	۱۱S		
۱۲	۰/۰۲۳	۰/۰۵۹	۱۲S		
۱۳	۰/۰۱۹	۰/۰۴۷	۱۰S		
۱۴	۰/۰۱۶	۰/۰۴۱	۲S		

جدول ۱۳. محاسبه اولویت‌های زیرمعیارهای نقاط ضعف

رتبه	ارجحیت کلی	ارجحیت زیرعامل	زیرعامل	ارجحیت عامل	عامل SWOT
۱	۰/۰۱۰	۰/۰۹۴	W۲	۰/۱۱۰	نقاط ضعف
۲	۰/۰۱۰	۰/۰۸۸	W۴		
۳	۰/۰۰۹	۰/۰۸۳	W۸		
۴	۰/۰۰۹	۰/۰۷۹	W۱۴		
۵	۰/۰۰۹	۰/۰۷۸	W۵		
۶	۰/۰۰۹	۰/۰۷۷	W۷		
۷	۰/۰۰۸	۰/۰۷۵	W۱۳		
۸	۰/۰۰۷	۰/۰۶۸	W۹		
۹	۰/۰۰۷	۰/۰۶۶	W۱۰		
۱۰	۰/۰۰۷	۰/۰۶۵	W۱۱		
۱۱	۰/۰۰۷	۰/۰۶۲	W۶		
۱۲	۰/۰۰۷	۰/۰۶۲	W۱		
۱۳	۰/۰۰۶	۰/۰۵۴	W۱۲		
۱۴	۰/۰۰۵	۰/۰۴۹	W۳		

جدول ۱۴. محاسبه اولویت های زیرمعیارهای فرصت ها

رتبه	ارجحیت کلی	اهمیت نسبی	فرصت ها	ارجحیت عامل	عامل SWOT
۱	۰/۰۲۸	۰/۱۲۱	O۲	۰/۲۳	فرصت ها
۲	۰/۰۲۶	۰/۱۱۵	O۴		
۳	۰/۰۲۶	۰/۱۱۴	O۵		
۴	۰/۰۲۲	۰/۰۹۶	O۶		
۵	۰/۰۲۱	۰/۰۸۹	O۱		
۶	۰/۰۱۷	۰/۰۷۵	O۱۱		
۷	۰/۰۱۶	۰/۰۷۱	O۸		
۸	۰/۰۱۶	۰/۰۷۱	O۹		
۹	۰/۰۱۵	۰/۰۶۷	O۱۰		
۱۰	۰/۰۱۵	۰/۰۶۴	O۱۲		
۱۱	۰/۰۱۴	۰/۰۶۰	O۷		
۱۲	۰/۰۱۳	۰/۰۵۷	O۳		

جدول ۱۵. محاسبه اولویت های زیرمعیارهای تهدیدها

رتبه	ارجحیت کلی	ارجحیت زیرعامل	تهدیدها	ارجحیت عامل	عامل SWOT
۱	۰/۰۱۶	۰/۱۳۰	T۲	۰/۱۲۰	تهدیدها
۲	۰/۰۱۴	۰/۱۱۶	T۶		
۳	۰/۰۱۴	۰/۱۱۴	T۱		
۴	۰/۰۱۲	۰/۱۰۲	T۵		
۵	۰/۰۱۱	۰/۰۸۸	T۹		
۶	۰/۰۱۰	۰/۰۸۵	T۱۲		
۷	۰/۰۰۹	۰/۰۷۶	T۱۱		
۸	۰/۰۰۹	۰/۰۷۴	T۳		
۹	۰/۰۰۷	۰/۰۶۲	T۴		
۱۰	۰/۰۰۷	۰/۰۶۲	T۸		
۱۱	۰/۰۰۷	۰/۰۵۵	T۷		
۱۲	۰/۰۰۴	۰/۰۳۵	T۱۰		

مرحله آخر: محاسبه درجه اهمیت راهبردها با توجه به معیارها و زیر معیارها و روابط بین آنها در مراحل قبل از محاسبه اهمیت و اولویت بندی راهبردها به ترتیب سوپر ماتریس های غیر وزنی، سوپر ماتریس وزنی و سپس ماتریس محدود تشکیل و محاسبه می گردد. لازم به ذکر است که کلیه مراحل فرایند مذکور توسط نرم افزار صورت می گیرد و محقق، تنها باید مدل مورد استفاده در تحقیق خویش را به درستی طراحی کرده و مقایسات زوجی را انجام دهد. در این پژوهش حاضر نیز با توجه به عدم ضرورت ذکر نتایج سوپر ماتریس وزنی، غیر وزنی و محدود، از ذکر آنها خودداری شده و تنها اولویت بندی نهایی راهبردها ارائه گردیده است.

جدول ۱۶. اولویت بندی نهایی راهبردها

Name	Normalized By Cluster	Limiting	Priorities
۱SO	۰/۰۲۱	۰/۰۱۵۷۵	۴
۲SO	۰/۰۲۴	۰/۰۱۸	۲
۳SO	۰/۰۱۱	۰/۰۰۸۲۵	۱۰
۱ST	۰/۰۲۰۸	۰/۰۱۵۶	۵
۲ST	۰/۰۱۳	۰/۰۰۹۷۵	۹
۳ST	۰/۰۱۶۸	۰/۰۱۲۶	۷
۱WO	۰/۰۲۴	۰/۰۱۸	۳
۲WO	۰/۰۱۰۱	۰/۰۰۷۵۷۵	۱۲
۳WO	۰/۰۱۸	۰/۰۱۳۵	۶
۱WT	۰/۰۶۹	۰/۰۵۱۷۵	۱
۲WT	۰/۰۱۴۲	۰/۰۱۰۶۵	۸
۳WT	۰/۰۱۰۳	۰/۰۰۷۷۲۵	۱۱

یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

گذر زمان رد پای خود را بر حیات شهری می‌گذارد و با سرعتی شتابان در گذر زمان و مکان در حرکت است و آنچه بعد از عبور سریع آن در شهر حاصل می‌شود، تغییر و القای متفاوت آن با قبل است. بی شک یکی از نتایج آن فرسایش و فرسودگی فضاها و فعالیت شهری است و این مهم چاره‌اندیشی بسیاری را در تعدیل این شرایط می‌طلبد. بافت‌های کهن جزئی از پیکره و بدنه شهرهاست و دارای ارزش‌های کالبدی، عملکردی، اقتصادی، فرهنگی و غیره است که با قابلیت‌ها و توان‌های بالقوه خود یک سرمایه ملی محسوب می‌شود. این کالبد و ساختار در معرض تهدیدات بنیادی بوده و نیازمند تشخیص اصول، مسائل، چالش‌ها و ساماندهی آنهاست. دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی - سیاسی ایران از اواسط دوره‌ی قاجاریه شروع شده و تاکنون نیز ادامه دارد، شکلی دیگر از شهر را پدید آورده است. شکلی که به تبع این دگرگونی‌ها، تحول و تطور خویش را در آمد و شد بین کهن و جدید، دیروز و امروز سنت‌گرایی و سنت‌گریزی می‌بیند. به منظور تهیه برنامه‌ی نوسازی و بهسازی بافت تاریخی و فرسوده شهر اصفهان که یکی از اهداف سومین برنامه‌ی پنج ساله توسعه عمرانی، اجتماعی و فرهنگی شهرداری می‌باشد. سعی بر آن بوده است که با تفکیک و تعریف بافت تاریخی و فرسوده، ماهیت و کیفیت آن مشخص گردد و با تبیین راهبردها و راهکارهای اجرایی، ضوابط و قوانین مربوط به هرکدام روشن گشته، بنیان‌ها و زیرساخت‌های آن در قالب نظام‌های مدیریت شهری، حقوقی و قانونی، سرمایه‌گذاری و تدوین شده و در نهایت طرح‌ها و پروژه‌های نوسازی و بهسازی شهر اصفهان مشخص گردد.

بر اساس نتایج بدست آمده با تجزیه و تحلیل محیط بیرونی و درونی، نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو محله مورد پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌هایی که بین متخصصین و نخبگان پخش گردید شناسایی شده و ماتریس SWOT تشکیل شد، پس از تشکیل ماتریس SWOT، چهار استراتژی SO، WO، ST و WT مشخص شد در ادامه بخاطر وابستگی شاخص‌ها و زیرشاخص‌های پژوهش با هم دارند و ضرورت دید سیستمی به این موضوع، به رتبه‌بندی که مدل تحلیل شبکه‌ای انجام می‌دهد توجه شده است. در نهایت با توجه به اولویت‌بندی استراتژی‌های حاصل از فن سوات، با استفاده از نتایج مدل ANP مشخص شد که راهبردهای WO1 و SO4، WT1 و WO1 راهبردهای دارای اولویت در نوسازی بافت فرسوده محله دردمشت شناخته شده‌اند. راهبرد WT1 بهبود معابر تنگ و باریک و افزایش کیفیت دسترسی سبب کاهش آسیب پذیری به بافت فرسوده محله، و راهبرد SO2 احاطه شدن محدوده به وسیله شبکه ارتباطی مهم می‌تواند تأثیر ویژه‌ای در تخصیص

کاربری‌های بصره داشته باشد و راهبرد WO1 وجود اراضی بایر و مخروبه فرصت مناسب جهت بهبود کیفیت دسترسی و احیاء معابر تنگ و فاقد کیفیت نیز دارد.

منابع و مأخذ

- ابراهیم زاده، عیسی؛ ملکی، گل آفرین. (۱۳۹۱). تحلیلی بر ساماندهی و مداخله در بافت فرسوده‌ی شهری (مطالعه‌ی موردی: بافت فرسوده‌ی شهر خرم‌آباد). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۴(۳)، ۲۱۷-۲۳۴.
- اسحاقی، جواد، تابعی، نادر، جعفری، ایوب، جاسمی، سید میثم (۱۴۰۱). شناسایی و تدوین راهبردهای مداخله در توسعه بافت‌های فرسوده شهری «مورد مطالعه: بافت مرکزی شهر سنندج». جغرافیایی سرزمین، ۱۹(۷۴)، ۷۰-۸۶.
- اسماعیلیان، سحر، پور جعفر، محمد رضا (۱۳۹۲). "در جستجوی معیارهای شکل دهنده شبکه فضای شهری در بافت‌های تاریخی ایران (مطالعه موردی: محله دردشت اصفهان)"، فصلنامه مدیریت شهری، ۱۱(۳۱)، ۸۱-۶۵.
- اکبرپور، محمد، پور احمد، احمد، عمران زاده، بهزاد (۱۳۹۰). "ارزیابی میزان مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده (مطالعه موردی: محله سیروس تهران)"، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، ۱۶(۳۶).
- امانپور، سعید؛ هاشمی قندعلی، فرخنده (۱۴۰۱). بررسی و ارزیابی تاب‌آوری مولفه‌های کالبدی بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر مسجد سلیمان)، مجله مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۳(۴)، ۸۱-۶۵.
- تقوایی، مسعود، کیومرثی، حسین، (۱۳۹۱). "کاربرد تکنیک‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی و مدیریت تورسم"، چاپ اول، تهران، انتشارات مودنی.
- حق پناه، مریم، کریمی، باقر، مهدی نژاد درزی، جمال‌الدین (۱۴۰۰). رویکرد مشارکت جوانه درساماندهی بافت فرسوده شهری (نمونه‌ی مورد مطالعه: محله‌ی نادر کاظمی شیراز). فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۲(۴۷)، ۳۱۸-۳۰۵.
- خادمی، مسعود، علی پور، رجا (۱۳۹۰). "تأثیرات ساختارهای میان افزا"، مجله منظر، ۳(۱۴).
- رحیمی، حجت اله، حیدری، مصطفی (۱۴۰۱). "ارزیابی ساکنان از میزان اثربخشی قوانین بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری بر بازآفرینی شهر حمیدیا" مجله جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، ۱۳(۴۶)، ۱۷۷-۲۰۲.
- رستمی، شاه بختی؛ نظری، نرگس (۱۳۹۲). "تحلیل فضایی بافت فرسوده شهری با تأکید بر راهبردهای ساماندهی فیزیکی - فرهنگی (مطالعه موردی: شهر اسلام آباد غرب)"، مجله علمی - پژوهشی برنامه ریزی فضایی، ۳(۱)، ۳۶-۱۹.
- رضایی، محمد رضا، کریمی، ببراز (۱۳۹۵). "نقش استراتژی توسعه شهری CDS در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با تلفیق مدل‌های ANP و SWOT (مطالعه موردی: شهرک بهار شیراز)"، فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای، شماره ۲۲، ۱۰۹-۱۲۰.
- رفیعیان، مجتبی، زاهد، نفیسه. (۱۴۰۰). "مدل سازی مدل فرسودگی شهری و گونه شناسی بافت فرسوده ی شهر قم"، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۳(۲)، ۳۶۵-۳۸۷.
- زرقانی، سید هادی، قنبری، محمد، رضوی نژاد، مرتضی (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل راهبردهای مدیریت مهاجران افغانستانی استان خراسان رضوی با استفاده از مدل "ANP-SWOT"، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۹(۲)، ۲۸۹-۳۰۵.
- زمانی، بهادر، نسترن، مهین، مسعود، محمود، خسروی دانش، امید (۱۳۹۰). "تحلیل توسعه مسکن در بافت فرسوده کردآباد اصفهان با رویکرد توسعه پایدار"، نشریه ساخت شهر، شماره ۱۹.

- سرور، رحیم، میرزاده، روح الله، سلطان زاده، اکبر، سبحانی، نوبخت (۱۳۹۵). ارزیابی شاخص های کالبدی بافت های فرسوده شهری و مسائل آن (مطالعه موردی: شهر اشنویه)، فصلنامه بوم شناسی شهری، سال هفتم، شماره ۲، ۵۴-۳۹.
- سرور، هوشنگ (۱۳۹۸). "شناسایی بافت های فرسوده شهری بر اساس شاخص های کالبدی مطالعه موردی: منطقه یک شهر تبریز. فصلنامه شهر پایدار، ۱۲(۱)، ۱-۱۴.
- شریفیان، زهرا، عمرانی پور، علی (۱۳۹۲). "بررسی بافت محله دردشت اصفهان و ارائه راهکارهایی جهت حفاظت و ایجاد تعادل و توازن میان کالبد قدیم و جدید محله، کنفرانس بین المللی عمران"، کنفرانس بین المللی عمران معماری و توسعه پایدار شهری.
- شماعی، علی، پوراحمد، احمد (۱۳۹۲). "بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا"، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- شورای عالی شهرسازی و معماری (۱۳۸۵). "راهنمای شناسایی و مداخله در بافت فرسوده".
- فاروقی، فریقا، (۱۳۹۱). "تدوین معیارهای طراحی شهری با رویکرد بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ برای ارتقاء گردشگری فرهنگی در بافت قدیم نمونه موردی: بخشی از بافت تاریخی سنندج"، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس.
- گرجی نیا، عادل؛ امینی، الهام (۱۴۰۱). پدیدارشناسی هویت مکان و زمان در بافت های فرسوده ارزشمند با رویکرد توسعه پایدار، مجله توسعه اجتماعی ایران، ۱۴(۴)، ۲۶۹-۲۵۴.
- مختار ملک آبادی، رضا، ابراهیمی، مهدی، کرمی، آمنه (۱۳۹۴). تدوین استراتژی های راهبردی بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر جهرم با استفاده از مدل SWOT، آمایش محیط، ۲۹(۸)، ۱۷۷-۲۰۰.
- نصر، طاهره. (۱۳۹۶). جستاری در ارزیابی اقدامات نوسازی بافت های فرسوده شهری ایران (در قیاس با تجارب نوسازی جهانی) در راستای توجه به اهداف توسعه پایدار. فصلنامه علمی برنامه ریزی منطقه ای، ۷(۲۷)، ۱۸۱-۱۹۸.
- هاشم زاده قلعه جوق، فرشید، ابی زاده، مسعود، صفر علیزاده، اسماعیل. (۱۳۹۹). شناسایی و اولویت بندی مهم ترین عوامل مؤثر در پیشبرد برنامه های مدیریت شهری در حوزه بافت فرسوده (مطالعه موردی: شهر ماکو). فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۱۱(۴۰)، ۱۳۷-۱۵۴.
- یزدانی، محمدحسن؛ حاضری، صفیه؛ دوده زاده سیلابی، پروین. (۱۳۹۶). بازفرینی بافت های فرسوده شهری با رویکرد گردشگری پایدار با تلفیق مدل های برنامه ریزی استراتژیک و تحلیل شبکه (ANP- SWOT) مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر خوی. نشریه گردشگری شهری، ۴(۱)، ۴۱-۵۶.
- Alpopi, C, manole, C. (2013). Integrated urban regeneration solution for citi revitalize. procedia E conomics and finance, 6, 178-185.
- Chakravarthy, K. Ravi-Kumar, C.H, and Deepthi, K. (2008), "SWOT Analysis on Medical Tourism, Presented at the Conference on Tourism in India-Challenges Ahead", pp15-17.
- Chouch, chris. & Dennemann, Annekatrin. (2019) Urban regeneration and sustainable development in Britain, cities, vol.17, No.2, pp.137-147.
- Haase, A. Bernt, M. Grossmann, K. Mykhnenko, V. and Rink, D. (2013), "Varieties of shrinkage in European cities, European Urban and Regional Studies", PP. 1-17
- Haase, A., Rink, D. Grossmann, K. Bernt, M. and Mykhnenko, V. (2014), "Conceptualizing urban shrinkage", Journal of Environment and Planning A, Vol. 46, No.7,
- Hill, T. Westbrook, R.(1997), "SWOT analysis it's time for a product recall, Long Rang planning", 30-46-52.
- Kropf, Karal. (1996), "urban tissue and the character of towns", School of Geography, University of Birmingham, Edgbaston, Birmingham B15 2TT, UK, PP 263-248.
- Pinto, S. and Sablik, T. (2016), "Understanding Urban Decline", Annual Report, PP. 4-20.

- Popik, B. (2005), pensioners and the general improvement of the welfare of the less privilege, web.ng.undp.org.
- Shrestha, R. Alavalapati, K. Janki, R.R. Kalmbacher, R. (2006), “Exploring The Potrntial for Silvopasture Adoption in South – central Florida: An Application of SWOT – AHP Method”, Agricultural Systems, 81(1).
- Tibbalds, F. (1992), “making people – friendly towns: Improving the public environment in towns and city” the University of Michigan, 47-61.

بررسی معماری ایرانی و اسلامی با هدف بازگشت به هویت

* شقایق فریاد^۱، فاطمه قاسمی^۲

۱. گروه معماری، مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی مهندسی معماری، مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰

چکیده

زمینه و هدف: هویت و رسوم ایرانی-اسلامی بیانگر خصوصیات فرهنگی و مشخصات این مرز و بوم است. موضوعی که باید در تمامی وجه‌های زندگی، به خصوص در عرصه معماری و شهرسازی پدیدار گردد. دستیابی به معماری با هویت، موضوعی ارزشمند و پُراهمیت در معماری معاصر ایران است. چرا که در گذشته معماری ایرانی و اسلامی یکی از تأثیرگذارترین سبک‌های معماری در جهان بود؛ معماران ایرانی با به کار گرفتن هوش و ذکاوت خود و در نهایت هنرمندی، با توجه به شرایط جغرافیایی، آب و هوایی و فرهنگی هر منطقه، این عناصر معماری را توسعه می‌دادند و در جهت برقراری آسایش مردم می‌کوشیدند. این مقاله به دنبال ایجاد چارچوب فکری مناسبی برای این بحث در زمینه معماری می‌باشد.

روش بررسی: روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش با توجه به حیث نوع به اهداف آن کاربردی می‌باشد و از حیث راهبرد تحقیقی با توجه بر مبنای آن از روش توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده و به منظور گردآوری اطلاعات و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. جهت تحلیل نظریه‌ها از استدلال منطقی برای مستندات متون صورت گردیده که در این روش تلاش می‌شود مباحث راهبرد کیفی و مفهومی در این پژوهش تسری داده شود.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که اگر مبانی و راه‌های تجلی اصول و عناصر معماری ایرانی-اسلامی، مورد توجه معماران قرار گیرد، می‌تواند پاسخگوی نیازهای انسان معاصر نیز باشد.

کلید واژه‌ها: هویت، معماری ایرانی و اسلامی، فرهنگ، فضای شهری.

* نویسنده مسئول: Fatemeghaseme80@gmail.com

ارجاع به این مقاله: فریاد، شقایق؛ قاسمی، فاطمه. (۱۴۰۲). بررسی معماری ایرانی و اسلامی با هدف بازگشت به هویت، فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۳(۴)، ۴۹-۵۸.

مقدمه و بیان مسأله

در معماری به رغم تفاوت‌های اقلیمی و سرزمینی که در شکل آن تأثیر فراوانی گذاشته، از کاخ‌های ساسانی تا آموی، از مدارس عثمانی تا سلجوقی و کاروانسراهای عباسی و حتی در جزئیات معماری از نقش یک مقرنس تا رنگ شیشه‌ی آرسی و کوبه‌ی در، واجد یک ویژگی است که می‌توان آن را حال و هوا نامید. آنچه از جنس آفتاب محل، خاک و نم زمین مکان‌اش، در بستر زمان شکل گرفته است. این ویژگی همان چیزی است که در خیابان‌های لس آنجلس، کوالالامپور و عربستان و ... به شما می‌گوید کجایید، و رای آن که رنگ مو و پوست و چشم آدم‌ها گویای این تفاوت باشد. این ویژگی که بخش ذاتی چيستی و کیستی محل می‌باشد، جایگاه معماری را در بیان هویت جامعه امروزه به عنوان «معماری به مثابه هویت» تا آنجا می‌رساند که یکی از استعاره‌های اصلی بحث هویت مطرح شده است (ابل، ۱۳۸۷: ۲۶۵).

پرسش از هویت در کشور ما به مدت چهار دهه ذهن مردم، مدیران، هنرمندان و معماران را درگیر کرده است. این پرسش معمولاً در بین مردمان کشورهایی مطرح می‌شود که دارای پیشینه فرهنگی و تمدنی برجسته در گذشته بوده‌اند، ولی امروز احساس می‌کنند از کاروان تمدن جهانی عقب مانده و بیشتر مصرف‌کننده محصولات دیگر تمدن‌ها شده‌اند. پرسش از هویت به دلایل متعددی که نبود چارچوب‌های فکری مناسب، نداشتن تضمین‌های اجرایی و وجود دستگاه‌ها و عوامل ذینفع و ذینفوذ متعدّد از آن جمله‌اند، هیچگاه به کارکردهای عملی و راهکارهای عینی دست نیافته است. از طرفی بلاتکلیفی در حوزه‌ی اندیشه، در ارتباط با مسئله هویت منجر به سردرگمی در هویت معماری نیز شده است. این مقاله به دنبال ایجاد چارچوب فکری مناسبی برای این بحث در زمینه معماری می‌باشد. امروزه تعبیر مختلفی در مورد هویت معماری، وابسته به دیدگاه‌های متفاوت انسان مؤلف و بهره‌بردار از آن وجود دارد از آنجایی که انسان، زمان و مکان یک هستی را رقم می‌زنند (پرتوی، ۱۳۸۲). لذا هویتشان در هم آمیخته می‌گردد. این مقاله بدنال پاسخ برای این پرسش که مؤلفه‌های تأثیرگذار در بحث هویت در معماری ایرانی و اسلامی چه و چگونه می‌باشند؟ است.

پیشینه پژوهش

مطالعات فراوانی در زمینه هویت مکان انجام گرفته است که به نقش کالبد مکان در این باره تکیه دارند. این دسته از مطالعات در پی پاسخگویی به این پرسش هستند که کدام نوع از مکان‌ها برای مردم اهمیت دارند و دلیل این احساس چیست. بهزادفر معتقد است برای شناخت هویت یک شهر باید مؤلفه‌های سازنده هویت شهر را به دو بُعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی تقسیم می‌کند. این دو بُعد می‌تواند از سه محیط طبیعی، مصنوعی و انسانی از همدیگر تفکیک گردد (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۵۵).

اگر بخواهیم در بخش پیشینه موضوع به پایگاه‌های تئوری این بخش اشاره کنیم بی‌گمان درگیر مباحث جامعه‌شناسی و همچنین مقوله‌های شهرسازی خواهیم شد که رد پای آن به صورت پراکنده در سخنان بزرگانی چون فرانسیس تیبالدز، راجرز، داراب دیبا، کامران صفامنش، حسین شیخ زین‌الدین و شایگان چندی دیگر از بزرگان معماری ایران و جهان دیده می‌شود. لذا در جدول شماره ۱، تعدادی از بررسی‌های انجام گرفته شده در مورد معماری ایرانی - اسلامی با هدف هویت مشاهده می‌شود.

جدول ۱: پیشینه پژوهش (منبع: نگارندگان)

نویسندگان	سال	عنوان	نتیجه گیری
امید شاطری وایقان و محمد دبدبه	۱۳۹۸	رویکرد احیای بافت‌های تاریخی و ارزشمند شهری در حفظ هویت معماری بناها	- هویت یک اثر دارای معنای واحد و فرآیند ارتباط بین معمار و ذهن مخاطب، که نشان‌گر روح مکان- حس مکان و روح زمان است. - حفظ و ارتقاء هویت شهری باز زنده‌سازی بناهای تاریخی - احیاء بناهای تاریخی در روند احیای گسترش هویت و گردشگری.
عمادالدین نجفی	۱۳۹۵	بررسی مفهوم هویت در معماری	هویت بیش از آنکه معطوف به گذشته باشد به بینش افراد مرتبط است، زمان حال را در برمی‌گیرد و تقاضا برای بهره‌مندی از آن ریشه در نیازهای فردی و جمعی در محیط شهر دارد.
حامد مظاهریان، امیرمهدی کی‌نوش و آریا کی‌نوش	۱۳۹۶	توسعه درونزای شهری و بازنده‌سازی هویت شهری معماری اسلامی ایران	آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که توسعه درونزای شهری در مقابل روش‌های متداول توسعه شهری در شهرهای تاریخی مناسب‌تر است.
سیدمهدی اعتمادی فرد و ماندانا افتخاری	۱۴۰۱	هویت و معماری در مجموعه‌ی فرهنگستان‌های جمهوری اسلامی واقع در عباس‌آباد تهران	معماران امروز سعی می‌کنند بن‌بست موجود در معماری را به گردن دیگران بیندازند و بخش عظیمی از آثار همکاران و بعضاً خودشان را از حیطه معماری خارج کنند؛ گویی بناهای موجود را فارغ‌التحصیلان رشته دیگری خلق کرده‌اند. دست آخر آثار آنان به پروژه‌های دولتی و یادمانی پرشکوه یا به ویلاها و آپارتمان‌های گران قیمت بازاری محدود می‌شود.
محمود اژدری	۱۳۹۵	هویت در معماری؛ میراث فراموش شده معماری اسلامی در معماری و شهرسازی معاصر	با ورود عناصر فرهنگی بیگانه فرهنگ و هویت جامعه ایرانی ایرانی شامل تغییراتی شده است، بر همین اساس برای شناسایی هویت جامعه سنتی ایران بررسی عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی ایران شیوه مناسبی به نظر می‌آید تا هویت از دست رفته معماری اصیل خودمان را بازگو کنیم.

تیبالدز در کتابش بر توجه به بناهای تاریخی و راز ماندگاری آنها تأکید کرده و معتقد است که ساخت و سازهای جدید شهری بایستی به گونه‌ای باشند که همانند ابنیه گذشته در یاد و خاطره مردم جاودانه گردند و بر دوری جستن از «سبک بین المللی»، که سبب همانندی شهرها می‌گردند، تأکید می‌کند زیرا این سبک اجازه ظهور فرهنگ را در بناها نمی‌دهد و نتیجه آن ظهور فضاهایی نامتناسب با شرایط اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی هر شهر می‌باشد (امیریاراحمدی، ۱۳۸۲: ۳).

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش با توجه به حیث نوع به اهداف آن کاربردی می‌باشد و از حیث راهبرد تحقیقی با توجه بر مبنای آن از روش توصیفی- تحلیلی به انجام رسیده و به منظور گردآوری اطلاعات و داده‌ها از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. جهت تحلیل نظریه‌ها از استدلال منطقی برای مستندات متون صورت گردیده که در این روش تلاش

می‌شود مباحث راهبرد کیفی و مفهومی در این پژوهش تسری داده شود. بنابراین با این روش گامی مؤثر در تحقق رسیدن به راه‌حل مناسب، و حرکت جوهری در رسیدن هویت در معماری ایرانی-اسلامی به نتیجه مطلوب بهره گرفت.

تحلیل یافته‌ها

۱- اصول معماری ایرانی و اسلامی

معماری اصولاً یک هنر مقدس است که در حیطه این تقدس وظیفه‌اش پُر کردن شکاف میان دو دنیای خاکی و افلاکی به هر دو صورت طبیعی و نمادی است. معماری این وظیفه را به وسیله بناهایی که سر به آسمان می‌سائید، ادا می‌کند. در واقع معماری مقدس، تلاشی پیوسته به سوی بالاست. در ایران هم معماری آثار تاریخی در وهله اول دارای مفهوم و هدف دینی و آئینی است. از طرفی در ایران مثل سایر نقاط دنیا ساخت یک بنا وابسته به عواملی همچون اقلیم، مصالح موجود، فرهنگ منطقه، فرهنگ همسایه، دین و آیین و باور، بانی بنا و غیره است. معماری ایرانی همواره معماری بوده است که هویت داشته و مفاهیم و الگوهای خاصی را در دل خود جای داده است از پوچ بودن و بیهودگی دوری می‌گزیند و دارای هویت و اساس است.

جدول ۲: اصول معماری سنتی ایران و تأثیر و تعریف آن (منبع: نگارندگان)

ردیف	اصول معماری سنتی ایران	تعریف و تأثیر
۱	اصل هویت بخشی	دوری گزیدن از بیهودگی
۲	اصل قالب و محتوا	جهان‌بینی و مکتب، علم و دانش روز، ترکیبی و خلاقیت
۳	اصل زیبایی	زیبایی در ذات وجودی عناصر هستی
۴	اصل حرکت	تجربه‌های فضایی، فضا نیز متکی به حرکت، استفاده از حواس پنج گانه
۵	اصل پایداری	طبیعت مداری، مصالح بوم آورد
۶	اصل درون گرایی	حجاب در ساخت سازه‌ها
۷	اصل انعطاف پذیری	انعطاف پذیری به طور عام به قابلیت تغییر در اشیا و اجسام گفته می‌شود. در معماری و طراحی محیط و به طور انعطاف پذیری فضایی و سامان دهی فضای انسانی برای دستیابی به شرایط و نیازهای و کاربردهای جدید است.
۸	اصل نیایش	موضوع نیایش در معماری سنتی ایران نیز وجود داشته است توجه به خدا و خداپرستی همواره یکی از اصول اولیه معماری ایرانی خصوصاً بعد از وجود اسلام به ایران بوده است.
۹	اصل اخلاق گرایی	معماری سنتی ایران اخلاقیات و اخلاق گرایی را در طراحی و ساخت بناها به عنوان یکی از مهمترین اصول مد نظر داشته است
۱۰	اصل طراحی جمعی	همواره جنبه‌های اجتماعی زندگی اجتماعی را مد نظر قرار داده است

۲- عناصر معماری ایرانی و اسلامی

استفاده از الگوها در طراحی منجر به شکل‌گیری کیفیتی آشنا و مأنوس می‌شود که کریستوفر الکساندر آن را کیفیت بدون نام می‌نامد (کریستوفر، ۱۳۸۶). بنابراین معماری معاصر الگوگرا در ایران که زبان معماری را از الگوهای تاریخی و نظام فضایی آن اتخاذ نموده، راهکاری ارزشمند برای خلق پیوند معنایی و کالبدی با تاریخ معماری است. این گونه دربرگیرنده شاخصه‌های ارزشمند و اصیل معماری ایرانی است. پنج اصل مشترک معماری از دیدگاه صاحب نظران ایرانی (درون‌گرایی، مرکزیت فضا، انعکاس، پیوند معماری با طبیعت، محوربندی، سلسله مراتب فضایی و شفافیت و تداوم فضا) می‌توان نام برد. از عناصر معماری سنتی ایران نیز می‌توان به آستانه، ورودی، حیاط، میانسرا-حیاط، گودال باغچه، حوض، آجر، کاشی و ... را معرفی کرد.

¹ Christopher Alexander

۱-۲. مرکزیت: ویژگی موازی با مسأله درون‌گرایی، مرکزیت در فضای معماری است. سیر تحول عناصر پراکنده (کثرت‌ها) به وحدت مرکزی در اغلب فضاهای معماری دنیای اسلام به چشم می‌خورد. حیاط خانه‌ها، مساجد، مدرسه‌ها و کاروانسراها هسته‌های تشکیل دهنده این تفکر و رساندن عناصر عملکردی یا جزئیات میانه و دور به مرکز جمع‌کننده تنوع‌ها و گونه‌گونی‌ها می‌باشند. این فضای درونی مرکزی که گاه می‌تواند چیزی غیر از حیاط مرکزی باشد تنظیم‌کننده تمام فعالیت‌ها بوده و اصل و مرکز فضا را در قسمتی قائل است که نقطه عطف و عروجی استثنایی در آن رخ می‌دهد (داراب، ۱۳۷۸: ۹۷). از الگوهای تجلی دهنده مفهوم مرکزیت، می‌توان به فضای نه قسمتی و فضای چهار قسمتی اشاره کرد (متدین، ۱۳۸۹). در این‌به چهاربخشی دو محور مهم متقاطع و اکثراً عمود بر هم وجود دارد و محل تقاطع این دو محور، مرکز تمرکز فضا است.

۲-۲. انعکاس: در اغلب فضاهای معماری ایران منظره کلی حاصل از شکل‌گیری عناصر کالبدی، به وجودآورنده کلیتی بصری است که اجزای آن در قالب محوربندی‌های حساب‌شده و منظم، چارچوبی را تشکیل می‌دهند که در آن موضوع شکل و تصویر به کمال می‌رسد. اجزاء ترکیبی در محورهای افقی و عمودی همواره رشد صعودی داشته و به منظور دستیابی به مرکزیت دید (تصویر) خط حرکت عمودی در فضاهای باز به طرف آسمان و نور تنظیم می‌شود که پیوند معماری، نور، آسمان و انعکاس را به عنوان نتیجه بصری نشان می‌دهد. انسان در گردش محوری خود به طرف جهات مختلف این کلیت فضایی منسجم را حس می‌کند که گویای نظام فکری منظمی است که در آن، مرکزیت فضا و زمین در مرکزیت (توحید) آشتی‌دهنده عوامل اتصال زمین و آسمان است. در مرکز این فضاها، سطح آب از لحاظ بصری به عنوان آینه انعکاس‌دهنده، نه فقط بدنه‌های اطراف را معرفی می‌کند، بلکه به علت موقعیت استثنایی خود (مرکز) تمثیل داستان آسمانی منعکس در تالوهای آب به عنوان تصاویر برگردان حاضر ولی غیرمادی از زندگی انسان‌ها در میل به حقیقتی بالاتر و جاویدان است (لطیفی، ۱۳۹۲).

۳-۲. پیوند معماری با طبیعت: همدلی و احترام به طبیعت ریشه‌های عمیق فرهنگی دارد و همزیستی مسالمت‌آمیز انسان، معماری و طبیعت در معماری سنتی ایران کاملاً مشهود است. اشارات فراوان در کتاب آسمانی درباره گیاه، نور و اجزاء طبیعت و در نهایت تمثیل بهشتی آن موجب شده است که در معماری ایران حضور طبیعت به طور همه جانبه باشد و فضاهای نیمه‌باز- نیمه‌بسته در یک روند سلسله مراتبی به نحوی در کنار یکدیگر قرار گرفته باشند که گویی همیشه انگیزه احترام و حفظ نعمت‌های الهی را پاس می‌دارند که در قلب طبیعت و اجزاء عناصر آن تجلی کرده است. فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و یا احکام دینی همواره در آهنگی موزون با طبیعت حرکت کرده‌اند و همجواری و همدلی انسان با طبیعت موجب شده است که عناصر طبیعت به گونه‌های مختلف در معماری‌های اصیل حضور داشته و انسان را از فواید تصفیه‌کننده آن بهره‌مند گردانند. واقعیت این است که هسته‌های وجودی این معماری، جهانی را در ذره فضای خود می‌گنجانند که اوج آن در مرکزی قرار دارد که جهان مختلف جغرافیایی کماکان مفهوم گشت‌وگذار ابدی را برای ما مجسم می‌کنند (علیخانی، ۱۳۹۲).

۴-۲. تعادل: تعادل یکی از مشتقات و تجلیات مفهوم عدل است که در آثار می‌باشد؛ به عبارت دیگر هر مجموعه هنری به ویژه معماری نمود می‌یابد، کالبد متعادل مجموعه یا کالبدی دیگر است که انتظام آن بر اساس رعایت اصول عدل انجام شده باشد (تقی‌زاده، ۱۳۸۵).

۵-۲. تقارن: اصل تقارن در معماری سنتی ایران یکی از وجوه زیبایی بصری است. در این شیوه معماری، ساخت بنا به صورت متقارن به عنوان شناسانه مطرح بوده و هم در کلیت بناهای زیبایی یکی از ارزش و هم در ساخت جزئیات آن از این اصل پیروی شده است. در این شیوه با استقرار حیاط با یک هندسه منظم در مرکز بنا و چینش عناصر و اجزای خانه در اطراف آن علاوه بر ایجاد تقارن محوری، مفهوم وحدت بین اجزا نیز به نمایش گذاشته شده است. این موضوع در جزئیات بنا شامل ساخت متقارن گره و نیز انواع تزیینات به کار رفته در معماری ایرانی نیز مد نظر بوده است (پیرنیا، ۱۳۸۳).

۲-۶. **پرهیز از بیهودگی:** معمار ایرانی کاری عبث و بیهوده انجام نمی‌دهد. تا این حد که اگر تزئیناتی هم انجام می‌داده جزئی از سازه بوده نه پوسته‌ای اضافه بر روی آن. این اصل مهم در معماری ایرانی هم پیش از اسلام رعایت شده و هم بعد از آن. به‌همین روی عناصر تزئینات معماری ایران عناصری همچون گچ، آجر، کاشی و خشت است که بیشتر بخشی از کار بنیادی ساختمان است تا عنصر اضافه تزئیناتی. معمار ایرانی از گره‌سازی بهره می‌برد تا آجر که عنصر سازنده بنای او بوده علاوه بر کار سازه‌ای جنبه تزئیناتی هم داشته باشد (کریمی، ۱۳۹۳).

۲-۷. **مردم‌واری:** مردم‌واری، یکی از اصول اولیه معماری اصیل ایرانی است. در دنیای پرچالش امروز انسان تعلق خود را به مکان‌ها از دست داده است و موضوعی در باب مردم‌واری در معماری امروز ما مهجور و به دست فراموشی سپرده شده است. مردم‌واری درواقع معماری با اجزا و اندازه‌های متناسب بر پایه نیازهای انسانی را شامل می‌شود. به طور کلی عوامل بسیاری چون پیمون و تناسبات، درون‌گرایی، تزئینات، مذهب، الگوگیری از طبیعت پیرامون و فرهنگ بومی و ... در مردم‌وار کردن بنا دخیل هستند؛ راهکارهایی از دل معماری اصیل ایرانی که می‌تواند به سادگی احساس تعلق را نسبت به هر مکانی ایجاد کند (بمانیان، ۱۳۹۳: ۲۹).

۳- هویت

واژهٔ هویت اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است، معنای دوم آن به معنای تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد (محرمی، ۱۳۸۳). در لغت نامهٔ دهخدا نیز در بیان ریشه‌ای و اصل کلمه هویت لفظ هو آورده شده است. هویت گاه بر وجود خارجی و گاه بر ماهیت با تشخیص اطلاق می‌شود که عبارت است از حقیقت جزئی. هویت پدیده‌ها در نظام‌های مختلف فکری با محک‌هایی مختلفی سنجیده می‌شود، در جامعه‌ایی با معیارهای پایدار ارزشی، همچون جامعه سنتی-مکتبی، محک‌هایی متعین و در جامعه‌ای با معیارهای ارزشی ناپایدار، همچون جامعه مدرن-مدنی محک‌هایی نامتعین مالک ارزیابی هویت قرار می‌گیرند (سجادی، ۱۳۶۳: ۱). آنچه اثری را در نگاه عموم با -بی‌هویت جلوه می‌دهد، تعلق یا عدم تعلق آن به هویتی جمعی و پایدار است. در این نگاه، اثر با هویت اثری است که هویت آن در راستای هویت جمعی باشد، و اثر بی‌هویت اثری است که هویت آن در تعارض با هویت جمعی باشد، مانند بنای مدرن در یک بافت تاریخی (حجت، ۱۳۸۴). هویت تلاشی است که برخی از انسان‌ها به منظور تداوم و تمایز حیات مادی و معنوی خود بروز می‌دهند و بر معیارهای گوناگونی از قبیل خانواده، خویشاوندی و مقولات انتزاعی چون دین مشترک، قومیت و دیدگاه‌های سیاسی استوار است. هویت ملی، قومی و دینی براساس همین تعریف شکل می‌گیرد (افروغ، ۱۳۷۷). ابعاد هویت در فضای شهری در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود.

جدول ۳: ابعاد هویت در فضای شهری

ابعاد هویت	انواع هویت	توضیحات	منابع
ابعاد هویت	تثبیت هویت	اگر تغییرات روندی طبیعی داشته باشد و فرصت بروز ثابت‌هایی را در مقطع زمانی بدهد، تغییر هویت نیز با آهنگی قابل پیش‌بینی و در قالبی قابل سنجش اتفاق می‌افتد و	مدنی پور ۱۳۷۹

	در مجموع کم تنش بودن جریان تغییر هویت و وجود چارچوب‌هایی برای قضاوت در هر مقطع زمانی هویت را به وضع تثبیت شده‌ای نزدیک می‌کند. به طوری که این پدیده علی‌رغم تغییرات هویتی، همواره هویت بخش به نظر می‌رسد.	
نوفل، ۱۳۸۸	بافت کالبدی و ساختار مکانی-فضایی یکی از مهم‌ترین ابعاد هویتی فضاهای شهری را شکل می‌دهد زیرا شکل‌گیری بافت کالبدی فضاهای شهری متأثر از اندیشه‌ها، باورها، فعالیت‌ها و سطح فرهنگ جامعه است. از این رو شناخت این بخش از شهرها می‌تواند به شناخت بیشتر سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز بینجامد. واقعیت این است که بافت کالبدی امکان بازشناسی هویت شهری را به صورت بصری فراهم می‌کند و به همین دلیل از میان سایر ابعاد هویتی اهمیت بیشتری دارد.	هویت کالبدی فضایی
نوفل، ۱۳۸۸	این نوع از هویت ارزش‌های زیباشناختی در شهر و کیفیت فضایی و امکان ادراک و موقعیت و جهت‌یابی را شامل می‌شود، اگر فردی در شهر وارد شود و او بعد از دیدن بخش‌های مختلف شهر بتواند به خوبی بخش‌هایی از شهر را توصیف کند و در ذهن او باقی بماند آن فضاهای شهری نمایانگر هویت بصری خواهند بود.	هویت بصری
موتقی ۱۳۸۵	هویت شناختی کیفیت و کمیت اطلاع از فضای شهر و نمادها و نشانه‌های شهری و ارزش‌های تاریخی و فرهنگی را نشان می‌دهد. عناصر هویتی هر کدام در شب و روز مفهوم خاصی را به ما می‌دهد عناصر باید در شب و روز آن چنان خوانایی و وضوح داشته باشد که هویت‌بخشی به شهر را در هر دو زمان حفظ کند.	هویت شناختی
قاسمی ۱۳۸۳	بی‌هویتی به معنی سلب هر گونه امکان تشخیص، مفهومی است که در دنیای واقعی با قانون‌مندی‌های مادی حاکم بر آن، شاید هیچ‌گاه به صورت مطلق نمود نیابد.	بی‌هویتی
قاسمی ۱۳۸۳	برآیند هویت‌های افراد یک جامعه را هویت جمعی گویند. طبیعی است که در یک جامعه‌ی مشخص، هویت همه‌ی آحاد جامعه همسان نیست، بلکه فقط هم پوشانی‌هایی با یکدیگر دارند.	هویت جمعی

(منبع: نگارندگان)

۴- هویت در معماری

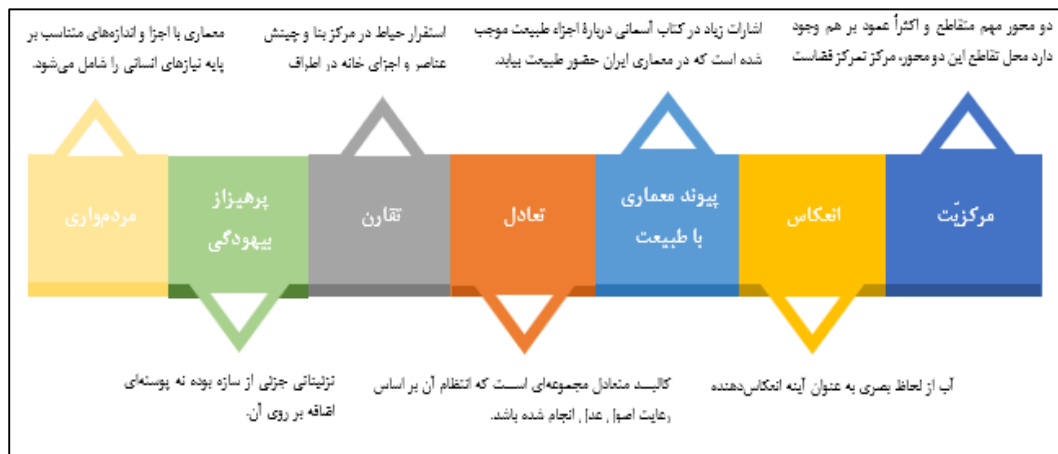
برای درک هویت معماری ایرانی می‌توان با بررسی اصول بناهای سنتی ایران و دریافت حکمت و عقاید حاکم بر آن‌ها عناصر هویت‌ساز معماری سنتی را دریافت. طبق نظر دکتر پیرنیا ویژگی‌های معماری ایران شامل پنج اصل: مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، درونگرایی و خودبسندگی است که در همه بناهای سنتی به نوعی قابل مشاهده است نمودهای هویت را در معماری می‌توان به صورت زیر مرتبط با ابعاد هویت ملی دانست. تکرار الگوهای گذشته می‌تواند نمودی از بُعد میراث فرهنگی ملی، اسطوره‌های ملی و حتی نمادهای ملی باشد، استفاده از نمادها را می‌توان مرتبط با بعد ارزش‌های ملی، بعد اسطوره‌ها و نمادهای ملی و در نهایت بعد دینی و باورهای مذهبی دانست. طراحی طبق اصل معماری بومی در بعد ویژگی‌های جغرافیایی جای دارد. تزئینات در ارتباط با ارزش‌های ملی، باورهای مذهبی و اسطوره‌ها و نمادهای ملی معنا می‌یابد. اما در گروه پنج اصل معماری ایرانی یعنی مردم‌واری آموزه‌های اسلامی، نشانگر این حقیقت است که اسلام عبادت صرف و دوری کردن از مردم را جایز نمی‌داند از طرفی، نگاه معماری به انسان به منزله روح بنا است و کالبد بنا همان جسم است که معمار آن را می‌سازد. پس معمار موظف است کالبد بنا را متناسب با روح آن بیافریند، پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی، نیارش و درونگرایی قابل بررسی در ابعاد ارزش‌های ملی، ویژگی‌های جغرافیایی و باورهای دینی هستند.

۴-۱. تأثیر عناصر معماری سنتی در هویت شهر:

معماری ایران طی تاریخ تحت تأثیر تحولات مذهبی و حکومتی درونی و بیرونی و همچنین عوامل تأثیرگذار وابسته بدان بوده و دستخوش تغییرات فراوانی شده است. در برخی از مقاطع تاریخ این تحولات چنان بنیادین بوده که سبک‌ها و چالش‌های فراوانی را در فضای معماری و نیز اجزای آن همچون تزئینات موجب شده است. عناصر معماری ایرانی-اسلامی طی تاریخ بخشی از فرآیند هویت بخشی بوده است. در این میان، یکی از ابزارهای تأثیرگذار بر هویت هنر معماری عناصر و به واسطه شرایط مذهبی در هر دوره و نوع حکومت است. ورود اسلام به ایران به گونه‌ای بود که به تدریج بر تمام جنبه‌های زندگی و فرهنگ ایرانیان و حتی نوع و شرایط حکومت داری تأثیر گذاشت. واضح است که قدرت این مذهب بسیاری از ساختارهای فرهنگی ایرانیان را تغییر داد و تغییر این ساختارها بر محصولات فرهنگی و به خصوص معماری نیز مؤثر واقع شد. به اعتقاد صاحب نظران معماری ایرانی، در دوران کنونی از اصول حاکم بر تزئینات معماری اسلامی و تأثیر و تأثر آن بر فرهنگ و مشی مردم کمتر سخن به میان آمده است. اگر مبانی و راه‌های تجلی این اصول مورد توجه قرار گیرد، می‌تواند پاسخگوی نیازهای انسان معاصر نیز باشد. آنگاه می‌توان از معماری اسلامی-ایرانی معاصر با مشخصات هویتی و فرهنگی‌اش سخن گفت (نقی‌زاده، ۱۳۸۱).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

معماری ایرانی و اسلامی یکی از تأثیرگذارترین سبک‌های معماری در جهان است. معماران ایرانی با به کار گرفتن هوش و ذکاوت خود و در نهایت هنرمندی، با توجه به شرایط جغرافیایی، آب و هوایی و فرهنگی هر منطقه، این عناصر معماری را توسعه می‌دادند و در جهت برقراری آسایش مردم می‌کوشیدند. بدین ترتیب بر اساس عناصر معماری سنتی ایرانی که در مبانی نظری پژوهش بیان شد، خلاصه و پیشنهاد مؤلفه‌های ارائه شده در انتخاب، طراحی مناسب و مطلوب شهر با هدف هویت، در نمودار شماره ۱، مشاهده می‌شود.



شکل ۱: عناصر هویت ساز در فضای شهری، (منبع: نگارندگان)

میراث معماری ایرانی اسلامی ثروتی، تمدنی به شمار می‌رود که با توجه به شرایط عصر و تحولات تمدنی ویژگی‌های خاص خود را بر اساس نگاه معنوی خود حفظ کرده است. از آنجایی که هنر معماری نشانگر هویت فرهنگ و تمدنی است، باید اصالت معماری ایرانی اسلامی را در دین اسلام جست .

این مقاله با بررسی معماری ایرانی و اسلامی در پی چستی هویت به عنوان ویژگی‌های پویا، ذاتی و تدریجی معماری بود. وجه تمایزی که معماری‌های مختلف را فارغ از ویژگی‌های استفاده‌کنندگان، از یکدیگر جدا می‌کند. هویت در معماری

عرفانی آن ما را به ذات مقدس خداوند می‌رساند. جایی که در آن هویت انسان و فعالیت‌های او، مؤد فیض‌های الهی تلقی می‌شود. پس برای درک هویت معماری ایرانی می‌توان با بررسی اصول بناهای سنتی ایران و دریافت حکمت و عقاید حاکم بر آن‌ها عناصر هویت‌ساز معماری سنتی را دریافت.

طبق نظر دکتر پیرنیا ویژگی‌های معماری ایران شامل پنج اصل: مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، درونگرایی و خودبسندگی است که در همه بناهای سنتی به نوعی قابل مشاهده است. تکرار الگوهای گذشته می‌تواند نمودی از بُعد میراث فرهنگی ملی، اسطوره‌های ملی و حتی نمادهای ملی باشد، استفاده از نمادها را می‌توان مرتبط با بعد ارزش‌های ملی، بعد اسطوره‌ها و نمادهای ملی و در نهایت بعد دینی و باورهای مذهبی دانست. طراحی طبق اصل معماری بومی در بعد ویژگی‌های جغرافیایی جای دارد. تزئینات در ارتباط با ارزش‌های ملی، باورهای مذهبی و اسطوره‌ها و نمادهای ملی معنا می‌یابد. در نتیجه با توجه به یافته‌ها، اصول و عناصر معماری ایرانی و اسلامی طی تاریخ بخشی از فرآیند هویت بخشی بوده است؛ همچنین یکی از ابزارهای تأثیرگذار بر هویت هنر معماری عناصر و به واسطه شرایط مذهبی در هر دوره و نوع حکومت است. اگر مبانی و راه‌های تجلی این اصول مورد توجه معماران قرار گیرد، می‌تواند پاسخگوی نیازهای انسان معاصر نیز باشد. آنگاه می‌توان از معماری اسلامی و ایرانی معاصر با مشخصات هویتی و فرهنگی‌اش سخن گفت.

منابع و مأخذ

- ابل، کریس (۱۳۸۷)، معماری و هویت، ترجمه دکتر فرح حبیب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- افروغ، عماد (۱۳۷۷)، فضا و نابرابری‌های اجتماعی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶)، معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن، دانشگاه شهید بهشتی.
- امیر یار احمدی، محمود (۱۳۸۲)، به سوی شهرسازی انسانگرا، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۳)، ظرفیت‌سنجی به‌کارگیری پوسته‌های دوجداره در طراحی معماری اقلیم گرم و خشک ایران به منظور کاهش مصرف انرژی (نمونه موردی شهر یزد)، ۱۹ (۳)، ۲۹-۳۸.
- بنتلی، ای‌ین (۱۳۸۵)، محیط‌های پاسخده: کتابی راهنما برای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- پرتوی، پروین (۱۳۸۲)، مکان و بی مکانی: رویکردی پدیدارشناسانه، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۴، ۴۰-۵۰.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۳)، سبک شناسی معماری ایران، انتشارات سروش دانش، تهران.
- تقی زاده، کتایون (۱۳۸۵)، آموزه‌هایی از سازه‌های طبیعی، درس‌هایی برای معماران، هنرهای زیبا، دوره ۲۸، شماره ۲۸ (۱۴۰۷)، ۷۵-۸۴.
- حجت، عیسی (۱۳۸۴)، هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز: تعاملی در رابطه با هویت و معماری، فصلنامه هنرهای زیبا شماره ۲۴.
- دیبا، داراب (۱۳۷۸)، الهام و برداشت از مفاهیم بنیادی معماری ایران. معماری و فرهنگ ۱ (۱)، ۹۷-۱۱۱.
- سجادی، س.ج (۱۳۶۳)، فرهنگ معماری اسلامی، (جلد چهارم)، تهران: انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان.
- علیخانی، مینو (۱۳۹۲)، از گره‌های سنتی تا پاتوق‌های شهری امروزی، لزوم شهر شهروندگرا، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، اصفهان.
- قاسمی، مروارید (۱۳۸۳)، اهل کجا هستیم، هویت بخشی به بافت‌های مسکونی چاپ اول تهران انتشارات روزنه.

- کریمی، علی (۱۳۹۳)، حقیقت خانه رهیافتی به شناخت قدر، ده مقاله در معماری، موسسه و منزلت شایسته خانه، رواق نظر تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن، تهران.
- گروت، لیندا و دیوید، وانگ (۱۳۸۸)، روش های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی‌فر، دانشگاه تهران، تهران.
- لطیفی، غلامرضا؛ صفری چابک، ندا. (۱۳۹۲). بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی - اسلامی برپایه اصول نوشهرگرایی. فصلنامه مطالعات شهری، ۲(۸)، ۳-۱۲.
- متدین، حشمت الله (۱۳۸۹)، علل پیدایش باغ‌های تاریخی ایران، باغ نظر، ۷(۱۵)، ۵۱-۶۲.
- محرمی، توحید (۱۳۸۳)، هویت در ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- مدنی پور، علی (۱۳۷۹)، طراحی فضاهای شهری، نگرشی بر فرایند اجتماع و مکان، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- موثقی، رامین و ایرملو، سحر (۱۳۸۳)، عناصر هویت فرهنگی در شهر، مرجع مهندسی عمران، اولین همایش بین المللی شهر برتر، طرح برتر، همدان، سازمان عمران و شهرداری همدان.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۱)، تأثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی، هنرهای زیبا، ۱۱، ۶۲-۷۶.
- نوفل، سید علیرضا، کلبادی، پارسین و پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸)، بررسی و ارزیابی شاخص‌های مؤثر در هویت شهری (نمونه موردی: محله جلفا در شهر اصفهان)، نشریه آرمان شهر، شماره ۸، ۵۷-۶۹.

تحلیلی بر تأثیرات آینده جغرافیای رفتاری بر بیماری‌های واگیردار و کووید ۱۹ با رویکرد ساختاری

محمدرضا امیری فلهیانی^{۱*}، داود مرادی^۲

۱. دانش آموخته‌ی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲. دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد تاریخ، گرایش ایران دوران اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۴

چکیده

زمینه و هدف: گسترش موفقیت‌آمیز یک بیماری عفونی که از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود به عوامل زیادی وابسته است. درک رفتار بشر از دیرباز به عنوان یکی از کلیدهای درک شیوع بیماری‌های واگیردار شناخته شده است. جغرافیای رفتاری یک رویکرد در جغرافیای انسانی است که از روش‌ها و مفروضات رفتارگرایی برای تعیین فرایندهای شناختی درگیر در درک فرد یا واکنش به محیط خود استفاده می‌کند. این علم به مطالعه فرایندهای شناختی با واکنش به محیط، از طریق رفتارگرایی می‌پردازد.

روش بررسی: در این مطالعه ما برآنیم با رویکرد آینده‌پژوهی به شناسایی عوامل کلیدی جغرافیای رفتاری در وضعیت آینده‌ی بیماری‌های واگیردار در شهرهای ایران با مطالعه موردی شهر نورآباد بپردازیم. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از حیث روش پیمایشی در سطح اکتشافی و مبتنی بر رویکرد آینده‌پژوهی صورت گرفته است. نیروهای پیشران با روش دلفی مشخص، و سپس این عوامل با استفاده از نرم‌افزار (Mic Mac) براساس میزان اهمیت و عدم قطعیت، اولویت‌بندی و حیاتی‌ترین عوامل مشخص شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بین این متغیرها، رفتار کنشی، تورم و فرهنگ معاشرت تأثیرگذارترین عوامل کلیدی جغرافیای رفتاری شهر نورآباد در مواجهه با بیماری‌های واگیردار می‌باشد همچنین فرصت‌های محدود اشتغال، عدم رعایت اصول بهداشتی توسط رانندگان و سایل نقلیه عمومی، ضعف سرمایه اجتماعی، عادی‌انگاری و وضعیت موجود، در رتبه‌های بعدی و دارای بیشترین اثرگذاری مستقیم بوده‌اند. بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت؛ حساسیت جمعیت و رفتار و ارتباطاتی که در فضای جغرافیایی توسط شهروندان صورت می‌پذیرد به طور مؤثری باعث انتقال عفونت و بیماری واگیردار می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جغرافیای رفتاری، جغرافیای بیماری‌های واگیردار، آینده پژوهی، فضای آگاهی، شهر نورآباد ممسنی.

* نویسنده مسئول: amiri_reza1388@yahoo.com

ارجاع به این مقاله: امیری فلهیانی، محمدرضا؛ مرادی، داود. (۱۴۰۲). تحلیلی بر تأثیرات آینده جغرافیای رفتاری بر بیماری‌های واگیردار و کووید ۱۹ با رویکرد ساختاری، فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۳(۴)، ۷۶-۵۹.

مقدمه و بیان مسأله

بیماری‌های عفونی عامل اصلی مرگ در سراسر جهان است که یک چهارم تا یک سوم مرگ و میر را تشکیل می‌دهد. علی‌رغم تحولات در داروسازی، به دلیل تغییر در رفتارهای انسانی، وجود شهرهای بزرگتر و پرتراکم، افزایش تجارت و مسافرت، استفاده نامناسب از داروهای آنتی‌بیوتیک، احیاء و ظهور عوامل بیماری‌زای جدید، نرخ بیماری‌های عفونی در حال افزایش است (Dobson, 1996). شیوع فعلی کرونا ویروس انسانی (COVID-19) یادآور سهولت شیوع بیماری‌های عفونی برای عبور از مرزها و تهدید ثبات اقتصادی و اجتماعی است (Verikios, 2020: 1). سلامت افراد و جمعیت تحت تأثیر محیطی قرار دارد که در آن زندگی می‌کنند (Pinter-Wollman, 2018: 1). کووید-۱۹ در جغرافیای انسانی و محیطی درهم تنیده شده است. ماهیت چندبعدی این پدیده، جغرافیایی است. از ورود احتمالی آن به جمعیت انسانی از طریق تعامل با حیوانات وحشی تا انتشار آن در کره زمین، الگوهای جغرافیایی و فرآیندهای مختلفی درگیر شده‌اند (Malanson, 2020: 149). کووید - ۱۹ و سایر ویروس‌ها دارای جغرافیای خاص خود و تئوری‌ها و روش‌های زیست جغرافیایی مرتبط برای درک آن‌ها هستند (Escobar and Craft 2016; Jean et al. 2016; Dallas et al. 2019). این مفاهیم و روش‌ها از پیش در جغرافیای پزشکی دانشگاهی رایج بوده‌اند.

از مفهوم جایگاه زیست‌محیطی برای شناسایی جغرافیای ناقل‌ها و منابع ویروس‌های بیماری‌زای انسانی استفاده شده است (Pigott et al. 2004). علاقه به مطالعه‌ی ارتباطات بین مردم و فضا در رشته جغرافیا و رشته‌های مختلفی دنبال شده است. از آنجا که روانشناسی محیط زیست به عنوان یک رشته در دهه ۱۹۶۰ پدیدار شد، محققان جغرافیا در حال تفکر و تلاش بودند تا نقش ادراک و شناخت را در تعامل‌های عملی مربوط به محیط از سیاست‌گذاری تا کارهای روزمره سامان دهند. یکی از سایت‌های مهم این تحقیق، دانشگاه کلارک بود، جغرافیدانانی که تحقیقات ادراک و رفتار محیطی را انجام داده بودند با روانشناسان به منظور بررسی نقش ادراک در رفتارهای فردی و اجتماعی پیرامون محیط‌های خطرناک، "طبیعی" و ساختاری، به هم پیوستند (Kates, 1964; land Wohlwill 1966; Burton and Kates 1964). زیست‌محیطی و خطرات نظیر مدیریت سیل یا قرار گرفتن در محل تأسیسات هسته‌ای به اصلاحاتی بپردازند. درک نقش تصویر - ادراک و شناخت محیطی - در فعالیت و رفتارهای محیطی تحت تأثیر سیاست و عمل در طراحی شهری به همان اندازه مهم است که در مورد مدیریت منابع، تاسیس فن‌آوری‌های خطرناک، مدیریت ریسک زیست‌محیطی و پاسخ‌های احتمالی مقیاس بزرگ به - پدیده‌های مانند تغییرات جهانی آب و هوا. این نگرانی‌ها امروز با توجه به اثرات تغییر اوضاع و ارتباطات در اقدامات جهانی و محلی هر روز ضروری‌تر می‌شوند (Pinter-Wollman, 2018: 1).

یکی از نگرانی‌های که امروز به جمع نگرانی‌های جهانی محیط زیست انسانی پیوسته است شیوع بیماری‌های عفونی و واگیردار است. این نگرانی باعث شده که سلامت افراد و جوامع در راس سیاست‌گذاری کشورها قرار بگیرد. در دهه‌های اخیر، بسیاری از بیماری‌های عفونی در مقیاس فزاینده‌ای - مانند ویروس ابولا، سندرم حاد تنفسی سارس، آنفلوآنزای مرغی و کلیوی، سندرم تنفسی خاورمیانه مرس، و بیماری تازه ظاهر شده کووید-۱۹، رخ داده‌اند، شیوع این بیماری‌ها منجر به عواقب گسترده اقتصادی - اجتماعی از جمله از بین رفتن جان انسان‌ها و اختلال در تجارت و مسافرت شد. بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ یک یادآور قوی است که شهرنشینی، شیوه زندگی، کار و تعامل مردم و جوامع را تغییر داده و نیاز به تقویت سیستم‌ها و ظرفیت‌های محلی برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های عفونی را به عنوان یک اصل مهم و ضروری مطرح کرده است (Lee et al, 2020). شهرنشینی در شیوع بیماری‌های عفونی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، در مناطق ثروتمند و همچنین سکونت‌گاه‌های غیررسمی تأثیر می‌گذارد. با این حال، همانطور که سازمان بهداشت جهانی توضیح داده است، تهدیدات بیماری به طور نامتناسب بر فقر شهری تأثیر می‌گذارد و همانطور که شیب‌های اقتصادی و اجتماعی در بسیاری از بیماری‌ها مشهود است. علاوه بر این، لازم به ذکر است که این بیماری‌ها بدون در

¹ - ecological niche

نظر گرفتن مراحل توسعه اقتصادی کشورها بر همه کشورها تأثیر می‌گذارد (Brooks et al., 2020). زیستگاه هر منطقه کاملاً توسط مجموعه جغرافیایی آن منطقه کنترل می‌شود. مجموعه جغرافیایی از جنبه‌های کالبدی و فرهنگی تشکیل شده است. جغرافیا، سلامت را از منظر فضایی و محیطی مورد مطالعه قرار می‌دهد. محیط طبیعی و اجتماعی - فرهنگی وضعیت سلامتی مردم را تعیین می‌کنند. جنبه‌های فرهنگی مانند مذهب، نژاد و جامعه نقش اساسی در سیستم تحویل بهداشت و درمان دارند. نابرابری اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به طور مستقیم در وضعیت سلامت یک جامعه تأثیر می‌گذارد. دسترسی به مراکز بهداشتی مانند آب آشامیدنی، بهداشت، انواع مواد غذایی، سکونتگاه، زهکشی و غیره به وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه بستگی دارد (McLafferty, 2018). ویژگی‌های جغرافیایی تأثیر زیادی در استفاده از زمین و بهره‌وری زمین دارد. آن‌ها همچنین بر حضور و زنده ماندن سایر اشکال زندگی از جمله ارگانیسم ایجاد کننده بیماری‌ها تأثیر گذاشته‌اند. همچنین بین آب و هوا و بیماری‌ها رابطه تنگاتنگی وجود دارد. در حقیقت بیماری‌ها اخلاق خاصی ندارند، این امر درگیر عوامل بسیاری از جمله فرهنگی، اجتماعی و محیطی و همچنین عوامل بیولوژیکی است. سناریوی کنونی جهانی‌شدن، پیوند دادن ساختارهای محیطی، اجتماعی و اقتصادی با سلامت به صورت مثبت و منفی است. تنوع جغرافیایی در بیماری‌های عفونی نقش عمده‌ای در تعیین برندگان و بازندگان سیاسی تاریخ ایفا کرده‌است. و همچنان یک فاکتور مهم برای شکل‌دهی رفاه تفضلی در سراسر جهان است (McNeill, 1976 & Crosby, 1986). ما در مورد شرایط اکولوژیکی که در توزیع عوامل بیماری‌زا در مناطق خاص جهان تأثیر می‌گذارند، چیزهای زیادی می‌دانیم، اما در مورد توزیع عوامل بیماری‌زای جهانی و عوامل تعیین‌کننده آن‌ها، تعداد کمتری تحلیل و مطالعه وجود دارد. گسترش موفقیت‌آمیز یک بیماری عفونی که از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود به عوامل زیادی وابسته است (Horby, 2011:5)، اما یکی از مهم‌ترین آن‌ها حساسیت جمعیت و رفتار و ارتباطاتی است که در فضای جغرافیایی به طور مؤثری باعث انتقال عفونت و بیماری واگیردار می‌شود. رفتارها و تصمیمات افراد می‌تواند باعث تشدید و یا کاهش وضعیت بیماری‌های عفونی و واگیردار در محیط زیست شهری می‌شوند و چه ما در این مطالعه تصمیم داریم تا عوامل دخیل در انجام تصمیمات و انتخاب‌های افراد در فضاهای شهری در هنگام مواجهه با بیماری‌های واگیردار و کووید - ۱۹ مورد بررسی قرار گیرد در پی آنیم که با رویکرد جغرافیای رفتاری و پیش‌ران‌های موثر این رویکرد به تحلیل ساختاری تأثیرات بیماری‌های واگیردار و کووید - ۱۹ در شهرهای ایران بپردازیم.

جغرافیای رفتاری رویکردی در جغرافیای انسانی است که رفتار انسان را با استفاده از یک رویکرد جداگانه بررسی می‌کند. جغرافی‌دانان رفتاری بر فرآیندهای شناختی/زمینه‌ای، استدلال فضایی، تصمیم‌گیری و رفتار تمرکز می‌کنند. علاوه بر این، جغرافیای رفتاری یک ایدئولوژی/ رویکرد در جغرافیای انسانی است که از روش‌ها و مفروضات رفتارگرایی برای تعیین فرآیندهای شناختی درگیر در درک یا واکنش فرد نسبت به محیط خود استفاده می‌کند. جغرافیای رفتاری آن شاخه از علوم انسانی است که از طریق رفتارگرایی به مطالعه فرایندهای شناختی با واکنش آن به محیط خود می‌پردازد (Malanson, 2020:150). شهر نورآباد به عنوان مرکز اداری شهرستان ممسنی با جمعیت بالغ بر ۵۸۰۰۰ نفر در سال ۱۳۹۵ (آمار نفوس و مسکن، ۱۳۹۵)، از موقعیت چهارراهی خاصی برخوردار است به گونه‌ای که این شهر در مسیر عبور ترانزیت اهواز به شیراز و شهر بوشهر به یاسوج قرار گرفته است. این شهر با انواع مشکلاتی از قبیل مهاجرت خیل عظیمی از مردم روستاهای شهرستان و روستاهای اطراف به شهر نورآباد از یک سو و عدم نظارت مناسب بر توسعه فیزیکی آن از سوی دیگر، و همچنین توزیع نامناسب و کمبود خدمات در سطح شهر مواجه می‌باشیم این شهر همچنین با کمبود نیروی متخصص درمانی و کیفیت خدمات بهداشتی مواجه است. همچنین به علت موقعیت چهارراهی هر روزه شاهد عبور مسافری و تراکم زیاد آن‌ها برای استراحت و صرف غذا در پارک و رستوران‌های ورودی شهر می‌باشیم. همچنین به علت توزیع نامناسب و کمبود امکانات و خدمات شهری و دسترسی هر روزه شهروندان برای انجام کارهای روزمره به مرکز شهر شاهد تجمع زیاد از شهروندان و روستائینی که برای انجام کارهای خود روانه شهر نورآباد می‌شود می‌باشیم. همین امر باعث شده در مرکز شهر رستوران‌ها، کافی شاپ‌ها، فروشگاه‌های ارزانی، مطب‌های پزشکان، فروشگاه‌های لباس و ... با تراکم زیاد جمعیت مواجه باشند در این روزها که ما شاهد شیوع و گسترش بیماری کروناویروس در سطح کشور می‌باشیم و متأسفانه هر روزه از رسانه‌ها خبرهای ناگواری از مرگ هموطنانمان می‌شنویم، رفتار، تصمیمات و عملکرد ما در فضای جغرافیای شهر تبعاتی به دنبال

خواهد داشت که بعضی از آن‌ها آگاهانه یا غیرآگاهانه باعث تشدید وضعیت این بیماری و اگیردار خواهد شد. هدف ما از این مطالعه بررسی رفتارها، تصمیمات و حتی عواملی که باعث ایجاد بعضی از رفتارهای ما در فضای شهری و به تبع آن بر پراکنش جغرافیایی بیماری‌های و اگیردار در سطح شهر و یا اطراف آن است می‌باشد. در این مطالعه ما برانیم با رویکرد آینده‌پژوهی به شناسایی عوامل کلیدی جغرافیای رفتاری در وضعیت آینده‌ی بیماری‌های و اگیردار در شهرهای ایران و سناریوسازی بپردازیم. در این پژوهش ابتدا ما به معرفی مفهوم جغرافیای رفتاری و نشان دادن ارتباط آن با سایر مفاهیم مرتبط با فضا خواهیم پرداخت. پس از آن به تجزیه و تحلیل شاخص‌های موثر بر آینده‌ی بیماری‌های و اگیردار که برآمده از فضای جغرافیایی است می‌پردازیم. در نهایت، سوال اصلی تحقیق حاضر این است که عوامل کلیدی موثر بر شکل‌دهی جغرافیای رفتاری هنگام مواجهه با بیماری‌های و اگیردار در شهر نورآباد ممسنی بارویکرد آینده‌نگاری چیست؟

مبانی نظری پژوهش

جغرافیای رفتاری، به عنوان زیرمجموعه علوم جغرافیایی، پیشرفت خود را از دهه ۱۹۶۰ آغاز کرد، هنگامی که محققان نظریه‌های موجود راجع به چگونگی تصمیم‌گیری در مسافرت و رفتار در فضا به چالش کشیدند. رن‌گرت^۱ جغرافیای رفتاری را به عنوان مطالعه تصمیم‌گیری مکانی افراد که پیش از رفتار آن‌ها است تعریف می‌کند. جغرافیای رفتاری را می‌توان به عنوان بدنه‌ای از تحقیقات دانست که علاقه‌مند است چرا و چگونه افراد برای تأمین نیازهای خود از جمله خرید، سرگرمی، خدمات پزشکی و فعالیت‌های مجرمانه تصمیمات مکانی اتخاذ می‌کنند (Paulse & Robinson, 2004). جغرافیای رفتاری تقریباً با عناوین "درک-محیطی"، "جغرافیای ادراکی و رفتاری"، "جغرافیای رفتاری و شناختی" یا "جغرافیای تصور" شناخته می‌شود، جغرافیای رفتاری بر نقش فرآیندهای شناختی در شکل‌گیری تصمیم‌گیری و رفتار تأکید دارد. به همین دلیل رویکرد اساسی آن به عنوان "رفتارگرایی شناختی" شناخته شده است (Golledge, 2008). جغرافیای رفتاری شامل مطالعه فرایندهای درگیر در تصمیم‌گیری‌های فضایی و نتایج ناشی از تصمیمات و حرکات انسانی در محیط می‌باشد. دو مؤلفه با عنوان "رفتار فضایی" و "رفتار در فضا" به طور کلی شناخته می‌شوند. "رفتارهای فضایی" اقدامات نمایشی یا آشکار فضایی افرادی است که طیف وسیعی از فعالیت‌های دوره‌ای روزانه یا سایر موارد را انجام می‌دهند (به عنوان مثال، سفر به محل کار، خرید، تفریح، آموزش و غیره). این اعمال داده‌هایی از قبیل مسافت و جهت حرکت، جهت‌گیری تعصبانه، تناوب سفر، وقفه دوره‌ای و تکرار را ارائه می‌دهند و به عنوان وقایع در فضا ارائه و تجزیه و تحلیل می‌شوند. رفتار در فضا^۲ بر تهیه دلایل این اقدامات آشکار متمرکز است و نیاز به درک فرایندهای مانند تصمیم‌گیری و انتخاب، شناخت فضایی و نقشه شناختی، کسب دانش فضایی، عدم قطعیت، عادت، جستجو و یادگیری، وضعیت احساسی، نگرش‌ها، و ارزش‌ها و عقاید دارد (Gold, 2019). جغرافیای رفتاری از اوایل دهه ۱۹۶۰ مرحله رشدی اساسی را آغاز کرد، اما محققان جدا شده در جغرافیای انسانی و طبیعی در اوایل قرن بیستم، به لزوم پیوند واقعیت طبیعی و تصاویر انسانی از آن واقعیت اشاره داشتند. گالیور^۳ (۱۹۰۸) از "جهت‌گیری فضایی ادراک شده" به عنوان یک عامل مهم در درک فعالیت‌های انسانی سخن گفت. تروبریدگ^۴ (۱۹۱۳) در مورد مفهوم "نقشه‌های تخیلی" بحث کرد، و این امر را روشن ساخت که جغرافیا نه تنها در محیط فیزیکی عینی بلکه در تصور ما وجود داشته است. این تخیل می‌تواند توصیف‌های کلامی یا تصویری واضح را ایجاد کند، همانطور که در بسیاری از رمان‌ها، شعرها و داستان‌های گفته شده وجود دارد. ترجمه کتاب جغرافیدان فنلاندی در سال ۱۹۹۷ (گرانو^۴ ۱۹۹۷)، که برای اولین بار در سال ۱۹۳۰ منتشر شد) نشان می‌دهد که وی بین مناظر "نزدیک" و "دوردست" براساس روانشناسی ادراک تمایز قایل شده‌است و از جغرافیدانان خواست که بر واقعیت‌های ادراک شده تمرکز کنند.

^۱ - Rengert

^۲ - Gulliver

^۳ - Trowbridge

^۴ - Grano

جغرافیای رفتاری به شدت به «رفتارگرایی» وابسته است. رفتارگرایی یک رویکرد مهم با هدف ایجاد اظهارات کلی از مشاهدات روندهای در حال انجام است. ماهیت رویکرد رفتاری در جغرافیا در این واقعیت نهفته است که رفتار انسان با درک آن‌ها از محیطی که در آن زندگی می‌کنند یا از محیطی که با آن روبرو هستند در تقابل می‌باشد (Wright, 1947). در جغرافیای رفتاری، مسئله انسان و محیط زیست بر این فرض که شناخت و رفتار محیطی با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند، پایه‌گذاری شده است. به عبارت دیگر، رویکرد رفتاری این نگرش را در نظر گرفته است که با نگاه کردن به فرایندهای مختلف روانشناختی که از طریق آن انسان می‌تواند با محیطی که در آن زندگی می‌کند، درک عمیق‌تری از تعامل انسان و محیط حاصل شود و با بررسی نحوه زندگی این افراد فرآیندها بر ماهیت نتیجه رفتار تأثیر می‌گذارد (Kirk 1951). یکی از جالب‌ترین و کاربردی‌ترین جنبه‌های جغرافیای رفتاری کار بررسی ادراک انسان از خطرات زیست‌محیطی است. پیشگام این بررسی رابرت کیتس (۱۹۶۲) و کار در زمینه مدیریت سیلاب، یکی از پایه‌های این رویکرد است. وی طرحی را تدوین کرد که ارتباط آن با طیف گسترده‌ای از رفتارهای انسانی وجود دارد. این طرح کیتس مبتنی بر چهار فرض اساسی است:

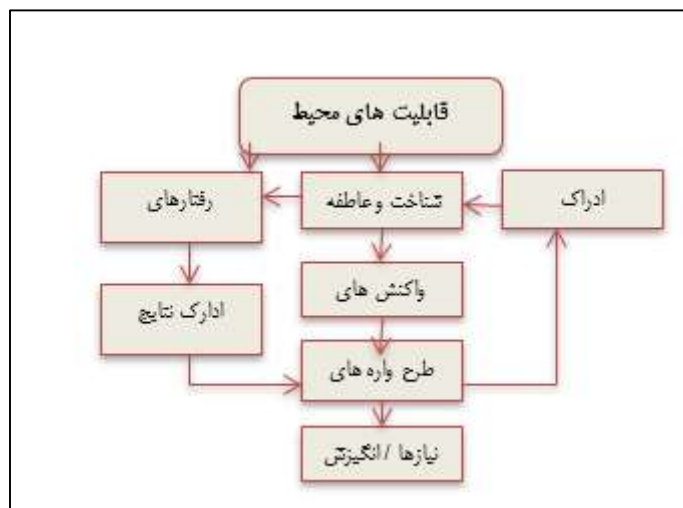
۱. انسان‌ها هنگام تصمیم‌گیری منطقی هستند.

۲. انسان‌ها انتخاب می‌کنند.

۳. انتخاب‌ها بر اساس دانش انجام می‌شود.

۴. اطلاعات با معیارهای از پیش تعیین‌شده ارزیابی می‌شوند (Kates, 1970).

پس از آن، کرک^۲ (۱۹۵۲-۱۹۶۳) یکی از اولین مدل‌های رفتاری را ارائه داد. وی در الگوی خود ادعا کرد که در فضا و زمان، اطلاعات یکسان معانی متفاوتی برای افراد دارای پیشینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و قومی که در یک محیط جغرافیایی مشابه زندگی می‌کنند، می‌آفریند. هر فرد از یک جامعه نسبت به بخشی از اطلاعات در مورد فضا و محیط متفاوت واکنش نشان می‌دهد. جنبه‌ای که بیشتر مورد استقبال جغرافیدانان از تحلیل رفتاری قرار گرفت، مفهوم نقشه‌های ذهنی^۳ بود. مقاله پیتز گولد^۴ (۱۹۶۶) سهم اصلی در این زمینه بود. وی خاطرنشان می‌کند: از آنجا که تصمیم‌گیری در مورد مکان با روشی که انسان محیط را درک می‌کند هدایت می‌شود، برای یک جغرافیدان ضرورت دارد که یک تصویر ذهنی از چگونگی درک محیط خود در هنگام تصمیم‌گیری داشته باشد. بنابراین، نقشه‌های ذهنی فقط تصاویر یا نقشه‌ها نیستند بلکه تلفیق نقشه‌ها، اطلاعات و تفسیری که شخص در مورد یک چیز خاص دارد و همچنین اینکه او چگونه آن مکان را درک می‌کند می‌باشد (Johnston, 1986).



1 - Robert Kates

2- Kirk

3 - mental maps

4 - Peter Gould

شکل ۱: فرآیندهای بنیادین رفتار انسان؛ (Gibson, 1996)

میشرا در سال ۱۹۷۰ کتابی با عنوان "جغرافیا پزشکی هند" منتشر کرده و در سال ۲۰۰۷ کتاب‌های دیگری با عنوان "جغرافیا سلامت - رساله جغرافیای زندگی و مرگ در هند" منتشر کرده است. این کتاب تحولات جغرافیای پزشکی، وراثت و سلامتی، رابطه بین محیط طبیعی، بهداشت و فرهنگ، جمعیت‌شناسی را برجسته می‌کند. عوامل و سلامتی، بیماری‌های مهم گذشته و بیماری‌های تمدن مدرن. وی در ادامه در مورد مراقبت‌های بهداشتی، آموزش‌های پزشکی، سیاست و برنامه‌ریزی بهداشت، خدمات بهداشتی و غیره توضیح می‌دهد. کیم، سیمونز و پوپکین (۲۰۰۴) ارتباط بین وضعیت اجتماعی اقتصادی و شاخص‌های سبک زندگی در چین و ایالات متحده را مورد بررسی قرار دادند و آشکار ساختند که در چین زمانی وضعیت اقتصادی اجتماعی بهبود یافته، سبک زندگی کم‌تر سالم بوده، در حالی که در ایالات متحده پیشرفت در وضعیت اقتصادی اجتماعی به سبک زندگی سالم‌تر مرتبط بود است او این یافته‌ها را به فقدان دانش در مورد تغذیه به جای فقر نسبت داد. وولمن و همکاران (۲۰۱۸)، تحقیقی با عنوان تأثیر محیط ساخته شده بر رفتارهای سلامتی و انتقال بیماری‌ها در سیستم‌های اجتماعی را به انجام رسانیده‌اند. در این تحقیق به نقش مهم محیط در پویایی بیماری و تعیین سلامت افراد پرداخته‌اند. این مقاله بخشی از موضوع "رویکردهای بین رشته‌ای برای کشف اثرات معماری بر رفتار جمعی" است. کلاته ساداتی و همکاران (۱۳۹۹) تحقیقی با عنوان جامعه در معرض خطر، آسیب‌پذیری جهانی و مقاومت‌پذیری شکننده، شیوع کروناویروس از منظر جامعه‌شناختی به انجام رسانیدند، نتایج مقاله حاضر حاکی از آن است که بسیاری از مسائل اجتماعی و اقتصادی با شیوع کرونا گره خورده است. شوک کروناویروس گسترده تر و قوی تر از سندرم حاد تنفسی حاد (SARS)، آنفولانزای مرغی و آنفولانزای خوک در سال‌های گذشته بود. این شیوع خاص کروناویروس نشان داد که چگونه می‌توان مسئله بیولوژیکی و اپیدمیولوژیک را به یک موضوع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تبدیل کرد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و اکتشافی است. از این جهت اکتشافی که در پی تایید یا رد رابطه دو متغیر نیست و هدف آن آزمون یک فرضیه نیست، بلکه به دنبال شناسایی پیشران‌های اثرگذار بر جغرافیای رفتاری است. روش گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است. از تکنیک پویا محیطی و دلفی برای شناسایی متغیرها و شاخص‌ها استفاده شده است. در این راستا در مرحله اول برای جمع‌آوری متغیرها از مقالات و نوشتارهای منتشر شده در زمینه جغرافیای رفتاری و بیماری‌های واگیردار استفاده گردید، سپس پرسشنامه نیمه ساختاریافته بین کارشناسان متخصص در حوزه مسائل جغرافیایی، شهری و اجتماعی توزیع شد و از آن‌ها خواسته شد تا در چهارچوب ماتریس اثرات متقاطع به متغیرها، بر مبنای تاثیرگذاری و تاثیرپذیری با اعدای در طیف ۰ تا ۳ امتیاز دهند. عدد صفر به منزله بدون تاثیر، «یک» به منزله تاثیر ضعیف، «دو» به منزله تاثیر متوسط و «سه» به معنای تاثیر زیاد می‌باشد. سپس امتیازها در ماتریس متقاطع وارد شد تا تاثیرگذاری و تاثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم هر کدام از عوامل سنجیده شود و با توجه به امتیاز تاثیرگذاری و تاثیرپذیری عوامل، پیشران‌های کلیدی به دست آیند.

نرم افزار میک‌مک یکی از بهترین نرم‌افزارهایی است که جهت محاسبات ماتریس تحلیل اثرات متقاطع، طراحی شده است؛ روش این نرم‌افزار بدین گونه است که ابتدا متغیرها و مولفه‌های مهم در حوزه مورد نظر را شناسایی کرده و آن‌ها را در ماتریس اثرات وارد نموده و سپس میزان ارتباط میان این متغیرها با هم توسط خبرگان تشخیص داده می‌شود. متغیرهای موجود در سطرها بر روی متغیرها موجود در ستون‌ها تاثیر می‌گذارند. بدین ترتیب متغیرهای سطرها، تاثیرگذار و متغیرهای ستون‌ها تاثیرپذیر می‌باشند (Gordon, 2009). شیوه توزیع و پراکنش متغیرها در صفحه پراکندگی، حاکی از میزان پایداری و یا ناپایداری سیستم است.

در حوزه روش تحلیل اثرات متقابل / ساختاری با نرم افزار MICMAC در مجموع دو نوع از پراکنش تعریف شده است که به نام سیستم های پایدار و سیستم های ناپایدار معروف هستند. در سیستم های پایدار پراکنش متغیرها به صورت L انگلیسی است- یعنی برخی متغیرها دارای تأثیرگذاری بالا و برخی دارای تأثیرپذیری بالا هستند. در مقابل در سیستم های ناپایدار وضعیت پیچیده تر از سیستم های پایدار است. در این سیستم ها عوامل در حول محور قطری بردار و در تمامی صفحه پراکنده اند و عوامل در اکثر مواقع حالتی بینابینی دارند.

در مطالعات سناریومبنا، تخصص و دانش خبرگان برکمیت کلی ارجحیت داشته و حجم نمونه مورد نظر نباید کمتر از ۲۵ نفر کمتر باشد (Godet, 2019). در این پژوهش به منظور انتخاب آگاهانه شرکت کنندگان، از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شده است. اساس به کاربردن روش نمونه گیری هدفمند، انتخاب گروهی از خبرگان است که بررسی عمیقی یا فهم کلی نسبت به ماهیت پرسشنامه پژوهش داشته باشند (Neuma, 2007). با استناد به توضیحات حاضر، جامعه آماری این پژوهش ۳۸ نفر از کارشناسان خبره در حوزه مسائل جغرافیایی و روانشناسی در شهر نورآباد و برخی از اساتید دانشگاهی متخصص در حوزه مورد مطالعه می باشند.

جدول ۱: ویژگی های جمعیت شناختی خبرگان مطالعات جغرافیایی و روانشناسی

حوزه	تعداد کل پاسخ دهندگان	تحصیلات			جنسیت		مدرس دانشگاه	
		کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	مرد	زن	بلی	خیر
شهری	۳۸	-	۲۰	۱۸	۲۶	۱۲	۲۱	۱۷

برای شناسایی مهم ترین شاخص ها و متغیرهای تأثیرگذار جغرافیای رفتاری، ادبیات و مستندات و پیشینه ی پژوهش در قالب کتاب، مقاله و اسناد و مدارک مورد بررسی قرار گرفته است و تلاش شده تا شاخص ها به طور کامل شناسایی شود. در این قسمت از بین شاخص های متعدد، حدود ۴۰ شاخص شناسایی که پس از ارائه به جامعه ی آماری و حذف هم پوشانی ها، مهم ترین شاخص ها انتخاب شده اند. با توجه به میانگین نظر متخصصان، در نهایت ۳۲ شاخص برای شناسایی پیشران های موثر جغرافیای رفتاری بر شیوع بیماری های واگیردار انتخاب شد.

جدول ۲: نیروهای کلیدی موثر بر جغرافیای رفتاری شهروندان در شهرهای ایران به هنگام مواجهه با بیماری های واگیردار

شاخص ها	
---------	--

۱- کم تحرکی ۲- ضعف ادراک شهروندان از خطر ۳- ضعف همبستگی اجتماعی ۴- سفرهای بی‌مورد درون شهری ۵- ضعف سرمایه اجتماعی ۶- بی تفاوتی نسبت به تأثیر بیماری ۷- عدم توجه به توصیه های بهداشتی ۸- ضعف آگاهی مردم نسبت به بحران بیماری های واگیردار ۹- بی توجهی نسبت به برگزاری مراسمات عقد، عروسی و عزاداری ۱۰- تأثیر فرهنگ معاشرت ۱۱- عادی انگاری شرایط فعلی خطرناک ۱۲- تجمع بدون مراقبت در فروشگاه ها ۱۳- رخنه کردن تفکرات غلط برای محافظت از خود در مقابل بیماری ها ۱۴- تمایل اجتماعی شهروندان برای مشارکت در بحران های ناگهانی ۱۵- آمادگی اجتماعی شهروندان در مواجهه با بیماری های واگیردار ۱۶- تغذیه نامناسب ۱۷- خرافات و عادات ها ۱۸- نوع دوستی ۱۹- مسئولیت پذیری شهروندی ۲۰- انجام رفتار کنشی ۲۱- انجام رفتار واکنشی ۲۲- فرصت های محدود اشتغال ۲۳- فصلی بودن اشتغال ۲۴- وجود اقتصاد غیر رسمی بین مهاجرین روستایی به این شهر ۲۵- مهاجرت شدید روستاییان به شهر ۲۶- ضعف بهداشت فردی ۲۷- نقض مدیریت قرنطینه در خانه ۲۸- عدم رعایت اصول بهداشتی و مراقبتی توسط رانندگان تاکسی ها ۲۹- عدم توجه صاحبان کسب و کار به اصول مراقبتی و خطر بیماری ۳۰- تورم و تأثیرات اقتصادی بر زندگی مردم ۳۱- ضعف سرزندگی محله ای ۳۲- کمبود و نبود فضاهای باز برای استراحت و تفریح و هجوم جوانان به کافی شاپ برای جبران این کمبود ۳۳- شکل و فرم شهر ۳۴- رشد زیاد ساختمان سازی ۳۵- توسعه نامتوازن شهری ۳۶- دسترسی ۳۷- حس مکان و تجارب پیادماندنی فضا ۳۸- وجود بافت فرسوده ۳۹- مواد زائد و زباله ها ۴۰- سبک زندگی

ماخذ: (امانپور و همکاران، ۱۳۹۸)، (امانپور و همکاران، ۱۳۹۷)، (Foster, 1999)، (Gold, 2019)، (امیری فهلیانی، ۱۳۹۸)، (Elsabawy, 2013)، (Meade, 1977)، (Golledge, 2008)، (Mayer, 1996)، (Brown, 2011)

تحلیل یافته ها

متغیرها و شاخص های به دست آمده از مطالعات کتابخانه ای در قالب پرسشنامه تنظیم و برای اجرای روش دلفی به جامعه ی آماری داده شد. روش دلفی یکی از روش های کسب دانش گروهی است که فرآیندی دارای ساختار برای پیش بینی و کمک به تصمیم گیری، راندهای پیمایشی جمع آوری اطلاعات و در نهایت اجماع گروهی است (زالی و منصوری بیرجندی، ۲۹۸۲: ۲۱). بعد از امتیازدهی به شاخص ها با توجه به میانگین نظر متخصصان، در نهایت ۳۲ شاخص برای شناسایی پیشران های موثر جغرافیای رفتاری بر شیوع بیماری های واگیردار انتخاب شد. پس از شناسایی شاخص ها و با هدف بررسی تأثیرات متقابل آن ها بر یکدیگر و شناسایی متغیرهای کلیدی تأثیرگذار از روش تحلیل ساختاری استفاده شده است. این روش با بررسی ارتباط تمامی متغیرها، به توصیف و شناسایی سیستم می پردازد. توانایی این مدل در شناسایی روابط بین متغیرها و در نهایت شناسایی متغیرهای کلیدی مؤثر در تکمیل سیستم است.

پیشران ها و روندهای مؤثر

برای ایفای نقش مؤثر در شکل بخشیدن به آینده ضرورت دارد با اتکا به رویکردهای جدید برنامه ریزی، به شکل جدی پیشران های توسعه و تحولات آینده را بر پایه ی کلان روندها و روندهای ناپیوسته، سناریوسازی و بهره گیری واقع بینانه از توانمندی های جامعه ی شناسایی کنیم. روند عبارت است از تغییرات منظم، مستمر و یا دوره ای در پدیده ها در طول یک بازه ی زمانی. تغییرات مذکور ممکن است به شکل کیفی یا کمی باشد. به عنوان مثال، می توان به روند تغییرات جمعیت (کمی)، یا روند تغییر ارزش ها (کیفی) اشاره نمود. پیشران ها، مجموعه یا خوشه ای از یک یا چند مؤلفه یا روند مرتبط هستند که با هم به آینده شکل می دهند. پیشران ها در حقیقت بیانگر عوامل ایجاد تغییر در یک موضوع هستند که گاهی اوقات نیز به عنوان کلان روند از آن ها نام برده می شود. «پیشران، مجموعه یا خوشه ای از یک یا چند مؤلفه یا روند مرتبط است که با هم به آینده شکل می دهند. به عبارت دیگر، مؤلفه ها یا عواملی اصلی متشکل از چند روند که باعث ایجاد تغییر در یک حوزه ی مورد مطالعه می گردند». بر مبنای ۸۷۲ ارزش محاسبه شده در ماتریس اولیه اثرات متقاطع از سوی نخبگان و کارشناسان، ۴۴۰ مورد دارای تأثیرگذاری زیاد، ۲۴۷ مورد دارای تأثیرگذاری متوسط و ۱۸۵ مورد دارای تأثیرگذاری کم، ۱۵۲ مورد بی تأثیر ارزیابی شده اند. بعد از آنکه عوامل کلیدی به روش دلفی مشخص شده اند در سومین

مرحله اقدام به شناسایی نیروهای پیشران مؤثر می‌نماییم. در تعریف نیروهای پیشران آمده: عناصر هستند که باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی سناریو شده و سرانجام داستان‌ها را مشخص می‌کنند (شوارتز، 226:1388). در این مرحله با ایجاد ماتریسی از عوامل کلیدی به شناسایی نیروهای پیشران در بین عوامل کلیدی اقدام می‌شود. ۳۲ عاملی که توسط نخبگان شناسایی شده‌اند در یک ماتریس ۳۲ در ۳۲ تنظیم شد. برای شناسایی نیروهای پیشران از بین عوامل کلیدی از روش تأثیر متقاطع به کمک نرم‌افزار میک‌مک استفاده شده است. در ماتریس متقاطع جمع اعداد سطرها و ستون‌های هر عامل به عنوان میزان تأثیرگذار و جمع ستون‌های هر عامل میزان تأثیرپذیری آن را از عوامل دیگر نشان می‌دهد.

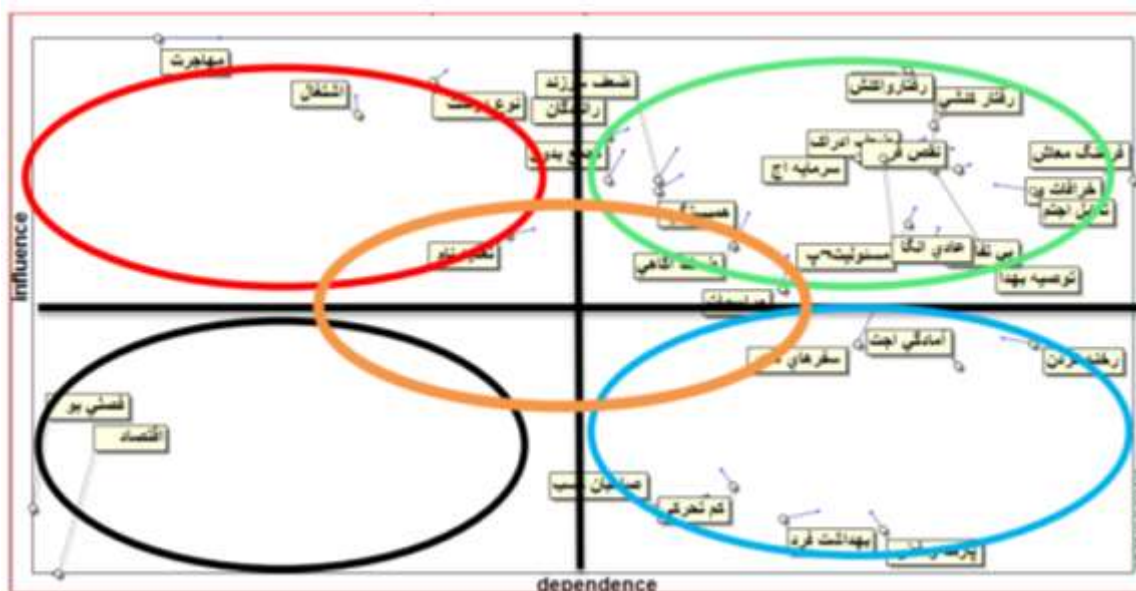
جدول (۵): میزان اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم عوامل

N°	شاخص‌ها	جمع کل ردیف-ها	جمع کل ستون-ها
1	کم تحرکی	41	62
2	ضعف ادراک شهروندان از خطر	70	65
3	ضعف همبستگی اجتماعی	68	59
4	سفرهای درون شهری	54	67
5	ضعف سرمایه اجتماعی	71	67
6	بی تفاوتی نسبت به تأثیر بیماری	63	70
7	عدم توجه به توصیه های بهداشتی	70	70
8	ضعف آگاهی مردم نسبت به بحران بیماری‌های واگیردار	63	62
9	بی توجهی نسبت به برگزاری مراسمات عقد، عروسی و عزاداری	59	64
10	تأثیر فرهنگ معاشرت	78	70
11	تجمع بدون مراقبت در فروشگاه‌ها	69	57
12	رخنه کردن تفکرات غلط برای محافظت از خود در مقابل بیماری‌ها	54	74
13	تمایل اجتماعی شهروندان برای مشارکت در بحران های ناگهانی	68	74
14	آمادگی اجتماعی شهروندان در مواجهه با بیماری‌های واگیردار	52	71
15	تغذیه نامناسب	64	53
16	خرافات و عادات‌ها	70	77
17	نوع دوستی	69	50
18	مسئولیت‌پذیری شهروندی	65	69
19	انجام رفتار کنشی	74	70
20	انجام رفتار واکنشی	72	78
21	فرصت‌های محدود اشتغال	75	47
22	فصلی بودن اشتغال	39	34
23	وجود اقتصاد غیر رسمی بین مهاجرین روستایی به این شهر	33	35
24	مهاجرت شدید روستاییان به شهر	82	39
25	ضعف بهداشت فردی	38	64
26	نقض مدیریت قرنطینه در خانه	70	71
27	عادی انگاری شرایط فعلی خطرناک	71	68
28	عدم رعایت اصول بهداشتی و مراقبتی توسط رانندگان تاکسی‌ها	73	57
29	عدم توجه صاحبان کسب و کار به اصول مراقبتی و خطر بیماری	39	59
30	تورم و تأثیرات اقتصادی بر زندگی مردم	79	69
31	ضعف سرزندگی محله‌ای	69	59
32	کمبود و نبود پارک‌ها و فضاهای باز برای استراحت و تفریح و هجوم جوانان به کافی شاپ برای جبران این کمبود	37	68
	کل	1999	1999

بر اساس یافته‌های تحقیق، مهاجرت روستائیان به شهر نورآباد با امتیاز ۸۲، تورم و تاثیرات اقتصادی با امتیاز ۷۹، تاثیرات فرهنگ معاشرت با امتیاز ۷۸، فرصت‌های محدود اشتغال با امتیاز ۷۵، انجام رفتارهای کنشی با امتیاز ۷۴، عدم رعایت اصول بهداشتی و مراقبتی توسط رانندگان تاکسی‌ها با امتیاز ۷۳، انجام رفتار واکنشی با امتیاز ۷۲، دارای بیشترین ضریب تاثیرگذاری بر دیگر متغیرها بوده است. همچنین متغیرهای انجام رفتار واکنشی با امتیاز ۷۸، خرافات و عادت‌ها با امتیاز ۷۷، رخنه کردن تفکرات غلط برای محافظت از خود در مقابل بیماری‌ها و تمایل اجتماعی شهروندان برای مشارکت در بحران‌های ناگهانی با امتیاز ۷۴، نقض مدیریت قرنطینه در خانه و ضعف بهداشت فردی با امتیاز ۷۱، بی‌تفاوتی نسبت به تاثیر بیماری، عدم توجه به توصیه‌های بهداشتی و انجام رفتار کنشی با امتیاز ۷۰، ضعف بهداشت عمومی با امتیاز ۹۹، مسئولیت‌پذیری شهروندی و تورم و تاثیرات اقتصادی بر زندگی مردم با امتیاز ۶۹، دارای بیشترین تاثیرپذیری از دیگر متغیرها بوده‌اند.

وضعیت تاثیرگذاری شاخص‌ها در خروجی نرم‌افزار MIC MAC

در شکل شماره ۱ پراکندگی متغیرهای دوجبه‌ای (در قسمت شمال شرقی و با شکل مستطیل و رنگ سبز) را نشان می‌دهد و متغیرهای تاثیرگذار (در قسمت شمال غربی با شکل مستطیل و رنگ قرمز) را نشان می‌دهد. این متغیرها بیشتر تاثیرگذار و کم‌تر تاثیرپذیر می‌باشند و بحرانی‌ترین مولفه‌ها می‌باشند و در میان این متغیرها عموماً متغیرهای محیطی دیده می‌شوند و عموماً توسط سیستم قابل کنترل نیستند. و متغیرهای مستقل (در قسمت جنوب غربی و با شکل مستطیل سیاه) نشان داده شده است. این متغیرها از سایر متغیرهای سیستم تاثیر نپذیرفته و بر آن‌ها تاثیر هم ندارند. و تنظیمی (در قسمت مرکزی و با رنگ نارنجی) را نشان می‌دهد. بر اساس سیاست‌هایی که برنامه‌ریزان برای اهداف خود به کار می‌گیرند، این متغیرها قابلیت ارتقاء به متغیرهای تاثیرگذار، متغیرهای تعیین‌کننده یا متغیرهای هدف و ریسک را دارند. و در قسمت جنوب شرق متغیرهای تاثیرپذیر قرار گرفته‌اند که با رنگ آبی مشخص شده است، که تراکم متغیرها در این قسمت زیاد است.

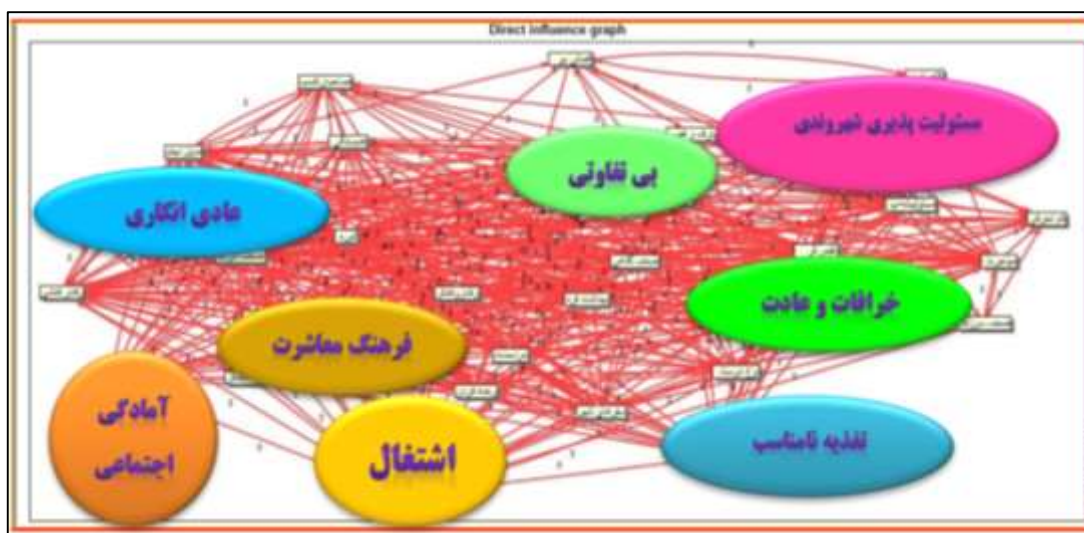


شکل ۲: تحلیل تاثیرگذاری - وابستگی غیرمستقیم جغرافیای رفتاری بر بیماری‌های واگیردار



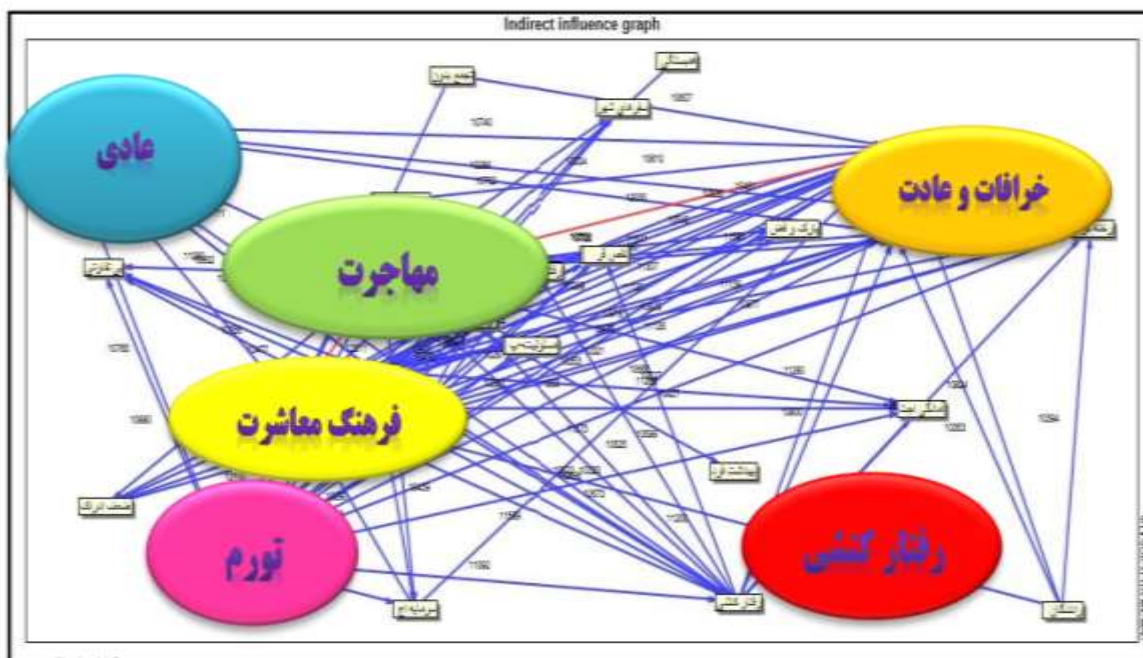
شکل ۳. وضعیت متغیرهای کلیدی استراتژیک در تحلیل ساختاری (خروجی تحلیل در نرم افزار میک مک)

چگونگی و نحوه روابط مستقیم و غیرمستقیم هر کدام از متغیرهای شناسایی شده در نرم افزار میک مک، در پنج پوشش: ۵ درصد، ۲۵ درصد، ۵۰ درصد، ۷۵ درصد و ۱۰۰ درصد مورد تحلیل قرار گرفتند. هر کدام از این پوشش ها، روابط ضعیف، میانه و قوی بین متغیرها را نشان میدهد (شکل ۴ و ۵). گراف اثرگذاری نشان دهنده روابط بین متغیرها و چگونگی اثرگذاری آنها بر یکدیگر است. این گراف در قالب خطوط قرمز و آبی نشان داده می شود. در این گراف اندازه گیری تأثیرات بسیار ضعیف، تأثیرات ضعیف، تأثیرات متوسط، تأثیرات نسبتاً قوی و تأثیرات بسیار قوی وجود دارد. خطوط قرمز نشان دهنده اثرگذاری شدید عوامل بر یکدیگر است و خطوط آبی، با تفاوت در ضخامت، روابط متوسط تا ضعیف را نشان می دهد. نمودار ۵ نشان می دهد که ساختار فضایی محرک های مستقیم جغرافیای رفتاری با نرخ ۲۵ درصد ساخته شده است. اینها مهمترین متغیرها در ساختار فضای رفتاری شهر نورآباد هستند.



شکل ۴: روابط مستقیم بین متغیرها

چگونگی و نحوه روابط مستقیم و غیرمستقیم هر کدام از متغیرهای شناسایی شده در نرم افزار میک مک، در پنج پوشش: ۵ درصد، ۲۵ درصد، ۵۰ درصد، ۷۵ درصد و ۱۰۰ درصد مورد تحلیل قرار گرفتند. هرکدام از این پوشش ها، روابط ضعیف، میانه و قوی بین متغیرها را نشان می‌دهد (شکل ۴ و ۵). گراف اثرگذاری نشان دهنده‌ی روابط بین متغیرها و چگونگی اثرگذاری آنها بر یکدیگر است. این گراف در قالب خطوط قرمز و آبی نشان داده می‌شود. در این گراف اندازه گیری تاثیرات بسیار ضعیف، تاثیرات ضعیف، تاثیرات متوسط، تاثیرات نسبتاً قوی و تاثیرات بسیار قوی وجود دارد. خطوط قرمز نشان دهنده اثرگذاری شدید عوامل بر یکدیگر است و خطوط آبی، با تفاوت در ضخامت، روابط متوسط تا ضعیف را نشان می‌دهد.



شکل ۵: روابط غیرمستقیم بین متغیرها

سهام اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم و غیرمستقیم به صورت مقایسه‌ای: با توجه به اینکه برای محاسبات اثرهای غیرمستقیم نرم‌افزار را چندبار به توان می‌رساند، جمع اثرگذاری و اثرپذیری غیرمستقیم اعداد چندرقمی درمی‌آید و مقایسه آن با اثرهای مستقیم دشوار می‌شود. در جدول (۶) سهم عوامل از کل اثرگذاری و اثرپذیری بر اساس مستقیم و غیرمستقیم نشان داده است. چنان که مشاهده می‌شود، ده عامل در ستون اثرگذاری بیشترین سهم را در اثرگذاری مستقیم داشته‌اند.

جدول ۶: فهرست طبقه‌بندی شده عوامل با بیشترین سهم در اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم و غیرمستقیم

اثرپذیری غیرمستقیم	شاخص	تأثیرگذاری غیرمستقیم	شاخص	اثرپذیری مستقیم	شاخص	اثرگذاری مستقیم	شاخص	رتبه
۳۹۲	فرهنگ معاشرت	۴۰۰	رفتار کنشی	۳۹۰	فرهنگ معاشرت	۴۱۰	رفتار کنشی	1
۳۷۹	خرافات و عادت	۳۸۹	تورم	۳۸۵	خرافات و عادت	۳۹۵	تورم	2
۳۶۵	رخنه کردن تفکرات	۳۸۵	نوع دوستی	۳۷۰	رخنه تفکرات	۳۹۰	فرهنگ معاشرت	3

۴	اشتغال غیررسمی	۳۷۵	تمایل مشارکت	۳۷۰	اشتغال	۳۷۴	تمایل مشارکت	۳۶۳
۵	مهاجرت	۳۷۰	آمادگی اجتماعی	۳۵۵	مهاجرت	۳۷۳	نقص قرنطینه	۳۵۸
۶	رانندگان تاکسی	۳۶۵	نقص قرنطینه	۳۵۵	رانندگان	۳۵۹	رفتار کنشی	۳۵۷
۷	مهاجرت	۳۶۰	بی تفاوتی	۳۵۰	ضعف ادراک	۳۵۶	رفتار واکنشی	۳۵۴
۸	سرمایه اجتماعی	۳۵۵	توصیه بهداشتی	۳۵۰	عادی انگاری	۳۵۵	بی تفاوتی	۳۵۱
۹	عادی انگاری	۳۵۵	رفتار واکنشی	۳۵۰	سرمایه اجتماعی	۳۵۴	آمادگی اجتماعی	۳۵۰
۱۰	ضعف آگاهی	۳۵۰	رفتار کنشی	۳۵۰	سرزندگی	۳۵۰	توصیه بهداشتی	۳۴۹

همانطور که در جدول (۶) مشاهده می‌کنیم، متغیر فرهنگ معاشرت در ردهٔ اول بیشترین میزان وابستگی غیرمستقیم و متغیر مهاجرت روستائیان به شهر در رده اول بیشترین وابستگی مستقیم قرار دارد و همچنین مهاجرت و تورم در رتبه اول و دوم تأثیرگذاری مستقیم شاخص‌های موثر جغرافیای رفتاری بر رشد و شیوع بیماری‌های واگیردار در شهر نورآباد می‌باشیم. با اتکا به یافته‌های پیشین پژوهش نیروهای پیشران کلیدی به لحاظ تأثیرگذاری و تأثیرپذیری به صورت (جدول ۷) قابل ارائه خواهد بود. در این راستا، با توجه به ۳۲ متغیر کلی بررسی شده، ۳۲ نیروی پیشران کلیدی نیز به ترتیب از بیشترین به کمترین اهمیت به صورت ذیل قابل ارائه است. در جدول (۷) خانه‌هایی که به رنگ سفید مشخص شده‌داری رتبه‌های مساوی در بخش‌های اثرپذیری یا اثرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم هستند و خانه‌هایی که به رنگ قرمز مشخص شده در بخش اثرگذاری یا اثرپذیری مستقیم دارای رتبه‌هایی بالاتر بوده که در بخش غیرمستقیم به رتبه‌های پایین‌تری نزول کرده‌اند. و همچنین خانه‌هایی که دارای رنگ سبز بوده‌اند در رتبه‌بندی مستقیم دارای رتبه پایین‌تری بوده‌اند که در بخش غیرمستقیم به رتبه‌های بالاتری صعود کرده‌اند.

جدول (۷): طبقه‌بندی متغیرها بر حسب تاثیرگذاری و تاثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم

رتبه‌بندی بر اساس اثرپذیری (مستقیم و غیرمستقیم)			رتبه‌بندی بر اساس اثرگذاری (مستقیم و غیرمستقیم)		
1	نوع دوستی	نوع دوستی	1	رفتار کنشی	رفتار کنشی
2	حضور در مراسمات	حضور در مراسمات	2	تورم	تورم
3	رخنه کردن تفکرات	رخنه کردن تفکرات	3	فرهنگ معاشرت	فرهنگ معاشرت
4	تمایل مشارکت	تمایل مشارکت	4	فرصت محدود اشتغال	فرصت محدود اشتغال
5	نقص قرنطینه	نقص قرنطینه	5	مهاجرت	مهاجرت
6	رفتار کنشی	رفتار کنشی	6	عدم مراقبت رانندگان	عدم مراقبت رانندگان
7	رفتار واکنشی	رفتار واکنشی	7	ضعف ادراک	ضعف ادراک
8	بی تفاوتی	بی تفاوتی	8	عادی انگاری	عادی انگاری
9	آمادگی اجتماعی	آمادگی اجتماعی	9	سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی
10	توصیه بهداشتی	توصیه بهداشتی	10	ضعف ادراک	ضعف ادراک
11	عادی انگاری	عادی انگاری	11	توصیه های بهداشتی	توصیه های بهداشتی
12	مسئولیت پذیری	مسئولیت پذیری	12	حضور در مراسمات	حضور در مراسمات
13	تورم	تورم	13	نقص قرنطینه	نقص قرنطینه
14	سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی	14	نوع دوستی	نوع دوستی
15	سفرهای درون شهری	سفرهای درون شهری	15	تجمع در فروشگاهها	تجمع در فروشگاهها
16	پارک و فضای سبز	پارک و فضای سبز	16	ضعف سرزندگی	ضعف سرزندگی
17	ضعف ادراک	ضعف ادراک	17	همبستگی اجتماعی	همبستگی اجتماعی
18	بهداشت فردی	بهداشت فردی	18	همبستگی	همبستگی
19	خرافات و عادت ها	خرافات و عادت ها	19	تمایل مشارکت	تمایل مشارکت
20	ضعف آگاهی	ضعف آگاهی	20	مسئولیت پذیری	مسئولیت پذیری
21	کم تحرکی	کم تحرکی	21	رژیم نامناسب	رژیم نامناسب
22	کم تحرکی	کم تحرکی	22	بی تفاوتی	بی تفاوتی
23	صاحبان کسب و کار	صاحبان کسب و کار	23	ضعف آگاهی	ضعف آگاهی
24	همبستگی	همبستگی	24	خرافات و عادت ها	خرافات و عادت ها
25	ضعف سرزندگی	ضعف سرزندگی	25	سفرهای درون شهری	سفرهای درون شهری
26	عدم مراقبت رانندگان	عدم مراقبت رانندگان	26	تجمع در فروشگاهها	تجمع در فروشگاهها
27	تجمع در فروشگاهها	تجمع در فروشگاهها	27	عدم مراقبت رانندگان	عدم مراقبت رانندگان
28	رژیم غذایی نامناسب	رژیم غذایی نامناسب	28	رژیم نامناسب غذایی	رژیم نامناسب غذایی
29	فرهنگ معاشرت	فرهنگ معاشرت	29	کم تحرکی	کم تحرکی
30	فرصت محدود اشتغال	فرصت محدود اشتغال	30	فصلی بودن اشتغال	فصلی بودن اشتغال
31	مهاجرت	مهاجرت	31	صاحبان کسب و کار	صاحبان کسب و کار
32	اقتصاد غیررسمی	اقتصاد غیررسمی	32	بهداشت فردی	بهداشت فردی
				پارک و فضای سبز	پارک و فضای سبز
				فصلی بودن اشتغال	فصلی بودن اشتغال
				اقتصاد غیررسمی	اقتصاد غیررسمی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بیماری و ناخوشی‌های همه‌گیر یک پدیده دوره‌ای است. افراد جامعه در چنین دوره‌هایی با چالش‌های بسیاری روبرو هستند. فقدان آگاهی اغلب منجر به نگرش بی‌تفاوتی می‌شود، که ممکن است بر آمادگی برای برطرف کردن این چالش‌ها تأثیر منفی بگذارد. تأثیر این بیماری‌ها و ناخوشی‌های همه‌گیر غالباً شدید است، که ممکن است تأثیر منفی بر بهزیستی ذهنی یک جمعیت خاص داشته باشد. ترس و اضطراب مربوط به این حوادث نیز بر رفتار افراد در جامعه تأثیر می‌گذارد. از این رو، این مطالعه با هدف ارزیابی آگاهی و نگرش کارشناسان بر تاثیر عوامل موثر بر جغرافیای رفتاری شهرهای ایران در مواجهه با بیماری‌های واگیر با استفاده از روش تحلیل ساختاری به تصویر کشیده است. در چارچوب مطالعات آینده‌نگرانه و با بهره‌گیری از رویکرد سناریونگاری، می‌توان ضمن سنجش وضعیت کلی جغرافیای رفتاری حاکم بر شهر نورآباد در هنگام شیوع بیماری‌های واگیردار، از چگونگی توزیع فضایی متغیرها

در سطح نمودارها و شکل‌های خروجی از نرم‌افزار میک‌مک می‌توان به اهمیت هریک از شاخص‌های مورد بررسی پی برد. جهان معاصر عرصه تحولات شگرف و پویایی شتابنده است. تغییرات چنان غافل‌گیرکننده و برق‌آسا از راه می‌رسند که کوچک‌ترین کم توجهی به آن می‌تواند به بهای گزاف غافلگیری راهبردی در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمام شود. در این محیط سرشار از تغییر و بی‌ثباتی، و آکنده از عدم قطعیت‌ها، تنها رویکرد و سیاستی که احتمال کسب موفقیت بیشتری دارد، تلاش برای معماری آینده است. اگرچه این تلاش همواره با خطرپذیری فراوان قرین بوده است. به هر حال پذیرش این مخاطره به مراتب عاقلانه‌تر از نظاره‌گر بودن تحولات آینده است. ما در این پژوهش بر نقش جغرافیای رفتاری یا به بیانی نقش فضای رفتاری بر تأثیرات بیماری واگیردار و کووید ۱۹ در آینده‌ی فضای شهری متمرکز شدیم. با توجه به به اهمیت نقشی که جغرافیا در مطالعات بیماری‌ها در قالب جغرافیایی آن دارد و تأثیراتی که مکان و فضا بر توزیع و انتشار بیماری‌های واگیردار بر عهده دارد و همچنین همکاری گسترده با سایر رشته‌های مرتبط با سلامت باعث تأثیرگذاری موثر جغرافیا و اهمیت این رشته در علوم مرتبط با سلامت شده است. این پژوهش با هدف تدوین و شناسایی متغیرهای کلیدی پیش‌روی آینده تأثیرات جغرافیای رفتاری شهرهای ایران با مطالعه موردی شهر نورآباد فارس در مواجهه با بیماری‌های واگیردار و بررسی شاخص‌های مؤثر در آینده این شهرها، با بهره‌گیری از پایه فکری آینده‌پژوهی بنیان نهاده شده است. در پژوهش حاضر از روش تحلیل اثرات متقابل برای بررسی میزان و چگونگی تأثیرگذاری عوامل و در نهایت در شناسایی عوامل کلیدی استفاده شده است؛ برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار کاربردی MIC استفاده شد. از این رو متغیرهای مؤثر بر در چارچوب یک ماتریس 32×32 و ۳۲ متغیر انجام شد و سپس با وزندهی به آن‌ها (از صفر تا P) نتایج ماتریس تحلیل اثرات متقابل محاسبه گردید. در نهایت، با ارزیابی ۳۲ عامل کلیدی یاد شده (در نتیجه تحلیل‌های ماتریس پلان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری) با روش‌های مستقیم و غیرمستقیم، عوامل کلیدی دارای بیشترین تأثیر بر جغرافیای رفتاری شناخته شد. نتایج حاکی از آنست که شاخص‌های رفتار کنشی، تورم، فرهنگ معاشرت، فرصت محدود اشتغال، مهاجرت روستائیان، عدم رعایت اصول مراقبتی توسط رانندگان وسایل حمل و نقل عمومی، صعف سرمایه اجتماعی، عادی‌انگاری - وضعیت موجود توسط شهروندان و ضعف ادراک به عنوان عوامل کلیدی مؤثر بر جغرافیای رفتاری توسط کارشناسان مشخص شده که در شیوع بیماری‌های واگیردار در آینده این شهر و شهرهای ایران مؤثر بوده‌اند. بعضی از شاخص‌های مشخص شده حاکی از تصمیم‌گیری و ادراک و عملکرد شهروندان در فضای جغرافیایی شهر نسبت به بیماری واگیردار می‌باشند که در بعضی از موارد دارای تبعات منفی در شیوع بیماری‌های واگیردار می‌باشد و بعضی از شاخص‌های دیگر به علت تبعاتی است که به طور مستقیم بر دیگر متغیرهای شیوع بیماری‌های واگیردار در سطح شهر می‌شوند مثلاً شاخص مهاجرت، به علت خشکسالی‌های چند ساله اخیر در سطح شهرستان و نبود شغل و خدمات، خیلی از روستائیان چه بصورت دائم و چه روزانه برای شغل‌های روزمزد راهی شهر نورآباد می‌شوند و رفت و آمد آن‌ها و قرارگیری آن‌ها در فضاهایی که احتمال شیوع بیماری وجود دارد و همچنین عبور و مرور آن‌ها در سطح شهر یا بین روستای محل سکونت و شهر چه برای جامعه شهری و چه بصورت بدتر جامعه روستایی خطرناک خواهد بود و دارای پیامدهای منفی در سلامت جامعه می‌باشد، همچنین مهاجرت بر حجم و رشد جمعیت یک جامعه تأثیر می‌گذارد و هم می‌توان به فقدان یکپارچگی اجتماعی و گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی در شهرها اشاره کرد. و همچنین افزایش میزان ارتباط و تحرک مردم در سطح شهر، منجر به خطر بالای انتقال بیماری خواهد شد. بنابراین فضا و محیط شهری مستعد رشد بیماری‌های واگیر از جمله کووید ۱۹ خواهد بود که همه شرایط از جمله نابرابری به دسترسی به خدمات شهری در سطح شهر، دسترسی متمایز به خدمات بهداشتی، ضعف آگاهی شهروندان، فاصله طبقاتی در شهرها، نبود امکانات و زیرساخت‌ها برای افزایش فعالیت بدنی شهروندان در این شهر، برای شیوع و گسترش بیماری‌های واگیردار دیده می‌شوند. اگرچه نواحی فقیر شهری معمولاً تحت تأثیر بیشتری قرار می‌گیرند، عفونت از این پتانسیل برخوردارند که به سرعت به بخش‌های دیگر شهر نیز، منتقل شوند. همچنین قابل ذکر است که بعضی از رفتارها که توسط شهروندان در فضای جغرافیایی شهر صورت می‌پذیرد را به سختی می‌توان با دانش موجود توجیه کرد. در نهایت اقدامات فوری برای کاهش اثرات مخرب بالقوه COVID-19، عملی که می‌تواند توسط علوم رفتاری و اجتماعی مورد حمایت قرار گیرد، ضروری است. بسط و تکمیل یافته‌های اجرایی این پژوهش توسط اندیشمندانی که مبانی نظری و پیش‌بینی‌های این پژوهش

را می‌پذیرند، اولین توصیه پژوهش حاضر است. اجرای پژوهش‌های مشابه از طریق تعریف و ارزیابی سناریوهای رقیب، اجرای پژوهش‌های علی از طریق طرح‌های تجربی و نیمه تجربی که بتواند توصیه‌های این پژوهش را در آفاق‌های کوتاه مدت ارزیابی کند و اجرای پژوهش‌های مشابه در قلمرو آینده‌پژوهی ساختار فضایی شهرها در مقابله با بلایای طبیعی و انسانی و همچنین مبحث تاب‌آوری شهری که به یک موضوع مهم و بروز در مطالعه شهرهای ما در مواجهه با بیماری‌های واگیردار و حوادث ناگهانی تبدیل شده به سایر پژوهشگران علاقه‌مند توصیه می‌شود. در این همه‌گیری بیماری کرونا پیشنهاداتی وجود دارد که نشان می‌دهد، رفتارهای غذایی و سکونتی، نقش مهمی در ترویج جهش‌ها در ویروس‌ها دارند. ما به رویکردهای بین رشته‌ای جدید، با همکاری جامعه-شناسان، جغرافیدانان، فلاسفه، انسان‌شناسان، ویروس‌شناسان، اپیدمیولوژیست‌ها و محققان بهداشت عمومی داریم. تا هم در رفتار ما در محیط و اقدامات ما در مواجهه با بحران تغییر ایجاد شود. در نتیجه، این شیوع به ما یادآوری می‌کند، که چگونه جوامع فعلی از نظر بیولوژیکی و ذهنی آسیب‌پذیر هستند. ما باید انعطاف‌پذیری را نه در بعد زیست‌شناختی، بلکه در سطح روانی، اجتماعی و معنوی بهبود بخشیم.

منابع و مأخذ

۱. امانپور، سعید، ملکی، سعید، صفایی پور، مسعود، امیر فهلیانی، محمدرضا، (۱۳۹۸)، تدوین سناریوها و ارائه راهبردهای مؤثر در تاب‌آوری اجتماعی آینده (مطالعه موردی: کلانشهر اهواز)، *دوفصلنامه علمی جغرافیای اجتماعی شهری*، دوره ۶، شماره ۲، پیاپی ۱۵، ۶(۲)، ۲۵۵-۲۷۳.
۲. امانپور، سعید، ملکی، سعید، صفایی پور، مسعود، امیر فهلیانی، محمدرضا، (۱۳۹۷)، تحلیل وضعیت و تعیین استراتژی‌های مبتنی بر سناریو در تاب‌آوری کلانشهرهای ایران (موردپژوهی: کلانشهر اهواز). فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۹(۳۵)، ۳۱-۴۶.
۳. امیری فهلیانی، محمدرضا، (۱۳۹۷)، کاربست رویکرد آینده‌پژوهی در ارزیابی و تحلیل فضایی ابعاد و مولفه‌های تاب‌آوری نهادی در مناطق کلان شهری (مطالعه موردی: کلان شهر اهواز)، رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز، اساتید راهنما؛ دکتر سعید امانپور و دکتر سعید ملکی.
۴. زالی، نادر و منصوری، سارا، (۱۳۹۴)، تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه حمل و نقل پایدار در افق کلانشهر تهران ۱۴۰۴ (روش تحلیل ساختاری)، *مجله علوم انسانی مدرس (برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی فضایی)* «(پیاپی). ۸۸»، شماره ۲، ۱-۳۲.
5. Brooks, S.K., Webster, R.K., Smith, L.E., Woodland, L., Wessely, S., Greenberg, N., Rubin, G.J., 2020. *The psychological impact of quarantine and how to reduce it: rapid review of the evidence. The Lancet.*
6. Burton, Ian, and Robert W. Kates. (1964). The Perception of Natural Hazards in Resource Management. *Natural Resources Journal*, 3: 412-441.
7. Dallas TA, Carlson CJ and Poisot T (2019) *Testing predictability of disease outbreaks with a simple model of pathogen biogeography*. Royal Society Open Science 6(11): #190883.
8. Elsabawy, Mohamed Nour Eldin, (2013), Behavioral Geography: As a New Trend in Medical Geography Studies, *Mediterranean Journal of Social Sciences* 4(7),
9. Escobar LE and Craft ME (2016) Advances and limitations of disease biogeography using ecological niche modeling. *Frontiers in Microbiology* 7: #1174.
10. Foster, Susan. A, (1999), *The geography of behaviour: an evolutionary perspective*, Elsevier Science. All rights reserved. PII: S0169-5347(98)01577-8.
11. Gibson, J. (1966). *The senses considered as perceptual systems*. Boston: Houghto
12. Gold, John R. (2019), *ehavioural geography*, International Encyclopedia of Human Geography, second edition, volume 1.
13. Golledge, Reginald G, (2008), Behavioral Geography and the Theoretical/Quantitative Revolution, *Geographical Analysis*, ISSN 0016-7363.
14. Golledge, R. G., L. Brown, and F. Williamson. (1972). "Behavioral Approaches in Geography: An Overview." *Australian Geographer* 12, 59-79,
15. Golledge, R. G., and R. J. Stimson. (1997). *Spatial Behavior: A Geographic Perspective*. New York: Guilford Press.
16. Gordon, A., (2009), «Future Savvy», American Management Association Press, New York.
17. Godet. M., (2008), «Strategic Foresight», Lipsor Working Paper, France, Paris.
18. Neuma W. (2007) *Social research methods*, 6th ed. Upper Saddle River, NJ: Pearson Education, London.
19. Horby, Peter, Quang Thai, Pham, Hens, Niel, Thi Thu Yen, Nguyen, (2011), Social Contact Patterns in Vietnam and Implications for the Control of Infectious Diseases, Cesar Munayco, Dirección General de Epidemiología, Peru.
20. Jean K, Burnside WR, Carlson L, Smith K and Gu'egan JF (2016) An equilibrium theory signature in the island biogeography of human parasites and pathogens. *Global Ecology and Biogeography* 25: 107-116.
21. Kates, Robert W., and Joachiam F. Wohlwill (eds). (1966). Man's Response to the Physical Environment. *Journal of Social Issues*, 22(4) (special issue).
22. Kates, R. W. (1970). "Human Perception of the Environment." *International Social Science Journal* 22, 648-60.
23. Kalateh Sadati, Ahmad, Lankarani, Mohamad Hossein & Bagheri Lank Kamran, (2020), Risk Society, Global Vulnerability and Fragile Resilience; Sociological View on Coronavirus Outbreak, *Shiraz E-Medical Journal*.

24. Kirk W (1951) *Historical geography and the concept of the behavioral environment*. In: Kuriyan G (ed.) Indian Geographical Journal, Silver Jubilee Edition. Indian Geographical Society, Madras, India.
25. Lee, E.K.O., Shen, C., and Tran, T.V., (2009) 'Coping with Hurricane Katrina, psychological stress and resilience among African Americans evacuees', *Journal of Black Psychology*, 35(1): 5-23.
26. McLafferty, Sara & Wong, Sandy, (2018), *Spatial modeling's place in health geography*, Trends, critiques and future directions,
27. Malanson, George P, (2020), COVID-19, zoonoses, and physical geography, *Progress in Physical Geography*, Vol. 44(2) 149–150.
28. Mayer, J. D. (1996). The political ecology of disease as a new focus for medical geography. *Progress in Human Geography*, 20, pp. 441–456.
29. Meade, M S (1977), Medical geography as human ecology: the dimension of population movement. *The Geographical Review*, 67 (4): 379-393.
30. Paulse Derek J, Robinson Matthew B.(2004), *Spatial aspects of crime: Theory and practice*. USA: Allyn & Bacon; 2004. 384 p.
31. Mishra, R. P. (2007). *Geography of Health*. New Delhi : Concept Publishing Company,
32. Pigott DM, Millear AI, Earl L, Morozoff C, Han BA, Shearer FM, Weiss DJ, Brady OJ, Kraemer MU, Moyes CL and Bhatt S (2016) *Updates to the zoonotic niche map of Ebola virus disease in Africa*. eLife 5: #e16412.
33. Pinter-Wollman, Noa, Jelic, Andrea, M. Wells, Nancy, (2018), *The impact of the built environment on health behaviours and disease transmission in social systems*, Published by the Royal Society,
34. Schwartz, P. (2009). *The art of the long view*. New York: Doubleday.
35. Wright J K 1947 Terrae incognitae: the place of the imagination in geography. *Annals of the Association of American Geographers* 37: 1–15.

JOURNAL OF SUSTAINABLE REGIONAL & URBAN DEVELOPMENT STUDIES JSRUDS

Volume 4, Issue 1 - Serial Number 11, spring 2023

- Kates, R. W. (1970). "Human Perception of the Environment." *International Social Science Journal* 22, 648–60. (In English)
- Kates, Robert W., and Joachim F. Wohlwill (eds). (1966). Man's Response to the Physical Environment. *Journal of Social Issues*, 22(4) (special issue) (In English)
- Kirk W (1951) *Historical geography and the concept of the behavioral environment*. In: Kuriyan G (ed.) Indian Geographical Journal, Siler Jubilee Edition. Indian Geographical Society, Madras, India. (In English)
- Lee, E.K.O., Shen, C., and Tran, T.V., (2009) 'Coping with Hurricane Katrina, psychological stress and resilience among African Americans evacuees', *Journal of Black Psychology*, 35(1): 5-23. (In English)
- Malanson, George P, (2020), COVID-19, zoonoses, and physical geography, *Progress in Physical Geography*, Vol. 44(2) 149–150. (In English)
- Mayer, J. D. (1996). The political ecology of disease as a new focus for medical geography. *Progress in Human Geography*, 20, pp. 441–456. (In English)
- McLafferty, Sara & Wong, Sandy, (2018), *Spatial modeling's place in health geography*, Trends, critiques and future directions. (In English)
- Meade, M S (1977), Medical geography as human ecology: the dimension of population movement. *The Geographical Review*, 67 (4): 379-393, (In English)
- Mishra, R. P. (2007). *Geography of Health*. New Delhi: Concept Publishing Company, (In English)
- Neuma W. (2007) *Social research methods*, 6th ed. Upper Saddle River, NJ: Pearson Education, London. (In English)
- niche modeling. *Frontiers in Microbiology* 7: #1174. (In English)
- Paulse Derek J, Robinson Matthew B. (2004), *Spatial aspects of crime: Theory and practice*. USA: Allyn & Bacon; 2004. 384 p. (In English)
- Piggott DM, Millel AI, Earl L, Morozoff C, Han BA, Shearer FM, Weiss DJ, Brady OJ, Kraemer MU, Moyes CL and Bhatt S (2016) Updates to the zoonotic niche map of Ebola virus disease in Africa. *eLife* 5: #e16412. (In English)
- Pinter-Wollman, Noa, Jelic, Andrea, M. Wells, Nancy, (2018), *The impact of the built environment on health behaviours and disease transmission in social systems*, Published by the Royal Society,
- Schwartz, P. (2009). *The art of the long view*. New York: Doubleday. (In English)
- Wright J K 1947 *Terrae incognitae: the place of the imagination in geography*. *Annals of the Association of American Geographers* 37: 1–15. (In English)
- Zali, Nader and Mansouri, Sara, (2015), Analysis of key factors affecting the development of sustainable transportation in the horizon of Tehran metropolis 1404 (structural analysis method), *Modares Journal of Humanities (Planning and Spatial Planning)* (continuous). 88, No. 2, 1-32. (in Persian).

Cite this article: Faryad, SH., Ghasemi, F. (2023). Investigation of Iranian and Islamic architecture with the aim of returning to identity. *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 4(1),49-58

References

- Amanpour, Saeed, Maleki, Saeed, Safaipoor, Massoud, Amir Fahlyani, Mohammad Reza, (2018), Analysis of the situation and determination of scenario-based strategies in the resilience of Iranian metropolises (case study; Ahvaz metropolis). Scientific and Research Quarterly Journal of Research and Urban Planning, 9(35), 31-46. (in Persian).
- Amanpour, Saeed, Maliki, Saeed, Safaipoor, Masoud, Amir Fahlyani, Mohammad Reza, (2019), Compiling scenarios and presenting effective strategies in future social resilience (Case study: Ahvaz metropolis), Urban Social Geography two-part journal, 6th session, No. 2, Serial 15, 6(2), 255-273. (in Persian).
- Amiri Fahliani, Mohammad Reza, (2018), The application of the future research approach in the spatial evaluation and analysis of the dimensions and components of institutional resilience in metropolitan areas (Case study: Ahvaz metropolis), thesis of the doctoral course of geography and urban planning of Shahid Chamran University Ahvaz. (in Persian).
- Brooks, S.K., Webster, R.K., Smith, L.E., Woodland, L., Wessely, S., Greenberg, N., Rubin, G.J., (2020). *The psychological impact of quarantine and how to reduce it: rapid review of the evidence. The Lancet.* (In English)
- Burton, Ian, and Robert W. Kates. (1964). The Perception of Natural Hazards in Resource Management. *Natural Resources Journal*, 3: 412–441. (In English)
- Dallas TA, Carlson CJ and Poisot T (2019) *Testing predictability of disease outbreaks with a simple model of pathogen biogeography*. Royal Society Open Science 6(11): #190883. (In English)
- Elsabawy, Mohamed Nour Eldin, (2013), Behavioral Geography: As a New Trend in Medical Geography Studies, *Mediterranean Journal of Social Sciences* 4(7), (In English)
- Escobar LE and Craft ME (2016) Advances and limitations of disease biogeography using ecological Foster, Susan. A, (1999), *The geography of behavior: an evolutionary perspective, Elsevier Science*. All rights reserved. PII: S0169-5347(98)01577-8. (In English)
- Gibson, J. (1966). *The senses considered as perceptual systems*. Boston: Houghto (In English)
- Godet. M., (2008), “*Strategic Foresight*”, Lipsor Working Paper ,France , Paris. (In English)
- Gold, John R. (2019), *ehavioural geography*, nternational Encyclopedia of Human Geography, second edition, volume 1. (In English)
- Golledge, R. G., and R. J. Stimson. (1997). *Spatial Behavior: A Geographic Perspective*. New York: Guilford Press. (In English)
- Golledge, R. G., L. Brown, and F. Williamson. (1972). “Behavioral Approaches in Geography: An Overview.” *Australian Geographer* 12, 59–79, (In English)
- Golledge, Reginald G, (2008), *Behavioral Geography and the Theoretical/Quantitative Revolution, Geographical Analysis*. (In English)
- Gordon, A., (2009), «*Future Savvy*,» American Management Association Press, New York. (In English)
- Horby, Peter, Quang Thai, Pham, Hens, Niel, Thi Thu Yen, Nguyen, (2011), *Social Contact Patterns in Vietnam and Implications for the Control of Infectious Diseases*,: Cesar Monaco, Direccio’n General de Epidemiologi’a, Peru. (In English)
- Jean K, Burnside WR, Carlson L, Smith K and Gu’egan JF (2016) An equilibrium theory signature in the island biogeography of human parasites and pathogens. *Global Ecology and Biogeography* 25: 107–116. (In English)

An analysis of the future effects of behavioral geography on infectious diseases and covid-19 With a structural approach

Mohammad Reza Amiri Fahliani ^{1*}, Davod Moradi ²

¹. PhD in Geography and Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz

². Master's degree in History, Islamic Era Iran, Shiraz University, Shiraz, Iran

Received Date: 4 June 2023 **Accepted Date:** 20 June 2023

Abstract

Background and Aim: Behavioral geography is an approach in human geography that uses the methods and assumptions of behaviorism to determine the cognitive processes involved in a person's understanding or reaction to their environment. This science studies cognitive processes by reacting to the environment through behaviorism.

Methods: In this study, we aim to identify the key factors of behavioral geography in the future situation of infectious diseases in Iranian cities with a case study of Noorabad city. In terms of practical purpose, the present research has been carried out in terms of survey method at the exploratory level and based on the future research approach. The driving forces are determined by Delphi method, and then these factors are identified using the software (Mic Mac) based on the degree of importance and uncertainty, prioritization and the most vital factors.

Findings and Conclusion: The findings of the research indicate that among these variables, action behavior, inflation and social culture are the most influential key factors of the behavioral geography of Noorabad city in the face of infectious diseases, as well as limited employment opportunities, non-observance of health principles by Drivers of public vehicles, weak social capital, normalization of the existing situation were in the next ranks and had the most direct effect. Therefore, according to the findings of the research, it can be said; The sensitivity of the population and the behavior and communication that takes place in the geographical space by the citizens effectively causes the transmission of infection and infectious diseases.

Keywords: Behavioral Geography, Geography of Infectious Diseases, Futurology, Awareness Space, Noorabad Mamasani.

* Corresponding Author: amiri_reza1388@yahoo.com

Cite this article: Amiri Fahliani ,MR., Moradi, D. (2023). An analysis of the future effects of behavioral geography on infectious diseases and covid-19 With a structural approach. *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSRUDS)*, 3(4),59-76.

Sajjadi, S.J. (1974), Culture of Islamic Architecture, (Volume IV), Tehran: Authors and Translators Company Publications. (in Persian).

Taghizadeh, Ketayoun (2006), Lessons from natural structures, lessons for architects, Fine Arts, Volume 28, Number 28 (1407), 75-84. (in Persian).

Cite this article: *Faryad, SH., Ghasemi, F. (2023). Investigation of Iranian and Islamic architecture with the aim of returning to identity. Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS), 4(1),49-58*

References

- Abel, Chris (2008), *Architecture and Identity*, translated by Dr. Farah Habib, Islamic Azad University, Tehran. (in Persian).
- Afrogh, Emad (1988), *space and social inequalities*, Tehran: Tarbiat Modares University. (in Persian).
- Alexander. Christopher (2007), *Architecture and the Secret of Immortality: The Timeless Way of Building*, Shahid Beheshti University. (in Persian).
- Alikhani, Mino (2013), *from traditional nodes to modern urban hangouts, the necessity of a citizen-oriented city*, National Conference on Architecture, Urban Planning and Sustainable Development with a focus on native architecture to a sustainable city, Isfahan. (in Persian).
- Amir Yar Ahmadi, Mahmoud (2003), *Towards Humanistic Urbanism*, Tehran: Urban Planning and Processing Company. (in Persian).
- Bamanian, Mohammad Reza (2014), *capacity measurement of using double-walled shells in the architectural design of hot and dry climate in Iran in order to reduce energy consumption (case study of Yazd city)*, 19(3), 29-38(in Persian).
- Bentley, Iain (2006), *Responsive Environments: A Handbook for Designers*, translated by Mostafa Behzadfar, Tehran: Iran University of Science and Technology. (in Persian).
- Diba, Darab (1999), *inspiration and understanding of the fundamental concepts of Iranian architecture*. *Architecture and Culture* 1 (1), 111-97. (in Persian).
- Ghasemi, Marwarid (2004), *Where are we from, identifying residential contexts*, first edition, Tehran, Rozeneh Publications. (in Persian).
- Grote, Linda and David, Wang (2009), *Research Methods in Architecture*, translated by Alireza Einifar, University of Tehran, Tehran. (in Persian).
- Hojjat, Isa (2005), *Humanizing Identity, Identity-Making Human: An Interaction Regarding Identity and Architecture*, *Fine Arts Quarterly* No. 24. (in Persian).
- Karimi, Ali (2014), *The truth of the house, an approach to the recognition of value, ten articles on architecture, the institution and the dignity of the house*, Rowaq Nazar authorship, translation and publication of text works of art, Tehran. (in Persian).
- Latifi, Gholamreza; Safari agile, Neda. (2012). *Re-creating the neighborhood concept in Iranian-Islamic cities based on the principles of neo-urbanism*. *Quarterly Journal of Urban Studies*, 2(8), 3-12. (in Persian).
- Madanipour, Ali (1900), *Designing urban spaces, an approach to community and place processes*, Tehran: Urban Planning and Processing Company. (in Persian).
- Moharrami, Towhead (2004), *Identity in Iran*, Tehran: Academic Jihad Publications.
- Motheghi, Ramin and Irmelo, Sahar (2004), *Elements of Cultural Identity in the City*, Civil Engineering Reference, First International Conference of the Best City, Best Plan, Hamedan, Hamedan Civil Organization and Municipality. (in Persian).
- Mutadidin, Heshmatullah (2000), *the causes of the historical gardens of Iran*, *Bagh Nazar*, 7(15), 51-62. (in Persian).
- Naghizadeh, Mohammad (2002), *The influence of architecture and the city on cultural values*, *Fine Arts*, 11, 62-76. (in Persian).
- Nofal, Seyed Alireza, Kolbadi, Parin and Pourjafar, Mohammadreza (2009), *survey and evaluation of effective indicators in urban identity (case example: Jolfa neighborhood in Isfahan city)*, *Arman Shahr magazine*, No. 8, 57-69. (in Persian).
- Partovi, Parvin (2003), *Place and Placelessness: A Phenomenological Approach*, *Fine Arts Magazine*, No. 14, 50-40. (in Persian).
- Pirnia, Mohammad Karim (2004), *Iranian architectural stylistics*, Soroush Danesh Publishing House, Tehran. (in Persian).

Investigation of Iranian and Islamic architecture with the aim of returning to identity

Shaghaigh Faryad ^{1*}, Fateme Ghasemi ²

¹ . Department of Architecture, Ferdous Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

². Bachelor of Architectural Engineering, Ferdous Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

Received Date: 12 June 2023

Accepted Date: 20 June 2023

Abstract

Background and Aim: Iranian-Islamic identity and customs express the cultural characteristics and characteristics of this border and environment. A topic that should appear in all aspects of life, especially in the field of architecture and urban planning. Achieving architecture with identity is a valuable and important issue in contemporary Iranian architecture. Because in the past, Iranian and Islamic architecture was one of the most influential architectural styles in the world; By using their intelligence and ingenuity and ultimately artistry, according to the geographical, climatic and cultural conditions of each region, Iranian architects developed these architectural elements and tried to establish the comfort of the people. This article seeks to create a suitable intellectual framework for this debate in the field of architecture.

Methods: The research method used in this research is practical in terms of type and its goals, and in terms of research strategy, based on it, the descriptive-analytical method was used, and the library method was used to collect information and data. In order to analyze the theories, a logical argument has been made for the documentation of the texts, and in this method, the issues of qualitative and conceptual strategy are tried to be disseminated in this research.

Findings and Conclusion: The result of the research shows that if the foundations and ways of manifesting the principles and elements of Iranian-Islamic architecture are paid attention to by architects, it can also meet the needs of contemporary people.

Keywords: identity, Iranian and Islamic architecture, culture, urban space.

* Corresponding Author: Fatemeghaseme80@gmail.com

Cite this article: Faryad, SH., Ghasemi, F. (2023). Investigation of Iranian and Islamic architecture with the aim of returning to identity. *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 4(1),49-58.

Zamani, Bahadur, Nastern, Mahin, Masoud, Mahmoud, Khosravi Danesh, Omid (2011), "Analysis of housing development in the worn-out context of Kordabad, Isfahan, with a sustainable development approach", Sakht Shahr Journal, No. 19. (in Persian).

Zarkani, Seyyed Hadi, Ghanbari, Mohammad, Razvinejad, Morteza (2017). Investigation and analysis of management strategies of Afghan immigrants in Khorasan-Razavi province using the (ANP-SWOT) model", Human Geography Research, 49(2), 289-305. (in Persian).

Cite this article: Mohammadi.J, Salari.z, (2023). *Identifying and developing strategies for the renewal of worn out tissue by combining strategic models and network analysis (SWOT - ANP) (Case study: Dardasht neighborhood of Isfahan). Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS), 4(1),30-48.*

Mukhtar Malekabadi, Reza, Ebrahimi, Mahdi, Karmi, Amina (2015). Compilation of strategic strategies for the improvement and renovation of the dilapidated fabric of Jahrom city using the SWOT model, Aamish Mohit, 8(29), 177-200. (in Persian).

Nasr, Tahira. (2017). A research on the evaluation of renovation measures of worn-out urban tissues of Iran (compared to global renovation experiences) in line with the goals of sustainable development. Regional Planning Scientific Quarterly, 7(27), 181-198. (in Persian).

Pinto, S. and Sablik, T. (2016), "Understanding Urban Decline", Annual Report, PP. 4-20. Popik, B. (2005), pensioners and the general improvement of the welfare of the less privilege, web.ng.undp.org. (In English).

Rafiyan, Mojtabi, Zahid, Nafisa. (2021). "Urban deterioration model modeling and typology of the worn-out fabric of Qom city", Human Geography Research, 53(2), 365-387. (in Persian).

Rahimi, Hojat Elah, Heydari, Mustafa (2022). "Residents' assessment of the effectiveness of the improvement and renovation laws of worn-out and inefficient urban tissues on the regeneration of Hamidia city" Journal of Geography and Urban-Regional Planning, 13(46), 177-202.

Rezaei, Mohammad Reza, Karimi, Babraz (2016). "The role of CDS urban development strategy in organizing informal settlements by combining ANP and SWOT models (case study: Shahrak Bahar Shiraz), Regional Planning Quarterly, No. 22, 109-120. (in Persian).

Rostami, Shah Bakhti; Nazari, Narges (2013). "Spatial analysis of worn-out urban fabric with emphasis on physical-cultural organization strategies (Case study: West Islamabad city)", Scientific-Research Journal of Spatial Planning, 3(1), 19-36. (in Persian).

Sarwar, Hoshang (2019). "Identification of worn-out urban tissues based on the physical indicators of a case study: one area of the city of Tabriz. Stable Shahr Quarterly, 2(1), 1-14. (in Persian).

Sarwar, Rahim, Mirzadeh, Ruhollah, Sultanzadeh, Akbar, Sobhani, Nobakht (2016). Evaluation of the physical indicators of worn-out urban tissues and its problems (case study: Ashnoye city), Urban Ecology Quarterly, 7th year, number 2, 39-54. (in Persian).

Shamai, Ali, Pourahmad, Ahmed (2013). "Urban improvement and modernization from the point of view of geography", Tehran University Publications, fifth edition. (in Persian).

Sharifian, Zahra, Omranipour, Ali (2013). "Examination of the texture of the neighborhood in Isfahan desert and providing solutions to protect and create balance between the old and new body of the neighborhood, International Civil Conference", International Conference on Civil Engineering, Architecture and Sustainable Urban Development. (in Persian).

Shrestha, R. Alavalapati, K. Janki, R.R. Kalmbacher, R. (2006), "Exploring The Potntial for Silvopasture Adoption in South – central Florida: An Application of SWOT – AHP Method", Agricultural Systems, 81(1). (In English)

Supreme Council of Urban Planning and Architecture (2006). "Guideline for identification and intervention in worn tissue". (in Persian).

Tagvai, Masoud, Kyomurthi, Hossein, (2012). "The application of tourism planning and management techniques and models", first edition, Tehran, Mozni publications. (in Persian).

Tibbalds, F. (1992), "making people – friendly towns: Improving the public environment in towns and city" the University of Michigan, 47-61. (In English)

Yazdani, Mohammad Hassan; Hazadi, Safiya; Deh Deh Zadeh Silabi, Parvin. (2017). Revival of worn-out urban fabrics with a sustainable tourism approach by combining strategic planning models and network analysis (ANP-SWOT) Case study: worn-out fabric of Khoy city. Journal of Urban Tourism, 4(1), 41-56. (in Persian).

References

- Akbarpour, Mohammad, Pour Ahmad, Ahmed, Imranzadeh, Behzad (2011). "Evaluation of people's participation in improving and renovating dilapidated structures (case study: Siros neighborhood of Tehran)", *Geography and Urban Planning Quarterly*, 16(36). (in Persian).
- Alpopi, C, manole, C. (2013). Integrated urban regeneration solution for citi revitalize. *procedia E conomics and finance*, 6, 178-185. (In English)
- Amanpour, Saeed; Hashemi Qandali, Farkhandeh (2022). Investigation and evaluation of the resilience of the physical components of the worn-out urban fabric (case study: the worn-out fabric of the city of Suleiman Mosque), *Journal of Sustainable Urban and Regional Development Studies*, 3(4), 65-81. (in Persian).
- Chakravarthy, K. Ravi-Kumar, C.H, and Deepthi, K. (2008), "SWOT Analysis on Medical Tourism, Presented at the Conference on Tourism in India-Challenges Ahead", pp15-17. (In English)
- Chouch, chris. & Dennemann, Annekatrin. (2019) Urban regeneration and sustainable development in Britain, cities, vol.17, No.2, pp.137-147. (In English)
- Ebrahimzadeh, Isa & Maleki, Golafarin. (2012). An analysis on the organization and intervention in the dilapidated urban fabric (case study: the dilapidated fabric of Khorram Abad city). *Human Geography Research*, 44(3), 217-234. (in Persian)
- Farooqi, Frika, (2012). "Development of urban design criteria with a culture-based regeneration approach to promote cultural tourism in the old context, a case example: a part of the historical context of Sanandaj", master's thesis in the field of urban planning, Tarbiat Modares University. (in Persian).
- Georgiania, Adel; Amini, Elham (2022). Phenomenology of space and time identity in valuable worn-out textures with sustainable development approach, *Iran Social Development Journal*, 14(4), 269-254. (in Persian).
- Haase, A. Bernt, M. Grossmann, K. Mykhnenko, V. and Rink, D. (2013), "Varieties of shrinkage in European cities, *European Urban and Regional Studies*", PP. 1-17. (In English)
- Haase, A., Rink, D. Grossmann, K. Bernt, M. and Mykhnenko, V. (2014), "Conceptualizing urban shrinkage", *Journal of Environment and Planning A*, Vol. 46, No.7. (In English).
- Haqpanah, Maryam, Karimi, Baqer, Mehdinejad Darzi, Jamaluddin (2021). Participatory approach in the maintenance of worn-out urban fabric (Study example: Nader Kazemi neighborhood of Shiraz). *Scientific and research quarterly of research and urban planning*, 12(47), 305-318. (in Persian).
- Hashemzadeh Qala Jouk, Farshid, Abizadeh, Massoud, Safar Alizadeh, Ismail. (2020). Identifying and prioritizing the most important effective factors in advancing urban management programs in the field of worn-out fabric (case study: Mako city). *Scientific and research quarterly of research and urban planning*, 11(40), 137-154. (in Persian).
- Hill, T. Westbrook, R. (1997), "SWOT analysis it's time for a product recall, Long Rang planning", 30-46-52. (In English).
- Ishaghi, Javad, Tabibi, Nader, Jafari, Ayoub, Jasmi, Seyed Maysam (2022). Identification and compilation of intervention strategies in the development of worn-out urban tissues "case of study: the central tissue of Sanandaj city". *Geography of the land*, 19(74), 70-86. (in Persian)
- Ismailian, Sahar, Pour Jafar, Mohammad Reza (2013). "In search of criteria that shape the urban space network in the historical contexts of Iran (case study: Dardasht neighborhood of Isfahan)", *Urban Management Quarterly*, 11(31), 65-81. (in Persian)
- Khademi, Masoud, Alipour, Raja (2011). "Effects of intermediate structures", *Manzar Magazine*, 3(14). (in Persian).
- Kropf, Karal. (1996), "urban tissue and the character of towns", *School of Geography, University of Birmingham, Edgbaston, Birmingham B15 2TT, UK*, PP 263-248. (In English)

Identifying and developing strategies for the renewal of worn out tissue by combining strategic models and network analysis (SWOT - ANP) (Case study: Dardasht neighborhood of Isfahan)

Jamal mohammadi ¹, Zahra salari ^{2*}

¹. Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Esfahan University, Esfahan, Iran.

². MSc. Department of Geography and Urban Planning, Esfahan University, Esfahan, Iran.

Received Date: 19 May 2023 **Accepted Date:** 05 June 2023

Abstract

Background and Aim: Today, in terms of structure and functionality, worn-out structures have suffered deficiencies that cannot meet the needs of the residents today. Despite the inefficiency of worn-out urban tissues, today, with the help of strategic methods and network analysis, different strategies can be provided for the renovation of worn-out tissues. The main goal of the current research is to present strategies for the renewal of worn-out fabric by combining strategic models, which network analysis has been done in Dardash neighborhood of Isfahan.

Methods: The method used in this research is descriptive-analytical based on its purpose and applied, and the method of study is descriptive-analytical according to its method and nature. To collect information in this study, library and document methods, direct observation method, and field and survey studies such as interviewing people, experts and urban elites and preparing a questionnaire using Delphi method were used. The questionnaire was made by the researcher and was set up with closed questions in the form of Likert spectrum with five options. The statistical population of this research includes officials and experts of organizations and institutions related to urban renovation and improvement.

Findings and Conclusion: The results of the research showed that W01, S02, WT1 are the three main strategies for renovating the worn-out fabric of Dardash neighborhood, which are WT1 improving the narrow and narrow roads and increasing the quality, S02 surrounding the neighborhood with an important communication network and its special effect on improvement. The quality of neighborhood uses and review strategies, W01 has appropriated the opportunity of the presence of barren and ruined lands to be used in order to rapidly advance physical plans and programs, respectively, the first to third priority for the renovation of the worn-out fabric of Dardasht neighborhood.

Keywords: Renovation, worn texture, SWOT model, ANP model, Dardasht

* Corresponding Author: Zahrasalari91@yahoo.com

Cite this article: Mohammadi.J, Salari.z, (2023). Identifying and developing strategies for the renewal of worn out tissue by combining strategic models and network analysis (SWOT - ANP) (Case study: Dardasht neighborhood of Isfahan). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 4(1),30-48.

References

- Afrogh, Emad, (1998) Space and social inequalities, Tehran: Tarbiat Modares University. (in Persian)
- Alexander, C. (1977). From a set of forces to a form. In G. Kepes (ed.), *Man-made Objects*.
- Barakpour; Nasser (2001), Stability of identity in residential neighborhoods - a conversation with Kamran Zakavot, *Municipalities Magazine*, No. 25, Tehran. (in Persian)
- Barzegar, Mohammad Reza, (2004) Recognizing urban identity, *Proceedings of the Iranian Urban Planning Conference*, Shiraz. (in Persian)
- Correa, C. (1983). *Architecture and Identity*. Singapore: Concept Media Pte Ltd. (In English)
- Cullen, Gordon, (1998), *Manzohr Shahri*, Nasharah, Tehran. (in Persian)
- Ghasemi Isfahan, Marwarid (2004). Where are we from? Identification of residential contexts, first edition, Tehran, Rozeneh Publications. (in Persian)
- Habib, Farah; Naderi, Seyed Majid; Farozanghar, Hamida. (2008). Substantial question in the discourse of the body of the city and identity (the body of the city is a function of identity or identity is a function of the body of the city? *Hoyt Shahr*, 2(3), 13-23. (in Persian)
- Hojjat, Issa, (2005) Human identity, identity creator: an interaction between identity and architecture, *Fine Arts Quarterly* No. 24, pp. 55-62. (in Persian)
- Iqbali, Seyyed Rahman, (1999) Identity of architecture - Iranian architect, a comparative study of theories and experiences, doctoral thesis, University of Tehran, Tehran. (in Persian)
- Lynch, Kevin, (1997) *Theory of good city form*, University of Tehran. (in Persian)
- Madanipour, Ali, (2000) *Designing urban spaces, an approach to community and place processes*, Tehran: Urban Planning and Processing Company. (in Persian)
- Melabi, Qasim (2001), *Environmental Psychology: A New Knowledge in the Service of Architecture and Urban Design*, *Fine Arts Journal*, Tehran University Press, No. 10. (in Persian)
- Moharrami, Towheed, (2004) *Identity in Iran*, Tehran: Jihad University Press. (in Persian)
- Mortazavi, Shahrnaz, (2001) *Environmental psychology and its application*, Shahid Beheshti University Printing and Publishing Center, Tehran. (in Persian)
- Mosaghi, Ramin and Irmelo, Sahr, (2004) Elements of cultural identity in the reference city of civil engineering, the first international conference of the best city, the best project, Hamedan, Hamedan Civil Organization and Municipality. (in Persian)
- Naghizadeh, Mohammad (2001), the role of the mosque in authenticating the Islamic identity of the city, mosque architecture, the horizon of the future; Volume 2, 653-672. (in Persian)
- Naghizadeh, Mohammad (2002) The influence of architecture and the city on cultural values, *Fine Arts*, Volume 11, Number 11 (459), 62-76. (in Persian)
- New York: Studio Vista Publishers. (In English)
- Nofal, Seyed Alireza, Kalbadi, Parin; Pourjafar, Mohammad Reza, (2009). Investigation and evaluation of effective indicators in urban identity, case example: Jolfa neighborhood in Isfahan city. *Utopia Architecture and Urbanism*, 2(3), 57-69. (in Persian)
- Sajjadi, S.J., (1984) *Culture of Islamic Architecture*, Volume 4, Tehran: Authors and Translators Company Publications. (in Persian).
- Soleimani, Mohammadreza; Itsam, Iraj; Habib, Farah (2015). Recognizing the concept and principles of identity in the work of architecture. *City Identity*, 10(1), 15-26. (in Persian)

Cite this article: Akbari, J., Ghasemi, F. (2023). *The place of mosques in giving identity to neighborhoods and urban spaces. Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 4(1), 19-29.

The place of mosques in giving identity to neighborhoods and urban spaces

Javad Akbari ^{1*}, Fateme Ghasemi ²

¹. Master of Architecture, Municipality, Mashhad, Iran

². Bachelor of Architectural Engineering, Ferdous Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

Received Date: 18 April 2023 Accepted Date: 20 May 2023

Abstract

Background and Aim: Today's man is not able to live without considering what has happened to him, and in order to have a better life, he must rely on the infrastructure he has already acquired. Human identity is manifested in the most basic state in the environment that is self-decorated. With the arrival of cultural elements from other countries, especially western countries, the culture and the identity of the Iranian society have undergone changes; Therefore, today, the discussion about identity and culture has been paid attention to in various scientific branches. Since one of the methods of investigating the identity of society is to pay attention to its spatial and urban communication elements, this article is presented with the aim of investigating the place of mosque architecture in giving identity to the urban space. The goals of this research are to revive the urban space and its aesthetic features, to breathe a new spirit in different social, economic, cultural and physical fields, to change the level of culture, to preserve and promote ancient values, to create a contemporary urban space with the pattern of elements Tradition and consolidation of the sense of belonging to the named place.

Methods: The research method in the data collection section was carried out in a qualitative manner, the extraction and examination of the elements of identity in the architecture of mosques was carried out in the form of a conceptual diagram and in a library and documentary manner.

Findings and Conclusion: The findings of the research show that paying attention to the body and the way of arranging spaces and other urban elements, along with the cultural and spiritual issues that are the duties of urban designers, are among the things that promote the identity of mosques in the urban space.

Keywords: identity, mosques, architecture, urban space, sense of belonging to a place.

* Corresponding Author: javad1365asd@yahoo.com.

Cite this article: Akbari, J., Ghasemi, F. (2023). *The place of mosques in giving identity to neighborhoods and urban spaces*. *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 4(1),19-29.

Luthar, S. S., Cicchetti, D., & Becker, B. (2000). "The construct of resilience: a critical evaluation and guidelines for future work". *Child Development*, 71(3), 543–562. (In English)

Maguire, Brigit and Cartwright, Sophie, (2008), BRS Publication Sales, assessing a community's capacity to manage change: A resilience approach to social assessment. (In English)

Mahmoudzadeh, Hassan, Nazari, Masoumeh, & Harishchian, Mehdi. (2021). Measuring and evaluating the resilience of worn-out urban fabric against earthquakes, case study: Shahrekord. *Journal of Geographical Survey of Space*, 11(41), 163-182 (in Persian)

Maleki, Saeed, Amanpour, Saeed, Safaipour, Massoud, Pourmousavi, Seyyednader, & Maudet, Elias. (2016). Evaluating the spectrum of physical resilience of cities against earthquakes using planning models (case example of Ilam city), *Physical Development Planning*, 4(1), 9-20. (in Persian)

Marana P, Eden C, Eriksson H, Grimes C, Hernantes J, Hawick S, Pyrko I., (2019). Towards a resilience management Guideline-Cities as a starting point for societal resilience. *Sustainable Cities and Society*, 101531. (In English)

Mayunga, Joseph S (2007), Understanding and applying the concept of community disaster resilience: a capital-base approach, a draft working paper prepared for the summer academy for social vulnerability are resilience building, Munich, Germany. (In English)

Mehrdanesh, Gona, Azadizadeh, Namdar. (2019). Topic: The concept of urban resilience, future management and planning of cities (Corona 19). *Geography and Human Relations*, 3(1), 132-161. (in Persian)

Namjoo, Forough, Samadzadeh, Rasoul, & Masoumi, Mohammad Taghi. (2019). Measuring urban resilience against earthquake risk (case study: Tabriz metropolis). *Geography and Environmental Hazards*, 9(4), 201-219. (in Persian)

OXFORD advance learner's dictionary(2005) .7th ed., Oxford university press. (In English)

Portahari, Mehdi (2009), the application of multi-criteria decision-making methods in geography, first edition, organization for the study and editing of university humanities books (Alavi, Seyed Ali, Ebrahimi, Mohammad, Najaf, Pour Mahmoudabad, Bahman, and Khalidi, Abdullah. (2016). Evaluation of the vulnerability of the worn-out fabric of Minab city against earthquakes. *Crisis Management*, 5(9), 71-82. (in Persian)

Rafiyan, Mojtaba and others (2013). Conceptual explanation of resilience and its indexing in community-based disaster management, *Modares Quarterly of Human Sciences-Planning and Space Planning*, No. 4, 19-41. (in Persian)

Shamai, Ali, Sasanpour, Farzaneh, & Ali-Hosseini, Rahman. (2018). Spatial analysis of urban resilience in the neighborhoods of the central part of Tabriz city. *Urban Planning Geography Research*, 7(2), 349-374. (in Persian)

Sharifi, A., and Yamagata, Y., (2018), Resilience Oriented Urban Planning, Global Carbon Project Tsukuba International Office National Institute for Environmental Studies Tsukuba Japan, Part of the Lecture Notes in Energy Book Series., LNEN, Vol. 65. PP. 3-27. (In English)

Wang, C.Y., Guo, J., and Kuo, M.F. (2020). The building of social resilience in Sichuan after the Wenchuan earthquake: A perspective of the socio-government interactions, *Safety science*, 126: 1-8. (In English)

Cite this article: *Sohrabi.V, Avish.M, Zulfizadeh.I (2023). Resilience in informal settlements with an emphasis on the physical dimension (Nakhel Nakhda and Talaband neighborhoods, Bandar Abbas city). Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS), 4(1),1-18.*

Agudelo, V., and Claudia, M., (2012), Harvesting Urban Resources Towards More Resilient Cities, In: Resources, Conservation and Recycling, Vol. 64, No. 5, PP. 3-12.

Ahmadinia, Farid, Boghran, Mehra (2014). Urban resilience: coping with crisis, experiences and solutions, the first international conference on natural hazards and environmental crises in Iran, solutions and challenges, Ardabil. (in Persian)

Ainuddin, S. Routray, Jayant Kumar (2012), Community resilience framework for an earthquake prone area in Baluchistan, International Journal of Disaster Risk Reduction, 2, 25-36.

Amaratunga, D., & Haigh, R. (2011). Post-disaster Reconstruction of the Built Environment: Rebuilding for resilience. John Wiley & Sons.

Asgharpour Mohammad Javad, (2010), "multi-criteria decision making" Tehran University Press. (in Persian)

Atai, Mohammad, (2010), "multi-criteria decision-making", Shah rood University of Technology Publications, first edition. (in Persian)

Badii Qaraqieh, Ruqieh, and Arbabi, Azadeh. (2021). Empowerment of informal settlements with emphasis on social capital approach (case study: Islamshahr city). Quarterly Journal of Urban and Regional Sustainable Development Studies, 3(3), 1-23. (in Persian)

Bonanno, G.A., Romero, S.A., Klein, S.I., (2015). "The temporal elements of psychological resilience": an integrative framework for the study of individuals, families, and communities. Psychol. Inq. 26, 139–169.

Dadashpour, Hashem, & Adeli, Zainab. (2014). Measurement of resilience capacities in Qazvin urban complex. Crisis Management, 4(2), 73-84. (in Persian)

Doyle, A. (2015). urban resilience: the regeneration of the Dublin Docklands. Urban Design and Planning. 169: 175–184. (In English)

Exner, A., Politti, E., Schriefl, E., Erker, S., Stangl, R., Baud, S., Warmuth, H., Matzenberger, J., Kranzl, L., Paulesich, R., Windhaber, M., Supper, S., Stoglehner, G., (2016). Measuring regional resilience towards fossil fuel supply constraints. Adaptability and vulnerability in socio-ecological transformations - the case of Austria. Energy Policy 91, 128-137. (In English)

Folke, C., Carpenter, S., Elmqvist, T., Gunderson, L., Holling, C.S., Walker, B., (2002). Resilience and sustainable development: building adaptive capacity in a world of transformations. AMBIO A J. Hum. Environ. 31, 437-440. (In English)

Gasparini, P. & Manfredi, G. & Asprone, D. (2014) Resilience sustainability in relation to natural disasters, Springer International, 3(1), pp.1-150. (In English)

Huck, A., Monstadt, J., and Driessen, P. (2020). Building urban and infrastructure resilience through connectivity: An institutional perspective on disaster risk management in Christchurch, New Zealand, Cities, 98: 1-10. (In English)

Klein, R. J. & Nicholls, R. J. & Thomalla, F. (2003) The resilience of coastal megacities to weather-related hazards. Building Safer Cities, pp.101-120. (In English)

Kontokosta, E., and Malik, A., 2018, The Resilience to Emergencies and Disasters Index: Applying Big Data to Benchmark and Validate Neighborhood Resilience Capacity, Sustainable Cities and Society, 36. 272-285. (In English)

León, J., March, A. (2014) , Urban morphology as a tool for supporting tsunami rapid resilience: A case study of Talcahuano, Chile, Habitat International, Volume 43, 250–262. (In English)

Lotfi Hamdollah, Nouri Kermani Ali, Ziyari Karamatullah. Analysis of erosive and physical resilience factors in the worn-out fabric of Ilam city. Environmental erosion research 1401; 12 (2): 251-230. (in Persian)

Resilience in informal settlements with an emphasis on the physical dimension (Nakhel Nakhda and Talaband neighborhoods, Bandar Abbas city)

Vahid Sohrabi ^{1*}, Mehdi Avish ², Ismail Zulfizadeh³

1. Ph.D. student of geography and urban planning, Larestan Free University, Larestan, Iran

2. Master of Structural Engineering, Bandar Abbas Azad University, Bandar Abbas, Iran

3. Master of Structural Engineering, Larestan Azad University, Larestan, Iran

Received Date: 10 May 2023 **Accepted Date:** 15 June 2023

Abstract

Background and Aim: One of the most important requirements for dealing with the physical problems of cities is to improve the level of resilience of urban areas in case of possible accidents. Resilience is a new concept in urban planning that refers to the ability of people, groups and objects to return to their original conditions or better.

Methods: The current research is descriptive-analytical and applied, which uses 11 criteria to measure physical resilience. The weight of the criteria using Fuller's hierarchical triangle method shows that the ownership status (0.21), the number of households in a residential unit (0.18) and the employment status of the head of the household (0.165) are the most important in measuring the level of resilience in Nakhda and Talaband neighborhoods. The combination of criteria with the simple weighted sum method in 5 floors shows the level of resilience in Nakhel Nakhda and Talaband neighborhoods, which review of the findings shows that 46% of the area of the neighborhood is at a high and very high level of resilience, while only 28% of It houses the population, and on the other hand, 30% of the mentioned neighborhoods are located at the low and very low level of resilience, which includes 42% of the population.

Findings and Conclusion: The final map, which is calculated in five levels from very low to very high, shows that 30% of Nakhel Nakhda and Talaband neighborhoods are located at low and very low resilience levels, it can be argued that the characteristics Physical factors play a very important role in the resilience of informal settlements, and any change in physical criteria can significantly affect the resilience of the neighborhood.

Keywords: physical, informal settlement, resilience, Bandar Abbas.

* Corresponding Author: sohrabiv@gmail.com

Cite this article: Sohrabi.V, Avish.M, Zulfizadeh.I (2023). Resilience in informal settlements with an emphasis on the physical dimension (Nakhel Nakhda and Talaband neighborhoods, Bandar Abbas city). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSRUDS)*, 4(1),1-18.

JOURNAL OF SUSTAINABLE REGIONAL & URBAN DEVELOPMENT STUDIES JSRUDS

ISSN: 2783-0764

Volume 4, Issue 1, Serial Number 11 - Spring 2023

Contents

Page

- ❖ **Resilience in informal settlements with an emphasis on the physical dimension (Nakhel Nakhda and Talaband neighborhoods, Bandar Abbas city)**
 - Vahid Sohrabi, Mehdi Avish, Ismail Zulfizadeh.....1-18
- ❖ **The place of mosques in giving identity to neighborhoods and urban spaces**
 - Javad Akbari, Fateme Ghasemi19-29
- ❖ **Identifying and developing strategies for the renewal of worn out tissue by combining strategic models and network analysis (SWOT - ANP) (Case study: Dardasht neighborhood of Isfahan)**
 - Jamal mohammadi, Zahra salari30-48
- ❖ **Investigation of Iranian and Islamic architecture with the aim of returning to identity**
 - Shaghaigh Faryad, Fateme Ghasemi49-58
- ❖ **An analysis of the future effects of behavioral geography on infectious diseases and covid-19 With a structural approach**
 - Mohammad Reza Amiri Fahliani, Mohammad Saeid kiani.....59-76

In the Name of Allah

JOURNAL OF SUSTAINABLE REGIONAL & URBAN DEVELOPMENT STUDIES JSRUDS

Volume 4, Number 1, Serial Issue 11 - Spring 2023

License Holder: Dr. Saeed Maleki

General Director: Dr. Karim Hosseinzadeh Dalir

Editor-in-Chief: Dr. Saeed Maleki

Editorial Board

Dr. Karim Hosseinzadeh Dalir, Department of Geography & Urban Planning, University of Tabriz

Dr. Saeed Maleki, Department of Geography & Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz

Dr. Ahmad Poorahmad, Department of Geography & Urban Planning, University of Tehran

Dr. Sedigheh Lotfi, Department of Geography & Urban Planning, Mazandaran University

Dr. Issa Ebrahimzadeh, Department of Geography & Urban Planning, Sistan and Baluchestan University

Dr. Hamidreza Warsi, Department of Geography & Urban Planning, University of Isfahan

Dr. Rasoul Ghorbani, Department of Geography & Urban Planning, University of Tabriz

Dr. Hossein Nazmfar, Department of Geography & Urban Planning, Mohaghegh Ardabili University

Dr. Masoud Safaeipour, Department of Geography & Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz

Dr. Nahid Sajjadian, Department of Geography & Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz

Dr. Mohammad Ali Firoozi, Department of Geography & Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz

Dr. Yarmohammad Ghasemi, Department of Social Sciences, Ilam University

Dr. Mohammad Hossein Saraei, Department of Geography & Urban Planning, Yazd University

Dr. Abbas Alipour, Department of Political Geography and Geopolitics,

International Advisory Board

Saied Pirasteh, Geography and Environmental Management Waterloo Institute for Disaster Management, University of Waterloo, Canada

Soheil Sabri Centre for Spatial Data Infrastructures & Land Administration in the University of Melbourne
Melbourne Centre for Spatial Data Infrastructures & Land Administration in the University of Melbourne

Persian Editor: Dr. Mokhtar Ebrahimi, Department of Persian Language & Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran

English Language Editor: Maryam Ebrahimi, language & English literature MA

Internal Manager: Dr. Elyas Mavedat, Department of Geography & Urban Planning, Jundishapur University of Technology, Dezful, Iran

Executive Director: Dr. Zahra Soltani, Department of Geography & Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran

Executive Director: Mahnaz Hosseini Siahgoli, PhD in Geography and Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz

Technical Manager: Fahimeh Fadaijezi, PhD Student in Geography and Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz

Publisher: Dr. Saeed Maleki (Private)

Address: Islamic Republic of Iran, Ilam Province, Ilam, Pasdaran St., Shahid Chamran St., Shahid Chamran cul-de-sac. Postal Code 48484-69316

Online ISSN: 0764-2783

Tel: +98 9188424415-+98 84 33350924

E-mail:

srdjournal@gmail.com/sustainableregionaldevelopmentstudiesjournal@gmail.com

http://srd.sr

Sustainable Urban & Regional Development Studies



Volume 4, Issue 1, Serial Number 11 - Spring 2023

ISSN: 2783-0764

- ❖ **Resilience in informal settlements with an emphasis on the physical dimension (Nakhel Nakhda and Talaband neighborhoods, Bandar Abbas city)**
- ❖ Vahid Sohrabi, Mehdi Avish, Ismail Zulfizadeh.....1-18

- ❖ **The place of mosques in giving identity to neighborhoods and urban spaces**
- Javad Akbari, Fateme Ghasemi19-29

- ❖ **Identifying and developing strategies for the renewal of worn out tissue by combining strategic models and network analysis (SWOT - ANP) (Case study: Dardasht neighborhood of Isfahan)**
- Jamal Mohammadi, Zahra Salari30-48

- ❖ **Investigation of Iranian and Islamic architecture with the aim of returning to identity**
- Shaghagh Faryad, Fateme Ghasemi49-58

- ❖ **An analysis of the future effects of behavioral geography on infectious diseases and covid-19 With a structural approach**
- Mohammad Reza Amiri Fahliani, Mohammad Saeid kiani.....59-76

- ❖ **Understanding the physical-spatial components of place in the production of social capital in local communities: A data-based theory approach (Case study: Rodaki neighborhood, region 10 of Tehran Municipality)**
- Aylin Shidaei1, Mohsen Esmaili.....77-92

<http://www.srds.ir/>

E-mail: srdsjournal@gmail.com

